

تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی

محمد محسن حیدری *

چکیده:

تقریب و همگرایی از نیازهای اساسی و مهم امروز جهان اسلام است. یکی از منادیان وحدت مسلمین و تقریب در جهان اسلام، امام خمینی است. توجه به مسئله تقریب، افزون بر سیره عملی امام خمینی، در مباحث علمی و آثار فقهی ایشان نیز متبلور شده است. در این پژوهش با تشریح آرای امام خمینی درباره ماهیت تقیه مداراتی، حکم تکلیفی و محدوده تقیه مداراتی، اجزای عمل مقرون به تقیه (چه تقیه خوفی، چه تقیه مداراتی) و مشروط نبودن تقیه به عدم مندوحه، و مقایسه این آرا با دیدگاه فقهای دیگر، و اهمیت تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی تبیین شده است. کلیدواژه: وحدت، تقیه، تقیه مداراتی، اجزاء، مندوحه.

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی امروز جهان اسلام، وحدت و یکپارچگی مسلمانان در مقابل دشمنان است. در نقطه مقابل، دامن زدن به تفرقه و اختلافات فرقه‌ای و مذهبی از نقشه‌های استکبار جهانی برای تضعیف و مهار قدرت اسلام است. مقوله وحدت و همگرایی مسلمین کمتر از زاویه فقهی، تبیین شده است، حتی این مقوله از سوی فقها هم

در بسیاری موارد، در فضای غیر فقهی و با ادبیات اصلاحی - اجتماعی شکل گرفته است. بدون شک امام خمینی، یکی از منادیان و احیاگران وحدت و تقریب مسلمین است و آرا و نظریات ایشان مورد توجه جهان اسلام و اندیشمندان مسلمان می باشد. توجه به مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در سیره عملی و بیانات امام خمینی، به وفور مشاهده می شود و صدور پیام هایی پیاپی در مناسبت ها و در موسم فریضه حج و حمایت از اعلام هفته وحدت در جهان اسلام در سالگرد تولد پیامبر خدا ﷺ، از راهکارهای عملی ایشان برای وحدت شیعه و سنی بوده است.

مسئله وحدت و همبستگی مسلمین، در مکتوبات علمی و آثار فقهی امام خمینی نیز مشاهده می شود. ایشان مسئله تقریب و همگرایی را در مباحث تقیه مطرح کرده است. مباحث تقیه از مسائل مهم نزد امام خمینی بوده و ایشان همواره به این موضوع اهتمام داشته است. ایشان با نگاه ویژه ای، مسئله تقیه را با همه ابعاد، جهات و اقسامش و نیز متناسب با مقتضیات زمان، بحث و بررسی کرده اند. رساله تقیه جزو نخستین نوشته های ایشان در این باره است. در تقریرات کتاب طهارت ایشان نیز مباحث تقیه به تفصیل آمده است. در کتاب مکاسب محرمة نیز این مباحث را مجدداً پیگیری کرده اند و در آخرین نوشته فقهی ایشان؛ یعنی کتاب الخلل فی الصلاة نیز مباحث تقیه آمده است.

در این پژوهش، مسئله تقریب و همگرایی مسلمین در اندیشه فقهی امام خمینی، با روش توصیفی و تحلیلی، تبیین شده است. توجه امام خمینی به این مسئله، در مبحث تقیه و در سه عرصه آشکار شده است: ۱. تفکیک تقیه مداراتی از سایر اقسام تقیه و بیان حکم تکلیفی و محدوده این تقیه؛ ۲. اجزای عمل تقیه ای و کفایت آن از مأمور به واقعی؛ ۳. مشروط نبودن عمل به تقیه به عدم مندوحه و اعمال حيله.

با تبیین دیدگاه های امام خمینی در این سه عرصه و مقایسه آن با دیدگاه دیگر فقیهان، پرسش اصلی این پژوهش؛ یعنی جایگاه تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی، منقح و روشن می شود.

دیدگاه امام خمینی در تقیه مداراتی در دو مقاله از مقالات فصلنامه «میقات حج»، مورد توجه قرار گرفته است:

۱. «تقیه مداراتی»، نوشته محمد رحمانی؛ در این مقاله، ضمن طرح روایات تقیه مداراتی، به اجزا در این تقیه اشاره شده و بعد از طرح آرای امام خمینی و آیت الله خویی، از دیدگاه حضرت امام دفاع شده و در ادامه، گستره این تقیه نسبت به موضوعات بیان گردیده است؛

۲. «حد و حکمت مدارا»، نوشته محمد سروش محلاتی؛ در این مقاله آرای فقهی شیخ

انصاری، امام خمینی و آیت الله خویی درباره تقیه مداراتی مقایسه شده است. در مقاله‌ای با عنوان «نقش حج در تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان از نگاه امام خمینی» نیز بیانات و سخنرانی‌های امام خمینی در رابطه با مقوله وحدت و فریضه حج جمع‌آوری شده است، اما رویکرد مقاله مزبور غیر فقهی است. در پژوهش پیش رو، افزون بر تقیه مداراتی، آرای امام خمینی در دو عرصه دیگر نیز بررسی شده و با آرای فقهای دیگر مقایسه شده است. این آرا حاکی از توجه ایشان به مسئله تقریب و همگرایی است و بر این مسئله اساسی تأثیر گذار است.

۱. تقیه مداراتی از نگاه امام خمینی

یکی از تقسیمات تقیه در کلمات امام خمینی، تقسیم آن، به «خوفی»، «مداراتی» و «کتمانی» است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۸؛ همو، بی تا، ص ۵۲۹ و ۵۳۷). در ادامه برای تفکیک اقسام تقیه به صورت اجمالی، تقیه خوفی و تقیه کتمانی نیز تبیین می‌شود:

تقیه خوفی تقیه‌ای است که موضوع آن خوف متقی بر وقوع ضرر یا خطر بر نفس یا مال یا آبرو است. گاهی این خوف به حد اکراه و اجبار می‌رسد و گاهی نمی‌رسد. پس ملاک تشریع این تقیه تحقق عنوان خوف یا عنوان اکراه است.

تقیه کتمانی به معنای پوشاندن و مخفی کردن اعتقادات و اسرار اهل بیت (علیهم‌السلام) و حقائق مذهب شیعه است؛ ولو خوفی در میان نباشد (خمینی، ۱۴۰۲، ص ۸). این تقیه در واقع نوعی عمل قلبی است و ظهور و بروز خارجی و عملی ندارد.

تقیه مداراتی، تقیه‌ای است که مطلوب در آن، یکپارچگی و وحدت کلمه با جلب محبت مخالفین است؛ بدون اینکه مانند تقیه خوفی خوف ضرری در بین باشد (همانجا).

حاصل کلمات امام خمینی و فقهای دیگری که این تقیه را تفکیک کرده‌اند (روحانی، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۲۱؛ مکارم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۱۰؛ سبحانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۳۴) این است که تقیه مداراتی یعنی خوش‌برخوردی و همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل سنت به دو جهت: ۱. حفظ و ایجاد همگرایی و وحدت بین مسلمین و تقویت بخشیدن به اسلام و مسلمین در مقابل کفار و مشرکین؛ ۲. جلب محبت عامه و جذب آنها تا پیروان مذهب اهل بیت سرزنش و خوار نشوند؛ بلکه مذهب شیعه و شیعیان تقویت گردند.

حکم تکلیفی تقيه مداراتی

از نگاه امام خمینی عمل به تقيه مداراتی واجب است و جواز، بلکه وجوب آن، به خوف بر نفس یا غیر آن متوقف نیست؛ بلکه مصالح نوعیه سبب شده است این تقيه در مواجهه با مخالفین واجب گردد. پس این نوع تقيه و کتمان سر واجب است؛ ولو ایمن باشد و بر نفسش یا غیر آن خوف نداشته باشد (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۷۱).

امام خمینی در ضمن مسائلی در این باره فرموده‌اند:

مسئله ۱: در وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

مسئله ۳: در مکه و مدینه در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند. (همو، بی‌تا، ب، ص ۳۲۲).

«...لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلان، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۲)

دلایل وجوب تقيه مداراتی

دلیل اول: مصلحت وحدت

بنابر آنچه در عبارت امام خمینی آمده است، «مصلح نوعیه» - یعنی مصالحی مثل وحدت، انسجام و همگرایی بین مسلمین - سبب وجوب این تقيه شده است. مصلحت وحدت و همگرایی از مصالح مهم و لزومی نزد شارع شمرده می‌شود و در تراحم با مصلحت موجود در ترک تقيه و ادای مأموریه واقعی، این مصلحت مقدم است و به حکم آن، باید به این تقيه عمل کرد. بنابراین، وجوب این تقيه دائر مدار این مصلحت است و به حسب موارد، مختلف

خواهد بود و گاه حکم را به حد لزوم می‌رساند؛ مثل مواقعی که حاجیان ایرانی در موسم حج در نماز جماعت شرکت می‌کنند و خروج آنها از مسجد در هنگام برپایی نماز جماعت، آثار منفی در پی خواهد داشت.

دلیل دوم: روایات تقيه

منظور از روایات تقيه، روایاتی است که در آنها لفظ «تقيه» آمده است و بر وجوب مطلق تقيه (خوفی و مداراتی) دلالت می‌کند. ظاهر کلمات امام خمینی این است که عنوان «تقيه» در روایات در معنای اعم به کار رفته و تقيه مداراتی را نیز شامل می‌شود (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۹). بنابراین می‌توان در استدلال بر وجوب تقيه مداراتی به روایاتی که بر وجوب مطلق تقيه دلالت می‌کند، استناد کرد؛ مانند صحیحه معمر بن خلاد: «التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي، وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ». و صحیحه أبان: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۰۴ و ۲۱۰).

سیاق این روایات در نفی تدبیر و ایمان از کسی که تقيه نمی‌کند، بیانگر اهمیت اکید و وجوب تقيه است و با توجه به مبنای امام خمینی بر اینکه عنوان «تقيه» بر مطلق تقيه اطلاق می‌شود و همچنین نبودن قرینه‌ای بر اراده خصوص تقيه خوفی، این روایات تقيه مداراتی را نیز شامل می‌شود و از آنجا که متقی فیه (فعلی که در آن تقيه می‌شود) در آن ذکر نشده است، نسبت به آن اطلاق مقامی دارد و فرض مخالفت با تکلیف الزامی؛ مانند نماز را شامل می‌شود؛ یعنی فرضی که به دلیل تقيه، بر خلاف وظیفه شرعی الزامی عمل شود.

دلیل سوم: روایات تقيه مداراتی

روایات زیادی در تقيه مداراتی ظهور دارند یا حداقل، مطلقاًند و اطلاقشان تقيه مداراتی را نیز شامل می‌شود؛ چون حمل این روایات بر تقيه خوفی و صورتی که خوف ضرری در میان باشد، حمل بدون دلیل یا حمل بر فرد نادر است (ر.ک: حیدری، ۱۳۹۶ش، شماره ۱۰۱، ص ۳۳). در بین روایات تقيه مداراتی، آن روایاتی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که اولاً ظهور در وجوب داشته باشد؛ ثانیاً تکالیف الزامی؛ مانند نماز در آنها بیان شده باشد؛ مانند

صحیح هاشم کندی که در بحث اجزای عمل مقرون به تقیه مداراتی، مورد استناد امام خمینی قرار گرفته است:

«إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُ بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْمْ إِلَيْهِ زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَاللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخُبِّ قُلْتُ وَمَا الْخُبُّ قَالَ التَّقِيَّةُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۹).

از انجام دادن عملی که ما را به سبب آن سرزنش کنند، بر حذر باشید؛ چون پدر به سبب عمل فرزند بدش سرزنش می شود. برای کسانی که به سوی آنها منقطع شده اید (ائمه اطهار) زینت باشید و مایه زشتی برای ما نباشید. در قبایل آنها (مخالفین) نماز بخوانید و مریضان آنها را عیادت کنید و در تشییع جنازه آنها حاضر شوید و مبادا بر شما در کار خیری سبقت بگیرند. شما به کار خیر از آنها سزاوارتر هستید. به خدا قسم خداوند به چیزی بهتر از خبء پرستیده نشده است. گفتم: خبء چیست؟ فرمودند: تقیه.

«صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ» در روایت، امر به نماز خواندن با اهل سنت است و هیئت «افعل» (صیغه امر) بر اساس مبانی امام خمینی، می تواند دلیل بر وجوب باشد. توضیح اینکه بدون شک صیغه «افعل» بر مطلوبیت و محبوبیت فعل نزد شارع دلالت می کند؛ اما بحث در این است که آیا در وجوب ظهور دارد یا استحباب و یا جامع بین این. از نظر مشهور، صیغه «افعل» به دلالت وضعی بر وجوب دلالت دارد. اما از نظر امام خمینی صیغه «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت نمی کند، بلکه دلالت آن بر وجوب، به حکم عقلاست؛ یعنی عقلا، صدور صیغه «افعل» را حجت عقلایی می دانند و اطاعت از آن را لازم، و مخالفت کننده با آن را مستحق عقاب می دانند؛ به این دلیل که نزد عقلا اطاعت امر لازم است تا زمانی که ترخیص و جوازی از جانب مولا وارد شود و لزوم اطاعت را بردارد (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۵۷).

بر اساس این مبنا امام خمینی، جمله «صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ» در روایت هاشم بر وجوب نماز با عامه دلالت می کند؛ گرچه او امر بعدی یعنی «عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ» به دلیل وجود قرینه، در وجوب ظهور ندارند و بر مشروعیت یا استحباب این

موارد دلالت می‌کند؛ چون بر اساس مناسبت حکم و موضوع، احتمال داده نمی‌شود که عیادت مریضان و شرکت در تشییع جنازه آنها واجب باشد. اما درباره نماز با آنها احتمال وجوب داده می‌شود و ممکن است شارع به نماز خواندن با آنها امر الزامی کرده باشد. پس این امر درباره نماز بر ظهورش (وجوب) باقی است؛ مگر اینکه کسی در مورد نماز هم ادعای وجود قرینه کند. البته با توجه به صدر روایت که از انجام دادن عملی که موجب سرزنش ائمه شود نهی می‌کند، وجوب نماز خواندن با آنها به نحو مطلق نیست؛ بلکه اگر سرزنش ائمه را به دنبال نداشته باشد، وجوب ندارد.

اما بنا بر مبنای ظهور وضعی (نظر مشهور)، تفکیک بین اوامر، صحیح نیست؛ بلکه همه اوامر یا بر وجوب دلالت می‌کنند که بعید به نظر می‌رسد، یا همه بر استحباب دلالت می‌کنند که مدعای ما را اثبات نمی‌کند.

محدوده تقیه مداراتی از نگاه امام خمینی

در ناحیه متقی منه (شخص یا اشخاصی که از آنها تقیه می‌شود)

ظاهر این است که تقیه مداراتی به تقیه از عامه (اهل سنت) اختصاص دارد؛ همچنان که مورد بسیاری از روایات تقیه، همین است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۷۰). امام خمینی سرّ تشریع این تقیه را صلاح حال مسلمین و حال شیعیان دانسته‌اند که هر دو مورد به تقیه از عامه تعلق دارد (همانجا).

بر این اساس، تقیه مداراتی به تقیه از عامه اختصاص دارد و درباره غیر عامه؛ یعنی کافر یا حاکم شیعی، جریان ندارد و نمی‌توان از باب مدارا، بدون داشتن خوف، اعمالی را موافق آنها انجام داد. این تقیه در مقابل نواصب و غلات هم جریان ندارد؛ چون این دو فرقه به کفار ملحق‌اند.

در ناحیه متقی فیه (فعلی که در آن تقیه می‌شود)

در مورد متقی فیه، موارد منصوص در روایات تقیه مداراتی عبارت است از: نماز جماعت با عامه و شرکت در اجتماعات آنها؛ مانند تشییع جنازه، عیادت مریضان و حضور در محاکم قضایی آنها. اما آیا تقیه مداراتی به موارد منصوص در روایات اختصاص دارد

و همراهی و مماشات با دیگر فرق اسلامی در موارد دیگر مُجاز نیست؟ یا موارد منصوص از باب ذکر مثال است و خصوصیت ندارد و این تقیه به لحاظ متقی فیه عمومیت دارد؛ به عبارتی دیگر این موارد به عنوان مصادیق روشنی از اصلی کلی در روایات بیان شده است و نباید مورد را مخصص دانست؟

ظاهر کلمات امام خمینی، عمومیت تقیه مداراتی در ناحیه متقی فیه است. استناد ایشان به مصلحت نوعیه در وجوب تقیه مداراتی، بیانگر عمومیت این تقیه در ناحیه متقی فیه است؛ افزون بر اینکه در ذیل صحیحۀ هشام کندی آورده‌اند:

«ظاهر روایت، ترغیب بر عمل کردن بر طبق عقیده و خواست عامه و انجام دادن نماز در اجتماعات آنهاست و در مورد سایر اعمال نیک نیز همین گونه است.» (همان، ص ۵۷).
پس در بین عبادات، هر عبادت دسته جمعی در صورتی که مصلحت وحدت را به دنبال داشته باشد، می تواند مصداق این تقیه باشد؛ مثلاً در وقوف در عرفات با عامه گاهی موضوع تقیه مداراتی محقق می شود و همراهی با عامه به منظور حفظ وحدت و انسجام مسلمین صورت می گیرد.

دیدگاه امام خمینی در مورد تقیه مداراتی و تأثیر آن در تقریب و همگرایی مسلمین

امام خمینی، تقیه مداراتی یکی از اقسام تقیه شمرده و آن را قسیم تقیه خوفی و تقیه کتمانیه قرار داده است. در مقابل این نظر امام خمینی، دو دیدگاه دیگر مطرح است:

۱. شیخ انصاری؛ از نظر ایشان تقیه مداراتی از اقسام تقیه خوفی است. این تقیه به نحو مطلق مشروع نیست؛ بلکه خوف ضرر تدریجی در تحقق آن شرط است (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۷۳).

۲. آیت الله خویی؛ ایشان این تقیه را از تقیه خوفی تفکیک کرده، ولی آن را از مقسم تقیه خارج دانسته‌اند؛ چون از نظر ایشان، خوف ضرر، مقوم تحقق تقیه است و با انتفای ضرر، اطلاق تقیه، حقیقی نیست (خویی، ۱۴۱۸، ج ۵، صص ۳۱۸ - ۳۱۴).

یکی از معاصران در این زمینه می نویسد:

«تقیه مداراتی، هر چند در فقه شیعه مورد توجه قرار گرفته، ولی غالباً با سخت گیری هایی توأم بوده است که برای عوام شیعه، کمتر جاذبه داشته [است] و آنها

ترجیح می‌داده‌اند که خود را از صحنه تقیه مداراتی خارج ساخته و حداقل امکان اعمال عبادی خود را به شکل انفرادی و دور از چشم عامه و با اطمینان خاطر به صحت آن و رعایت حدود خاص آن، انجام دهند.» (سروش محلاتی، ۱۳۷۸).

اما امام خمینی، با بینش و نگرش کم‌نظیر و موشکافانه به منابع و مدارک احکام، تقیه مداراتی را استنباط کرده و آن را از سایر اقسام تقیه تفکیک کرده است. نگاه امام خمینی، با نگاه دیگران به تقیه مداراتی از نظر ماهیت، حکم و جایگاه، متفاوت است. ایشان در ماهیت این تقیه، جز جلب محبت و ایجاد مودت و وحدت و یکپارچگی مسلمین، چیزی را شرط نمی‌دانند و به اینکه این تقیه، دایره مدار خوف نیست و در ماهیت آن خوف ضرر دخالت ندارد، تصریح کرده‌اند. افزون بر اینکه، در دیدگاه ایشان عنوان تقیه در روایات فراوان این باب، بر تقیه مداراتی نیز اطلاق شده است.

این اختلاف نگاه درباره تقیه مداراتی، از اهمیت تقیه مداراتی و تأکید بر مقوله انسجام و وحدت مسلمین در اندیشه فقهی ایشان حکایت دارد و بیانگر اهتمام مذهب تشیع به همزیستی مسالمت‌آمیز با مذاهب اسلامی است و در رابطه با تحقق وحدت و اخوت اسلامی و بر طرف شدن اختلافات مذاهب اسلامی، نقش مهمی ایفا می‌کند.

مقیات

دیدگاه امام خمینی در حکم تکلیفی تقیه مداراتی و قول به وجوب و لزوم عمل به آن نیز بیانگر اهمیت وحدت و انسجام مسلمین در اندیشه امام خمینی است. این دیدگاه، محرک و ترغیب‌کننده شیعیان برای حضور در اجتماعات عامه است و بر تقریب و همگرایی مسلمین تأثیر زیادی می‌گذارد؛ همچنان که بعد از انقلاب اسلامی و با فتوای ایشان، در موسم حج، حضور شیعیان در اجتماعات اهل سنت و نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی بیشتر شد و این مسئله در همگرایی مسلمین و رفع تهمت‌ها از شیعیان و ایرانیان تأثیرگذار بود.

دیدگاه دیگر امام خمینی در رابطه با تقیه مداراتی؛ محدوده این تقیه در ناحیه متقی فیه است. از نظر برخی فقها، در این تقیه باید به موارد منصوص در روایات - یعنی معاشرت با عامه و نماز با آنها - اکتفا کرد و در سایر موارد مجالی برای این تقیه وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۷۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۱۵)، اما در دیدگاه امام خمینی این تقیه در غیر موارد منصوص نیز جریان دارد. تعمیم این تقیه به غیر موارد منصوص و قاعده کلی دانستن آن، از جایگاه مهم این تقیه و اهمیت تقریب و اتحاد مسلمین در اندیشه فقهی امام خمینی حکایت دارد و موجب ایجاد وحدت و همگرایی بین مسلمین و حفظ آن می‌شود.

حال آنکه تفکیک تقیه مداراتی از سایر اقسام تقیه و دخیل نبودن خوف در ماهیت این تقیه، اطلاق عنوان تقیه در روایات بر این تقیه، وجوب عمل به این تقیه در اوضاع کنونی و در مثل موسم حج و عدم انحصار این تقیه در ناحیه متقی فیه به موارد منصوص در روایات، از اهمیت تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی حکایت دارد.

۲. اجزا و کفایت عمل تقیه‌ای از مأمور به واقعی

آیا عملی که از باب رعایت تقیه، موافق عامه و بر خلاف فقه شیعه انجام می‌شود، مجزی است یا باید اعاده یا قضا شود؟ در اندیشه فقهی امام خمینی، عمل مقرون به تقیه؛ چه خوفی باشد و چه مداراتی، مجزی از واقع است و اعاده یا قضای آن لازم نیست.

استفتائات زیادی درباره نماز جماعت با عامه از محضر ایشان شده است مبنی بر اینکه با توجه به خلل و موانعی که در نماز جماعت با عامه پیش می‌آید - از دست بسته نماز خواندن، گفتن آمین، سجده بر فرش، نماز قبل از وقت و ... - آیا نماز نیاز به اعاده ندارد؟ در همه این سؤالات، پاسخ ایشان اجزا و عدم لزوم اعاده عمل است و در اجزای آن، به صدق عناوین خوف، اکراه، اضطرار یا ضرورت نیاز نیست. بلکه ایجاد مودت و وحدت میان مسلمانان برای حکم به اجزا کافی است (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۳۱، ۶۱۱، ۶۱۲ و ج ۳، ص ۶۱۱؛ همو، بی‌تا، ب، ص ۳۲۸).

امام خمینی به عنوان احیاگر حج ابراهیمی، حج را نقطه اصلی دعوت مسلمین جهان به اتحاد و وحدت کلمه می‌داند (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۱ و ج ۲۰، ص ۳۴۴) و در مسئله وقوف در عرفات نیز که باید در روز نهم ذی‌الحجه باشد، در صورت شک در ثبوت هلال یا قطع به عدم ثبوت، فتوای ایشان اجزای وقوف همراه عامه است (همو، بی‌تا، ص ۵۵۴؛ همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۲؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۲). ایشان در مورد شیعیانی که وقوف را دوباره در خفا انجام می‌دهند، به «شیعیان جاهل عصر ما» تعبیر کرده‌اند (همو، ۱۴۲۰، ص ۵۹؛ همو، بی‌تا، الف، ص ۹).

دلایل اجزای عمل مقرون به تقیه از نگاه امام خمینی

بحث از اجزا یا عدم اجزا در عمل تقیه‌ای در جایی است که مکلف مصداقی از مأموریه را انجام داده و به دلیل تقیه، در عملش تغییری ایجاد کرده و جزء یا شرطی را ترک کرده یا مانعی ایجاد کرده است؛ مثلاً نماز را بدون سوره یا دست‌بسته خوانده یا تا آخر غروب خورشید روزه گرفته است. اما در جایی که به دلیل تقیه، اصل مأموریه را ترک کرده - مثل اینکه نماز یا روزه را ترک کرده است - بحث از اجزا یا عدم اجزا معنا ندارد و بدون شک باید مأموریه را انجام دهد و روزه یا نماز خود را قضا کند (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰۷؛ خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۱؛ همو، بی تا، ص ۵۵۴؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۰۱).

امام خمینی در تبیین قول به اجزای عمل تقیه‌ای به روایاتی استناد و آن را در سه دسته مطرح کرده‌اند:

دسته اول؛ روایاتی که بر اجزا در تقیه اضطراری (خوفی) دلالت می‌کند؛ مانند صحیحۀ فضلا:

«التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُضْطَرُّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۴).

«تقیه در هر چیزی که انسان به آن مضطر شود، مشروع است و خداوند آن را برای او حلال کرده است.»

امام خمینی در تقریب استدلال به این روایت فرموده‌اند:

«حلال، شامل حلال تکلیفی و وضعی می‌شود و مراد از آن، مطلق رفع منع (چه منع تکلیفی چه وضعی) از هر چیزی است که انسان به آن مضطر شود؛ مانند آیه شریفه: ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ (بقره: ۲۷۵) که ظاهر در عمومیت حلیت است و همیشه مورد تمسک علما برای نفوذ بیع بوده است و حلال در عرف، لغت، کتاب و حدیث، مختص تکلیف نیست و شکی در این ظهور نیست؛ خصوصاً با توجه به اینکه در آن زمان‌ها تقیه منحصر به تقیه از اهل سنت بوده است و موارد ابتلای شیعیان در مواقع تقیه به تکلیفات، مثل نوشیدن نبیذ، نادر بوده است. ولی ابتلای آنها به وضعیات در طول شبانه‌روز بسیار بوده است. پس انحصار حلیت در روایت، به حلیت تکلیفی، صحیح نیست (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۶).

دسته دوم؛ روایاتی که بر اجزا در مواردی دلالت می کند که عنوان تقيه ای اقتضا دارد مأمور به بر خلاف حق اتیان شود (روایاتی که موضوع آنها عنوان تقيه است). امام خمینی بعد از نقل این دسته از روایات فرموده اند: «ولا يخفى: أن هذه الطائفة أعمّ مورداً من الطائفة الأولى. بل يستفاد من بعضها الإجزاء في التقيّة المداراتية» (همان، ۱۴۲۰، ص ۵۸ - ۴۸) از این عبارت روشن می شود که از نظر ایشان عنوان تقيه در روایات در معنای اعم استعمال شده است.

امام خمینی در دسته دوم، نه روایت نقل کرده اند که در ادامه به دو روایت که بر اجزا در مطلق تقيه (خوفی و مداراتی) دلالت می کند، اشاره می شود:

۱. موثقه مسعدة بن صدقه:

«... فكلُّ شيءٍ يعملُ المؤمنُ بينهم لِمَكَانِ التَّقِيَّةِ مِمَّا لَا يُؤَدِّي إِلَى الْفَسَادِ فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ جَائِزٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۶).

«هر عملی که مؤمن در بین عامه، به دلیل جایگاه تقيه، انجام دهد، تا زمانی که فساد در دین را در پی نداشته باشد، جایز است.»

از نظر امام خمینی، جواز به معنای نفوذ و تأیید است و اعم از جواز تکلیفی و وضعی است؛ نظیر جواز در روایت «الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ» (همان، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۴۴۳). پس عمل تقيه ای علاوه بر اینکه از نظر تکلیفی جایز است، از نظر وضعی نیز مجزی است. ایشان در نهایت فرموده اند: «این موثقه، بر خلاف دسته اول روایات، عام است و شامل تقيه اضطراری (خوفی) و مداراتی می شود» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۹).

۲. صحیح ابوالصباح:

«مَا صَنَعْتُمْ مِنْ شَيْءٍ أَوْ حَلَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ يَمِينٍ فِي تَقِيَّةٍ فَأَنْتُمْ مِنْهُ فِي سَعَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۳، ص ۲۲۴)

«هر آنچه در حالت تقيه انجام داده اید یا بر آن قسم خورده اید، شما نسبت به آن توسعه دارید.»

از نظر امام خمینی تعبیر سعه در روایت، دلالت می کند که اگر مکلف به دلیل تقيه، زیادی یا نقصانی در مأمور به ایجاد کند، نسبت به آن عمل در سعه است و اعاده یا قضا

بر عملش مترتب نمی‌شود؛ چون بطلان عمل و لزوم اعاده یا قضا، در واقع نوعی تضییق است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۰).

مستندات دیگر ایشان در اجزای عمل تقيه‌ای، تعبیری همچون مأجور بودن مکلف بر عمل تقيه‌ای، محبوبیت اخذ به رخصت‌ها در شریعت و محبوبیت انجام دادن عبادت پنهانی؛ یعنی عمل تقيه‌ای نزد خداوند است که این تعبیر نیز در صحت و اجزای عمل تقيه‌ای ظهور دارد (همان، ۱۴۲۰، صص ۵۶-۵۱؛ همو، بی‌تا، صص ۵۵۲-۵۵۰).

دسته سوم؛ روایاتی که بر اجزا در تقيه مداراتی دلالت می‌کند؛ مانند صحیحه هشام کندی که در تبیین حکم تکلیفی تقيه مداراتی گذشت. از نظر امام خمینی در این صحیحه، به عمل کردن بر طبق عقیده عامه و نماز خواندن در جمع آنها و... ترغیب شده است. از طرفی حضور در جمع آنها مستلزم ترک بعضی از اجزا و شرایط و انجام دادن بعضی از موانع است. ذیل روایت شریفه نیز که می‌فرماید: «وَاللّٰهُ مَا عُبِدَ اللّٰهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخُبَاءِ»، برای دفع استبعاد شیعیان است که تصور می‌کنند عمل مخالف واقع، صحیح نیست؛ در حالی که حضرت فرموده‌اند: «بلکه این عمل از بهترین عبادات است» (همو، ۱۴۲۰، ص ۵۷).

اجزا در نماز جماعت

مهم‌ترین و آشکارترین مصداق تقيه خوفی و مداراتی، نماز جماعت با عامه است که بیش از مصادیق دیگر تقيه، مورد ابتلاست و هیچ یک از اعمال حج نمی‌تواند مانند نماز جماعت حرمین شریفین، وحدت‌آفرین و دشمن‌شکن باشد.

امام خمینی در استدلال بر اجزا و صحت نماز پشت سر عامه به هفت روایت تمسک کرده‌اند؛ یکی از این روایات، صحیحه حمادبن عثمان است که اعم از تقيه خوفی و مداراتی است: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۹۹). امام خمینی در ذیل روایت فرموده‌اند:

«شکی نیست که نماز با پیامبر خدا ﷺ صحیح و دارای فضیلت بسیار است. پس نماز پشت سر عامه هم این صحت را خواهد داشت.» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۶۴).

ایشان در ادامه روایات متعارض را بیان داشته‌اند. این روایات، یا بر لزوم اعاده نماز پس از جماعت با آنها، یا ادای نماز قبل از جماعت با آنها، دلالت می‌کند، یا بر بطلان نماز جماعت با آنها و اینکه آنها به منزله دیوار هستند. ولی حضرت امام با بررسی این روایات، ضمن اشکال سندی در بعضی از آنها، مناقشه دلالتی کرده و بر آن شده‌اند که این به جهت لزوم حمل ظاهر بر نص، باید این روایات را بر استحباب حمل کرده، یا اینکه بگوییم این روایات بیانگر حکم اولی در مسئله اقتداست و بر شرایط تقیه، که به عنوان حکم ثانوی جعل شده است، دلالت ندارند (همان، ۱۴۲۰، صص ۶۹-۶۷).

دیدگاه امام خمینی در اجزای عمل تقیه‌ای و تأثیر آن در همگرایی و تقریب مسلمین

قول به اجزای عمل مقرون به تقیه خوفی در بین فقهای شیعه طرفدارانی دارد (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۰؛ انصاری، ۱۴۱۴، ص ۹۲؛ همدانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۳۶؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۳۲۱). اما در دیدگاه امام خمینی عمل مقرون به تقیه؛ چه خوفی و چه مداراتی، مجزی است و بنا بر تتبع نگارنده، ایشان اولین فقیهی است که این قول را برگزیده‌اند و دلیل ایشان بر این رأی، افزون بر اقتضای روایاتی همچون صحیح همام کندی، نگاه دقیق و عمیق ایشان به مقوله تقریب و همزیستی مسالمت آمیز جمعیت شیعه با اهل سنت است. این رأی از اهمیت تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی ایشان نشئت گرفته و نقش بسزایی در همگرایی و وحدت مسلمین دارد و شیعیان با رغبت و علاقه در اجتماعات اهل سنت همچون نماز و حج شرکت می‌کنند و با خاطری آرام، اعمال عبادی خود را انجام می‌دهند.

اما قول به عدم اجزا و لزوم اعاده یا قضای عمل تقیه‌ای، بی‌رغبتی و بی‌میلی شیعیان برای حضور در اجتماعات اهل سنت را در پی دارد و مخالف حکمت تشریع تقیه است؛ چرا که تشریع تقیه برای حفظ مؤمنین، رفع اختلاف، تحقق وحدت و همگرایی و تسهیل و امتنان بر شیعیان است و این حکمت‌ها اقتضا دارد که عمل تقیه‌ای صحیح و مجزی باشد و اعاده یا قضای آن لازم نباشد.

مسئله اجزای نماز جماعت با عامه نیز از مسائلی است که از قدیم محل اختلاف و بحث بوده است. برخی از فقها، جماعت با عامه را صوری می‌دانند؛ به این معنا که

نماز گزار پشت سر امام جماعت قرار می گیرد و در صفوف جماعت حاضر می شود و اعمال نماز را با آنها به جا می آورد، ولی به امام اقتدا نمی کند و قرائت نماز را، ولو به نحو آهسته، خود انجام می دهد (نجفی، بی تا، ج ۱۳، صص ۱۹۸-۱۹۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۱۳).

برخی نیز همچون محقق نراقی و حضرت امام، نماز جماعت با عامه را حقیقی و مجزی از مأمور به واقعی می دانند و اعاده یا قضای آن را لازم نمی دانند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۲). بلکه از نظر امام خمینی این عبادت از برترین و بهترین عبادات است.

بر اساس دیدگاه دوم، حضور شیعیان در نماز جماعت عامه بیشتر و پررنگ تر است و مکلف بدون دغدغه، با آرامش خاطر و با میل و رغبت، نماز خود را در صفوف عامه به جا می آورد. این دیدگاه در تقریب و انسجام مسلمین نیز نقشی مهم و اساسی دارد. اما دیدگاه اول، علاوه بر ایجاد مشقت برای مکلفین، با روایاتی مانند صحیحۀ حماد که نماز پشت سر عامه را همچون نماز پشت سر پیامبر خدا قرار داده است مخالفت دارد؛ چرا که مفاد این روایات صحت جماعت و اقتداست، نه جماعت صوری.

۳. شرط نبودن عدم مندوحه در تقیه

یکی از مباحث مطرح در فقه تقیه، شرط بودن یا نبودن عدم مندوحه در عمل تقیه ای است. منظور از مندوحه، راه چاره و راه گریز است. مندوحه در باب تقیه یعنی توانایی مکلف از اتیان فردی از «مکلف به» که اجزا و شرایطش تمام، و فاقد موانع است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۷). در عمل تقیه ای این بحث مطرح است که آیا جواز تقیه و اجزای عمل، به عدم مندوحه مشروط است؛ یعنی فقط در صورتی که مکلف توانایی ادای مأمور به واقعی را نداشته باشد، تقیه مشروعیت دارد و مجزی است، یا اینکه مشروعیت و اجزای عمل تقیه ای، حتی با داشتن مندوحه و راه گریز، ثابت است.

مندوحه دو گونه است؛ طولی و عرضی. مندوحۀ طولی آن است که مکلف بعد از تقیه بتواند مأمور به واقعی را اتیان کند؛ مثل اینکه مکلف در اوایل وقت نماز به تقیه مبتلا می شود و مثلاً باید دست بسته نماز بخواند؛ ولی در ادامه تقیه زایل می شود و توانایی خواندن نماز غیر تقیه ای دارد. در این قسم از مندوحه، توانایی زمانی مکلف لحاظ شده است.

مندوحه عرضی نیز آن است که مکلف در همان وقت تقيه، توانایی اتيان مأموربه واقعی را دارد که این خود دو مصداق دارد و به دو نحو محقق می شود:

۱. مکلف در زمان تقيه به مکان دیگری برود و مأموربه واقعی را انجام دهد؛ مثلاً از مسجد عامه خارج شود و در منزل نمازش را بخواند. در این قسم از مندوحه، توانایی مکانی مکلف لحاظ شده است؛

۲. مکلف در حین انجام دادن عمل تقيه‌ای، حيله‌ای به کار ببرد و مأموربه واقعی را انجام دهد؛ مثلاً کسی که در نماز جماعت عامه شرکت کرده، قرائت نماز را آهسته بخواند یا مثلاً در هنگام تکتف (دست بسته نماز خواندن) بین دو دستش فاصله بیندازد و داخل یک دستش را در پشت دست دیگری قرار ندهد؛ بلکه آنها را به هم نزدیک کند. پس فرض دوم از مندوحه عرضی از مصادیق حيله است که مکلف برای انجام دادن مأموربه واقعی، چاره‌جویی و ظاهرسازی می کند.

دیدگاه فقها و امام خمینی، در این مبحث بر مهم ترین مصداق تقيه؛ یعنی نماز جماعت با عامه تطبیق شده است. امام خمینی در این مسئله تفصیل داده و حکم عامه را از غیر عامه (مانند کفار) جدا کرده‌اند؛ به این صورت که در تقيه از غیر عامه، عدم مندوحه را شرط دانسته‌اند، اما در تقيه از عامه، عدم مندوحه را شرط ندانسته‌اند؛ چه مندوحه طولی، چه مندوحه عرضی با دو قسمش، و چه در تقيه خوفی، چه در تقيه مداراتی (خمینی، ۱۴۲۰، صص ۸۷-۷۷؛ همو، بی تا، صص ۵۶۰-۵۵۷).

امام خمینی در تبیین این تفصیل و درباره تقيه از غیر عامه فرموده‌اند:

«در تقيه از غیر مخالفین، عدم مندوحه شرط است، مطلقاً؛ چون دلیل تقيه از غیر مخالفین، روایاتی مثل حدیث رفع، «التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُضْطَرُّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ» و «التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۴) می باشد و با داشتن مندوحه و راه گریز، اضطرار یا ضرورت صدق نمی کند (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۷۷).

در مورد تقيه از عامه، در فتاوا و استفتائات، سجده بر فرش‌های مسجدالنبی را اجازه داده‌اند و در این فرض، سجده در جایی که سنگ است یا بردن حصیر را لازم ندانسته‌اند (خمینی، بی تا، ب، ص ۳۲۷-۳۲۶). امام خمینی در کتب فقهی در تعلیل برای عدم اعتبار اقسام سه گانه مندوحه در تقيه از عامه این گونه فرموده‌اند:

مندوحه طولی؛ ایشان درباره مندوحه طولی و عدم اشتراط آن در عمل تقیه‌ای فرموده‌اند: «بدیهی است که حمل روایات زیادی که ظاهر در صحت و اجزاست بر جایی که مندوحه به این معنا وجود ندارد، حمل بر فرض نادر است. بلکه این حمل هیچ وجهی ندارد؛ به دلیل وضوح اینکه شیعیان در نماز خواندن یا نخواندن با آنها مختار بوده‌اند.» (خمینی، بی‌تا، ص ۵۵۸).

قسم اول از مندوحه عرضی؛ دلیل بر عدم اعتبار این قسم از مندوحه از نگاه امام خمینی، روایاتی است که در تشویق و ترغیب مردم در نماز خواندن با عامه وارد شده است. این روایات در جواز نماز خواندن با آنها ظهور دارد؛ ولو در فرضی که بخواهد از خانه به مسجد برود. بلکه روایاتی داریم که بر افضلیت نماز با آنها نسبت به نمازی که با آنها نباشد، دلالت می‌کند. ایشان در ادامه به روایاتی که بر اعتبار و اشتراط عدم این قسم از مندوحه دلالت می‌کند، با مناقشه سندی و دلالتی، پاسخ داده‌اند (همان، بی‌تا، ص ۵۶۲-۵۵۸).

قسم دوم از مندوحه عرضی؛ این قسم از مندوحه که همان اِعمال حیل در عمل است،

فرموده‌اند:

مقیات

«روایات در اعتبار یا عدم اعتبار این قسم از مندوحه مختلف است. در بعضی از روایات به لزوم قرائت آهسته یا حدیث نفس اشاره شده است که بر اعتبار عدم مندوحه و لزوم اِعمال حیل دلالت می‌کند. بعضی از روایات بر عدم اعتبار این نوع از مندوحه دلالت می‌کند. در جمع بین این روایات، روایات دال بر اعتبار مندوحه را بر استحباب قرائت یا اختصاص اعتبار مندوحه به قرائت حمل کرده‌اند و روایات دال بر عدم اعتبار را تقویت کرده‌اند به اینکه حکم به اعتبار عدم مندوحه به این معنا، افزون بر اینکه خلاف ظاهر اخبار وارد در باب تقیه است، نقض غرض تشریع تقیه می‌باشد؛ چون نوع عوام نمی‌توانند با اِعمال حیل بر طبق واقع عمل کنند و چه بسا اراده اِعمال حیل می‌کنند، ولی به دلیل عدم آگاهی از کیفیت حیل، در خطر قرار می‌گیرند. پس ظاهراً مندوحه به این معنا هم معتبر نیست.» (همان، بی‌تا، ص ۵۶۲).

دیدگاه امام خمینی درباره شرط نبودن عدم مندوحه و اثر آن در همگرایی و تقریب مسلمین

در دیدگاه امام خمینی در تقیه از عامه، عدم مندوحه و نداشتن راه گریز، شرط نیست و اِعمال حیل در هنگام انجام دادن عمل تقیه‌ای، معتبر و لازم نمی‌باشد؛ چه تقیه

خوفی، چه مداراتی. به نظر می‌رسد همه کسانی که به تقیه مداراتی تصریح کرده و آن را از سایر اقسام تقیه تفکیک نموده‌اند، عدم مندوحه را، ولو در بعضی از اقسامش، شرط نکرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۸۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۵، صص ۳۰۸-۳۱۴؛ اراکی، ۱۴۱۹، ص ۳۰۵). پس مکلف، هر چند بتواند عمل را در همان حال تقیه یا در فرصت یا مکانی دیگر بدون تقیه انجام دهد، با این حال مجاز است عمل را به نحو تقیه‌ای انجام دهد.

دلیل بر عدم اشتراط، حکمت تشریع این تقیه است؛ چرا که حفظ و ایجاد وحدت و یکپارچگی بین مسلمین و جذب قلوب عامه، حکمت تشریع این تقیه است و این حکمت، اقتضا دارد که با وجود مندوحه، مکلف عمل را به نحو تقیه‌ای انجام دهد. بنابراین، اشتراط عدم مندوحه با حکمت تشریع این تقیه و ترغیباتی که به این تقیه شده است، منافات دارد و باعث می‌شود که شیعیان در اجتماعات عامه شرکت نکنند.

دلیل دیگر، اطلاق مقامی روایات است؛ یعنی تعبیری مثل «صَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۷) و «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۹۹) اطلاق دارد؛ چه مکلف مندوحه داشته باشد و چه نداشته باشد.

اما در تقیه خوفی، اختلاف نظر است و عدم اشتراط، مورد پذیرش همه فقها قرار نگرفته و بعضی معتبر نبودن عدم مندوحه را پذیرفته‌اند (عاملی، ۱۴۱۲، ص ۴۸؛ عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۱۲؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۲؛ بحر العلوم، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴). برخی نیز با نگاهی سخت گیرانه، به اعتبار عدم مندوحه قائل شده‌اند (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲۳). برخی از فقها نیز در این مسئله مهم، تفصیلی داده‌اند که به جهت پرهیز از تطویل، از بیان آنها پرهیز می‌کنیم.

با این توضیحات، روشن می‌شود که بر اساس دیدگاه امام خمینی درباره مسئله اشتراط عدم مندوحه، شیعیان به انجام دادن عمل تقیه‌ای ترغیب می‌شوند و در اجتماعات اهل سنت شرکت می‌کنند و این نگاه می‌تواند بر تقریب و همگرایی مسلمین تأثیر گذار باشد. اما بنا بر اشتراط عدم مندوحه، مکلف با عمل به تقیه و در حضور در اجتماعات عامه، دچار مشکل می‌شود و در تنگنا و مشقت قرار می‌گیرد و باید توجه داشته باشد که شرط تقیه و بالتبع جواز تقیه محقق شده است یا نه.

نتیجه گیری

برای روشن شدن جایگاه تقریب و همگرایی و اهمیت آن در اندیشه فقهی امام خمینی، آرای ایشان در سه عرصه، بررسی و تبیین شد؛ دیدگاه امام خمینی در این سه عرصه از جایگاه مهم و اساسی تقریب و وحدت مسلمین حکایت می کند و براین مقوله مهم تأثیر بسزایی دارد:

۱. برداشت و استنباط تقيه مداراتی و تفکیک آن از سایر اقسام تقيه و نگاه متفاوت ایشان به این تقيه از نظر ماهیت، حکم و جایگاه، و مقید نبودن این تقيه به خوف ضرر (بلکه از نظر ایشان این تقيه جز جلب محبت و ایجاد مودت و وحدت و یکپارچگی مسلمین، به چیزی مقید نیست)، اطلاق عنوان تقيه در روایات بر این تقيه، وجوب عمل به این تقيه در اوضاع کنونی و در مثل موسم حج) اختصاص این تقيه در ناحیه متقی منه به عامه و عدم انحصار این تقيه در ناحیه متقی فیه به موارد منصوص در روایات و به مثابه قاعده کلی بودن روایات.

۲. قول به اجرای عمل مقرون به تقيه و عدم لزوم اعاده یا قضای آن، چه تقيه خوفی چه تقيه مداراتی، بلکه قول به اینکه نماز خواندن در جماعت عامه از بهترین و برترین اعمال است. اعم بودن عنوان حلیت از حلیت تکلیفی و وضعی، ظهور جواز در معنای نفوذ و امضا و عمومیت آن نسبت به حلیت تکلیفی و وضعی، عنوان سعه و توسعه مکلف نسبت به عمل تقيه ای و اطلاق مقامی در روایات تقيه از مستندات ایشان در بحث اجزاست و در مورد نماز جماعت به روایاتی همچون صحیح حماد استدلال کرده اند.

۳. مشروط نبودن تقيه از عامه، به عدم مندوحه و نداشتن راه گریز، و عدم لزوم اعمال حيله در هنگام انجام دادن عمل تقيه ای؛ چه در تقيه خوفی، چه در تقيه مداراتی. پس مکلف هرچند بتواند عمل را در همان حال تقيه یا در فرصت یا در مکانی دیگر بدون تقيه انجام دهد، با این حال مجاز است عمل را به نحو تقيه ای انجام دهد.

دیدگاه امام خمینی در این سه عرصه از جایگاه تقریب و انسجام مسلمین در اندیشه فقهی امام خمینی حکایت می کند و بر این مقوله تأثیر بسزایی می گذارد. جایگاه تقریب و همگرایی در سیره عملی و اندیشه عرفانی و اخلاقی امام خمینی نیز می تواند موضوع پژوهش پژوهشگران قرار بگیرد.

* قرآن کریم.

۱. اراکی، محمد بن علی (۱۴۱۹ق)، کتاب النکاح، نور نگار، قم، چاپ اول.
۲. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۴ق)، رسائل فقهیه، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول.
۳. بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی، الهادی، قم، چاپ اول.
۴. بحر العلوم، سید مهدی (۱۴۰۶ق)، الدرّة النجفیّة - الدرّة البهیة فی الطهارة و الصلاة، دار الزهراء، بیروت، چاپ دوم.
۵. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، چاپ اول.
۶. حکیم، سید محسن طباطبائی، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، مؤسسه دارالتفسیر، قم، چاپ اول.
۷. حیدری، محمد محسن (۱۳۹۶ق)، «تقیه مداراتی در سنت و سیره پیشوایان معصوم»، میقات حج، شماره ۱۰۱، پاییز.
۸. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۸ق)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، تهران.
۹. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۱۵ق)، مناهج الوصول إلى علم الأصول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، قم، چاپ اول.
۱۰. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۰ق)، الرسائل العشره، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، قم، چاپ اول.
۱۱. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۲ق)، استفتائات، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.
۱۲. خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا، الف)، کتاب الخلل فی الصلاة، چاپخانه مهر، قم، چاپ اول.

۱۳. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا، ب)، مناسک حج، بی نا، بی جا.
۱۴. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم، چاپ اول.
۱۵. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا)، کتاب الطهارة (تقریرات)، مقرر محمد فاضل موحدی لنکرانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، قم.
۱۶. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، مقرر میرزا علی غروی، علمیه، قم، چاپ اول.
۱۷. روحانی، سیدمحمدصادق (بی تا)، فقه الصادق علیه السلام، بی نا، بی جا.
۱۸. سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق)، الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول.
۱۹. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم.
۲۰. سروش محلاتی، محمد (۱۳۷۸ق)، «حد و حکمت مدارا»، میقات حج، شماره ۳۰، زمستان.
۲۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۲ق)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۲۲. عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، چاپ اول.
۲۳. عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۲ق)، البیان، تحقیق حصون محمد، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول.
۲۴. کرکی، عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیه، مدرسه امام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، چاپ سوم.
۲۶. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (بی تا)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.

۲۷. نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.

۲۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البیت علیه السلام، مؤسسه آل البیت علیه السلام، قم، چاپ اول.

۲۹. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق)، مصباح الفقیه، تحقیق محمد باقری، نورعلی نوری، محمد میرزائی، سیدنورالدین جعفریان، مؤسسه الجعفریه لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ اول.

تأثیر دیدگاه‌های امام خمینی بر جنبش‌های اسلامی و تحولات جهان عرب

میرابراهیم صدیق

گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

e.seddigh@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر با نظر به تأثیر اندیشه‌ها و افکار امام خمینی بر جنبش‌های اسلامی و تحولات جهان عرب، به کندوکاو تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این تحولات می‌پردازد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، نفوذ موفقیت‌های انقلاب اسلامی و ایدئولوژی امام خمینی با پافشاری موفق بر «اسلام مردمی» تا حدود زیادی اجتناب‌ناپذیر بوده و آرا و افکار ایشان در صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای ایران نقش بسزایی داشته و بخش اعظمی از تحولات جهان اسلام را رقم زده است. با شروع تحولات جهان عرب در قالب بیداری اسلامی، بار دیگر نفوذ و اثرگذاری اندیشه‌ها و افکار امام خمینی برجسته گردید که نیازمند پژوهش و بررسی جدی است. در حالی که ترس و هراس غربیان از بازگشت به اسلام رادیکال و آموزه‌های آن و ظهور گروه‌های تندروی مانند طالبان، القاعده و داعش، توجه به انقلاب اسلامی ایران را مهم‌تر می‌نماید. بر این اساس پرسش اصلی این است که: اندیشه‌ها و افکار امام خمینی چه تأثیری بر جنبش‌های اسلامی و تحولات جهان عرب بین سال‌های ۱۰۲ تا ۵۱۰۲ داشته است؟

پاسخ موقت به پرسش حاضر عبارت است از اینکه: اندیشه‌های امام خمینی در اصولی چون بازگشت به اسلام راستین، استقلال‌خواهی و مقابله با نفوذ بیگانگان، مبارزه با دیکتاتوری، حاکمیت بر سرنوشت خویش، مردم‌سالاری و حکومت ملت، تساوی و عدالت اقتصادی، دفاع از مظلومان و استکبارستیزی در تحولات جهان عرب برجسته بوده و بر روشن شدن افکار انقلابیون تأثیر مستقیم داشته است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، اندیشه، انقلاب اسلامی، تحولات جهان عرب، اسلام، غرب.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی با زمینه‌ایدئولوژیک مأنوس که الگوی عینی و عملیاتی اندیشه‌های شیعی تلقی می‌شد، دریچه‌امیدی برای شیعیان گشود؛ چنانکه ظهور و تجدید حیات بخش‌های اسلامی را - به ویژه در کشورهای شیعه‌نشین - به دنبال داشت و به جنبش‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی - که به دلیل فشارهای داخلی ناشی از سرسپردگی دولت‌ها به بیگانگان و فشارهای خارجی ناشی از ناکارآمد بودن در حالت احتضار بود - روح و جانی دوباره دمید. مسئله‌ صدور انقلاب اسلامی ایران ریشه در ویژگی‌های تاریخی و فردی ایرانیان دارد. تأثیرگذاری انقلاب ایران بر کشورهای اسلامی و به ویژه جنبش‌های اسلامی بر کسی پوشیده نیست و تنها بر اساس نوع نگاه بیشینه‌ای و کمینه‌ای به آن نگریسته می‌شود. آرا و افکار امام خمینی نقش بسزایی در صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای ایران داشته و بخش اعظمی از تحولات جهان اسلام را رقم زده است. ترس و هراس غربیان از بازگشت به اسلام رادیکال و آموزه‌های آن و ظهور گروه‌های تندرویی مانند طالبان، القاعده و داعش، توجه به انقلاب اسلامی ایران را مهم‌تر می‌نماید. پرسش اصلی این پژوهش این است: اندیشه‌ها و افکار امام خمینی بر جنبش‌های اسلامی و تحولات جهان عرب بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ چه تأثیری داشته است؟ در پاسخ باید گفت که اندیشه‌های امام خمینی در اصولی چون بازگشت به اسلام راستین، استقلال‌خواهی و مقابله با نفوذ بیگانگان، مبارزه با دیکتاتوری، حاکمیت بر سرنوشت خویش، مردم‌سالاری و حکومت ملت، تساوی و عدالت اقتصادی، دفاع از مظلومان و استکبارستیزی در تحولات جهان عرب برجسته بوده و بر روشن شدن افکار انقلابیون تأثیر مستقیم داشته است.

چهار چوب نظری (رهیافت سازه‌انگاری)

برخی از نظریات روابط بین‌الملل نظریه خود را از دل نقد واسازانه دیگر نظریه‌ها بیرون کشیده‌اند. مثلاً بنیان‌های نظری مانند: عقلانیت، قدرت، مرکزیت، سازواری، اصل جوهری و... با نظریات پساساختارگرا مورد انتقادات تندی قرار گرفته‌اند و علاوه بر نظریات، کل نظام بین‌الملل را زیر سؤال می‌برند. این فرآنظریه‌ها هجمله‌ای از انتقادات جدی در حوزه‌های هستی‌شناسی^۱، معرفت‌شناسی^۲ و روش‌شناسی^۳ و را متوجه نظریات

1. Ontological
2. Epistemological
3. Methodology

اصلی روابط بین‌الملل و در بیان کلی‌تر، کل علوم مدرن نموده‌اند. در حوزه روش‌شناسی بی‌اعتبار و نامشروع کردن علوم مدرن و فروپاشی فراروایت‌ها مهم‌ترین مبانی نظام فکری فرانظریه‌ها به معنای عام و پست مدرنیسم به معنای خاص است. با ظهور فرانظریه‌ها این واقعیت بیش از پیش نمایان شد که از راه رویکرد هم‌نهادی یا ترکیبی^۱ می‌توان بخش‌هایی از یک نظریه را با یکدیگر ترکیب و از طریق این الگوهای هم‌نهاد در ارتباط با تجزیه و تحلیل پدیده‌ها استفاده نمود. در واقع نظریه سازه‌انگاری، نظریه‌ای بینامرزی است که از یک طرف نظریه‌های اثبات‌گرای جریان اصلی را نقد کرده و از سوی دیگر نظریه‌های فرااثبات‌گرای انتقادی را به چالش می‌کشد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۹۱).

از نظر جفری چکل، سازه‌انگاری نه یک نظریه صرف، بلکه رهیافتی اجتماعی است؛ به دلیل اینکه ۱. محیط عملکرد کارگزار/ دولت‌ها به صورت هم‌اقدامی اجتماعی است و هم مادی؛ ۲. این تنظیمات می‌توانند از طریق شناخت منافع کارگزار/ دولت‌ها شکل بگیرند (Checkel, 1998: 324-325). کنش‌گران اجتماعی در تعاملی مبتنی بر قواعد و هنجارهای بین‌ذهنی، منجر به فهم اجتماع و جامعه می‌شوند (Onuf 1994: 3-4). راگی نیز سازه‌انگاری اجتماعی را آگاهی بشری و نقش آن در امور بین‌الملل می‌داند که متکی بر بُعد بین‌الذهنی کنش بشری است (Ruggie 1998: 12). ونت به عنوان مؤثرترین شخصیت این رویکرد، این نظریه را چنین معرفی می‌کند:

سازه‌انگاری نظریه ساختاری (کلان) نظام بین‌الملل محسوب می‌شود که دولت‌ها، واحدهای اولیه تحلیل‌شان در نظریه‌های سیاسی هستند و سیستم بین‌الملل متشکل از دولت‌ها؛ دارای ساختاری می‌باشد که ویژگی بین‌الذهنی آن برجسته است و بخش مهمی از منافع و هویت دولت‌ها بوسیله این ساختار اجتماعی ساخته می‌شود (Wendt 1994: 383-384).

در نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. در واقع طرفداران این رویکرد، هنجارها و قواعد اساس بازی‌های بین‌المللی تلقی می‌گردند و مانع از جهت‌دهی ویژه دولت‌ها می‌شوند؛ بلکه منطقی عقلایی برای مقبولیت عملکرد خود فراهم می‌آورند (Checkel 1998: 329-333). هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. در واقعیت امر، رهیافت سازه‌گرایی

1. Synthetic

بر دیدگاه‌ها، عقاید و تأثیر آنها تأکید ویژه‌ای دارد، یعنی عواملی که الزاماً تأثیرات مادی آن به فوریت قابل مشاهده نیست.

سه اصل و مفروض مهم هستی‌شناختی سازه‌انگاری بسیار مهم عبارتند از:

۱. سازه‌انگاران، جامعه بین‌الملل را «ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی»^۱ می‌دانند؛ یعنی نظام بین‌الملل چیزی جز نحوه‌اندیشیدن و تعامل انسانها با یکدیگر نیست. به اعتقاد آنها چون نظام بین‌الملل ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی است، جدای از برداشتی که انسانها درباره آن دارند، موجودیتی ندارد (چرنوف ۱۳۸۸: ۱۴۴). از این منظر ساختارهای هنجاری و ایده‌ها، هنجارها و ارزش‌های بین‌الذهانی مشترک، تأثیر و نقش مهمی در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کنند؛ ساختارهای فکری و هنجاری، نقش تأسیسی و تکوینی در شکل‌دهی به هویت و منافع کشورها دارند؛ ساختارهای فکری - هنجاری و کشورها متقابلاً یکدیگر را قوام می‌بخشند (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۴۴).

۲. ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند. رفتار یا کنش مفهوم‌مند تنها در یک فضای اجتماعی بین‌الذهانی مقدور و ممکن است. بازیگران، توسعه روابط و فهم خود را از دیگران بر شبکه‌ای از هنجارها و اعمال استوار می‌سازند. رفتار یک بازیگر در یک ساختار معین، برای برخی بهنجار تلقی می‌گردد؛ در حالی که عده‌ای دیگر از آن برداشتی نابهنجار می‌نمایند (Hopf, 1998: 178-179).

۳. ساختارهای هنجاری یا انگاره‌ای (مانند فرهنگ، زبان، مذهب، گفتمان و...) که هم جنبه شناختی دارند و هم جنبه ارزشی) به همان اندازه ساختارهای مادی حائز اهمیت هستند. از نظر واینر یکی از مهم‌ترین گزاره‌های رهیافت سازه‌انگاری این است که «محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود؛ بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز از اهمیت برخوردارند» (Wiener 2003). سازه‌انگاران معتقدند هویت‌ها و اولویت‌های بازیگران را تا حدود زیادی این ساختارها رقم می‌زنند، در حالی که نئورئالیست‌ها بر ساختارهای مادی موازنه قوای نظامی تأکید می‌کنند؛ اما سازه‌انگاران در زمینه تأکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند، ضمن اینکه لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید می‌کنند، در حالی که معتقدین به رویکرد سازه‌انگاری، علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی هنجارها نیز توجه دارند.

آموزه‌های امام خمینی در خصوص انقلاب و جنبش‌های اسلامی آموزه‌های بنیادین

امام خمینی با استناد به کتاب و سنت اهتمام به امور مسلمین را یک فرضیه و از واجبات می‌داند (موسوی خمینی ۱۳۷۲ ج ۲: ۷۲). از دیدگاه ایشان اینکه هر مسلمانی باید به مسلمانان دیگر کمک کند یک اصل اسلامی است.

مستضعفین و محرومین که همواره در کلام و بیانات امام خمینی مطرح شده است عمدتاً کسانی هستند که از جهت امکانات مادی و قدرت سیاسی توسط حکومت‌های طاغوتی یا قطب‌های سرمایه‌داری و قدرتمند به ضعف کشیده شده‌اند. از دیدگاه امام حمایت از مستضعفین و محرومین امری است که از صدر خلقت در تمام ادیان الهی مورد توجه بوده است. «اسلام برای نجات مستضعفین آمده است» (همان ج ۲: ۲۱۲). «اسلام برای همین مقصد آمده است، تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتوانند مستکبرین، مستضعفین را استثمار کنند» (همان ج ۶: ۷۱). بنابراین حمایت از مستضعفین و ملل تحت ستم، از دیگر پیش‌فرض‌های سیاست خارجی حکومت اسلامی در اندیشه‌های سیاسی امام خمینی محسوب می‌گردد. داعیه حمایت از مستضعفین پدیده‌ای است که انقلاب اسلامی و اندیشه‌های رهبری، آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی امتداد داده و آن را چنان حلقه‌ای با تمام جنبش‌های اسلامی بلکه کلیه خیزش‌های رهایی‌بخش مرتبط می‌سازد (سجادی ۱۳۸۱: ۳۶۵).

امام خمینی بر اساس مبانی مذکور به انتقاد از محصوریت انگیزه‌های ملی‌گرایی و تخالف آن با جهان‌شمولی اسلام می‌پردازد. «این انگیزه ملی‌گرایی و خلود در ارض است که مصالح مسلمانان را فراموش کرد و دفاع از مصالح مسلمین را در حصار ملت خاص قرار داد و قلم سرخ بر قرآن کریم و احادیث رسول‌الله و ائمه مسلمین علیهم‌السلام و سیره مستمره انبیای عظام و اولیای معظم علیهم‌السلام در طول تاریخ کشیده است» (موسوی خمینی ۱۳۷۲ ج ۲: ۱۷-۱۶).

صدور انقلاب

«انقلاب منحصر به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران آغاز انقلاب بزرگ جهان است» (موسوی خمینی ۱۳۷۲ ج ۵: ۱۲).

در دوران حیات امام خمینی صدور انقلاب به دو معنا به کار برده شد: دوره نخست، که از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت، معنا و مفهوم صدور انقلاب بر

پایه «آگاهی بخشی» و «رهایی بخشی» تعریف و تعقیب می‌شود و الگوی صدور در این معنا و مفهوم، الگوی اشاعه حکومت اسلامی در چهارچوب گسترش اسلام سیاسی و بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی اتخاذ گردید. اسلام سیاسی همان قرائتی از اسلام است که امام خمینی اسلام ناب محمدی نامید (دهقانی فیروزآبادی و رادفر ۱۳۸۸: ۶۱-۶۰). دوره دوم، که شامل سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ می‌شود صدور انقلاب به صورت تبیین و ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی تعریف گردید. در این دوره صدور انقلاب به معنای فیزیکی و مکانیکی آن نیست، بلکه هدف، حمایت و یاری معنوی جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و دادن خط فکری و هستی سیاسی به آنهاست (همان: ۷۲-۷۱). منظور از صدور انقلاب در این دوره به گفته امام خمینی این بود که؛ «ما می‌خواهیم همین معنویت که در ایران پیدا شده صادر کنیم، ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم؛ ما می‌خواهیم این انقلاب‌مان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم» (موسوی خمینی ج ۱۲: ۲۸۳). «روشن است که صدور انقلاب به معنای فیزیکی و جغرافیایی نیست، بلکه نوعی الگودهی و الهام‌بخشی برای جهان اسلام مد نظر است. اولین نکته موقعیت ما در جهان اسلام است یعنی ایران نباید محدود به مرزهای جغرافیایی باشد نه اینکه ما سرزمین دیگری را بخواهیم بگیریم، بلکه خواهان تعریف و تثبیت موقعیت خود در جهان اسلام هستیم. مسئولیت اسلامی ما این است که سیاست دیپلماسی خود را طوری طراحی کنیم که با موقعیت ما در جهان اسلام هماهنگ باشد... ما در جهان اسلام موقعیت عظیمی داریم، هیچ کشوری جز ایران نمی‌تواند جهان اسلام را رهبری کند و این یک موقعیت تاریخی عظیم است. انقلاب ما آن وقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است به دنیا معرفی کنیم» (مطهری ۱۳۷۳: ۶۵). امام می‌فرماید؛ «ما هرگز نمی‌خواهیم ارزش‌های اسلامی را تحکیم کنیم نه بر غرب و نه بر شرق بر هیچ جا اسلام تحمیل نمی‌شود. اسلام با تحمیل مخالف است اسلام مکتب تحمیل نیست اسلام آزادی را با تمام ابعادش ترویج کرده است. ما به تمام جهان تجربیاتمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست» (موسوی خمینی ۱۳۷۲ ج ۲۰: ۱۱۸).

امام خمینی ضرورت صدور انقلاب را ناشی از اسلامی بودن آن می‌داند: «نهضت مقدس ایران نهضتی اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تاثیر قرار می‌گیرند» (همان ج ۴: ۱۱۴). «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است. مقصد این است که احکام اسلام زنده شود و پیاده گردد و همه در رفاه باشند. همه آزاد و مستقل باشند. ما باید ارزش‌های انسانی را از این جا به همه جا صادر کنیم» (همان ج ۱۷: ۲۳۸). «ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام، نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیاء برای یک محل نبوده و دعوتش مال همه عالم است معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از این که همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهد» (همان ج ۱۳: ۱۳۷).

امام خمینی ضمن تعریف و توضیح مبانی صدور انقلاب از موارد ذیل به عنوان پیش‌نیاز و پیش‌شرط موفقیت در امر صدور انقلاب نام می‌برد:

۱. **وحدت ملت:** «با وحدت ملت با توجه به اسلام و دین اسلام ما همه به پیش باید برویم و جمهوری اسلام را در خارج پیاده کنیم و وجود عینی بدهیم» (همان ج ۶: ۹۳).
 ۲. **تحقق کامل اسلام در ایران:** «اگر چنانچه اسلام به آن معنایی که هست در ایران تحقق پیدا کند مطمئن باشید که کشورها یکی پس از دیگری همین رویه را پیدا می‌کنند. تا نتوانیم پیاده کنیم آن چیزی را که موافق رضای خدا و رسول خداست، نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک رژیم اسلامی داریم» (همان ج ۱۱: ۵۲).

۳. **توجه به ملت‌ها:** «متوجه باشید که هر جا زورمندان و دولت‌ها با ما مخالف باشند ملت‌ها با ما موافقند باید اساس را مردم و فکر مردم قرار داد زیرا مردم و توده‌ها با حق هستند، چون زیر بار ستم بوده‌اند و نمی‌خواهند زیر سلطه آمریکا و شوروی باشند. اگر بخواهیم انقلاب را صادر کنیم باید کاری کنیم که مردم خودشان حکومت را به دست گیرند تا مردم به اصطلاح طبقه سوم روی کار آیند» (همان ج ۱۵: ۱۹). بدین ترتیب اصل دعوت و صدور انقلاب که یکی از مفروضات اساسی اندیشه سیاسی امام خمینی در روابط خارجی با دیگر کشورهای اسلامی است، ارتباط عمیقی را میان انقلاب اسلامی ایران و

نهضت‌های اسلامی به وجود می‌آورد. ارتباطی که در فرآیند آن، بنیانگذار نهضت دینی ایران تلاش دارد تا تجربیات عینی و مبارزاتی خویش را همراه با تفکر و باورهای انقلابی و دینی خویش، به پیشگامان جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش انتقال داده و زمینه‌های رشد و شکوفایی آن را فراهم سازد (سجادی ۱۳۷۸: ۳۶۵).

جنبش‌های اسلامی

یکی از فرایندها تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر حرکات و جنبش‌های اسلامی، نفوذ اندیشه امام خمینی است. امام به عنوان یک اصلاح‌گر واقعی و موفق توانست برای اولین بار در طی تاریخ اسلامی، یک نهضت اسلامی واقعی را به ثمر برساند و با توسل به مبانی قوی اسلامی بنیان یک حکومت دینی را بنا نهاد. با وجود مشکلات و موانع بسیار باز هم اندیشه امام خمینی به عنوان یک منبع غنی برای حرکات‌های اسلامی همواره مورد استفاده قرار گرفته است.

بازگشت به اسلام و مبانی اساسی آن در انقلاب اسلامی ایران در قانون اساسی آن نیز جلوه یافت. بر این اساس طلوع نظام جدیدی در نظام بین‌الملل تحت عنوان «جمهوری اسلامی» نوید بخش بسیاری از جنبش‌ها و حرکات‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی گشت. در واقع انقلاب اسلامی ایران به یک دوره فترت رشد و گسترش نهضت‌های اسلامی پایان داد (موثقی ۱۳۷۴: ۱۰۳). در نگاه امام خمینی جنبش‌های اسلامی به مثابه الگویی در جهت مبارزه با استبداد و استکبار جهانی باشند. احیاء و پیاده‌سازی شریعت اسلام در کشورهای اسلامی از جمله وظایف و رویکردهای جنبش‌های اسلامی است که باید به آن اهتمام ورزند. بنابراین در قالبی بزرگ‌تر می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران و مبانی آن، تمام جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی که مبارزه با استبداد و استکبار را در دستور کار خود داشتند، در بر می‌گرفت.

اهمیت انقلاب اسلامی ایران و تحولات جهان عرب

بررسی دیدگاه‌های امام خمینی نشان از تأثیرگذاری اصول و مبانی بینشی در شکل‌گیری تمامی تحولات و نگرش به اسلام، انسان و جامعه، تعیین‌کننده راهبردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نظام اسلامی می‌باشد. عوامل بینشی از متغیرهای بسیار مهم و تعیین‌کننده در خیزش مسلمین علیه نظام سلطه محسوب می‌شوند. از دیدگاه امام خمینی اسلام فقط منحصر به بخش‌های اعتقادی نبوده، بلکه در همه عرصه‌های مورد نیاز انسان

معاصر ادعای پاسخگویی دارد. علم، فرهنگ، سیاست و اقتصاد، جامعیت اسلام شامل بُعد فردی و اجتماعی می‌باشد (ر.ک: موسوی خمینی ۱۳۷۲: ج ۶: ۲۰). امام خمینی به عنوان فقیه و اسلام‌شناس متأخر با توجه به شناخت و تسلط بر مبانی عقلی و نقلی دین اسلام، قرائت جدیدی از اسلام ارائه نمود و اسلام را دین و آیینی معرفی کرد که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه داشته و آنچه که بشر برای نیل به سعادت محتاج آن بوده را ارائه کرده است. از دیدگاه امام، اسلام قادر به ایجاد تغییر و تحول همه‌جانبه فردی و اجتماعی در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوده و عنصر اسلام به عنوان مهم‌ترین عامل تحول و تغییر و نیز خیزش علیه نظام سلطه جهانی محسوب می‌شود.

ماهیت انقلاب اسلامی ایران در اسلامی بودن آن نهفته است. هدف در انقلاب اسلامی ایران اسلام بود. انقلاب اسلامی یعنی انقلابی که ماهیت اسلامی، راه اسلامی و هدف اسلامی دارد... به عبارت دیگر اسلام هدف و معیار انقلاب است (مطهری ۱۳۷۳: ۱۴۵). پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و تحت تأثیر آن، جهان اسلام متحول شد. یکی از تجلیات این تحول را باید در تغییر کمی و کیفی جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش جستجو کرد. از نظر کمی، شمار جنبش‌های اسلامی افزایش یافت و از خاور دور تا کرانه‌های اقیانوس اطلس و مغرب اسلامی را در بر گرفت که در این خصوص، جنبش‌های رهایی بخش در کشمیر، افغانستان، تونس، الجزایر، آسیای میانه و کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌توان نام برد. تغییرات کیفی محسوس‌تر بود. حرکات ملی، مارکسیستی و التقاطی رنگ باخته و تحرکات اسلامی نضج گرفت (سجادی ۱۳۷۸: ۳۷۷). انقلاب اسلامی در برهه‌ای از زمان به وقع پیوست که غرب ادعای مرگ مذهب و ایدئولوژی را می‌کرد. حال آنکه انقلاب اسلامی این فرضیه را که اومانیزم می‌تواند در عرصه حیات اجتماعی معیار همه فعالیت‌های انسان و پاسخگوی همه مسائل وی باشد، منسوخ کرد. همچنین انقلاب اسلامی ایران پایه‌های نظری و عملی سکولاریسم را متزلزل کرد. از جمله اقدامات اساسی رهبر انقلاب مخالفت جدی و دامن‌دار با مسأله جدایی دین از سیاست بود (مطهری ۱۳۷۳: ۴۱).

نوع انقلاب ایران بیانگر استقرار و تثبیت یک ذهنیت سیاسی اسلامی بود. با استقرار جمهوری اسلامی ایران که ماحصل تفکرات سیاسی امام و پشتیبانی توده مردم بوده و ریشه در برداشت‌های سیاسی از اسلام داشت، به شکل بی‌نظیر در مأموریت سیاسی اسلام نهاده‌ینه شد. برای نخستین بار یک نظام سیاسی برخاسته از اسلام‌گرایی به

شیوه‌های انقلابی جایگزین رژیم سکولار غرب‌گرا و متحد استراتژیک غرب گردید (محمدی ۱۳۸۴: ۳۲).

بیشترین تاثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جهان عرب را می‌توان در زمینه فکری و فرهنگی و بیداری مسلمانان خلاصه کرد. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی از بُعد ذهنی و فکری آتش زیر خاکستر نهضت‌ها را بار دیگر برافروخت. انقلاب اسلامی یک حرکت فکری قوی را به راه انداخت که نتیجه آن گسترش موج اسلام‌خواهی است. «گسترش امواج اسلام‌خواهی بعد از انقلاب اسلامی ایران در مصر، عربستان، سودان، الجزایر و غیره ثابت کرد که انقلاب در ایران محصول یک حرکت فکری بسیار قوی در جهان اسلام است و می‌تواند در همه بلاد اسلامی تکرار شود. انقلاب اسلامی ایران طلیعه تحولی بسیار عمیق در جهان اسلام است» (لاریجانی ۱۳۷۴: ۲۱۳). از سوی دیگر انقلاب اسلامی به عنوان یک الگوی فکری الهام‌بخش سایر نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی قرار گرفت. با توجه به غلبه مذهب تسنن در کشورهای اسلامی و نیز جنبش‌های سیاسی اجتماعی این کشورها این نکته حائز اهمیت است که چگونه یک نهضت شیعی (حداقل برای کوتاه‌مدت) توانست چنان موج عظیمی را به پا کند که در پرتو آن سایر تفاوت‌ها و اختلافات کنار گذاشته شود. به هر حال شکی نیست که «انقلاب ایران الهام‌بخش اقدامات انقلابی گروه‌های بنیادگرایی سنی در جهان عرب شد و به آن نیروی محرکه بخشید» (دکمجیان ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱). به طور کلی بازتاب‌های انقلاب اسلامی در دیگر دولت‌های مسلمان به شرایط خاص آن کشور و یا منطقه بستگی داشته است.

طبق نظر اسپوزیتو و پیسکاتوری، بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام چهار شکل داشته است: نخست، در دو کشور (لبنان و بحرین) دخالت ایران ملموس و چشم‌گیر بوده است؛ دوم، در تعداد بیشتری از کشورها الگوی ایران و تشویق‌های این کشور جریان‌های سیاسی اسلامی پیشین را تقویت کرده و شتاب بیشتری بخشیده است (مصر، تونس، نیجریه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، پاکستان و فیلیپین)؛ سوم، ایران نقش عام‌تری در برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی ایفا کرده است (مصر، سودان، مالزی و اندونزی)؛ چهارم، الگو و فعالیت‌های ایران دلیل و بهانه لازم را فراهم آورده است تا بعضی حکومت‌ها (عراق، مصر، تونس و اندونزی) جنبش‌های اسلام‌گرای مخالف را مهار و سرکوب کنند (اسپوزیتو و پیسکاتوری ۱۳۸۲: ۳۳۱-۳۳۰). بنابراین، بحث بر سر موجی است که به عنوان نتیجه انقلاب اسلامی به یک اندازه روی شیعیان در خاور

نزدیک مؤثر بوده است (رایت ۱۳۷۲: ۳۳-۱۷). انقلاب ایران عامل واسطی بود که قضیهٔ سیاست‌های اسلامی را به مرکز تفکر سیاسی جهان هدایت کرد. با توجه به این نکته، انقلاب دو تأثیر جداگانه بر جای گذاشت که به طور کلی نباید آنها را با هم مخلوط کرد:

الف) چهره انقلاب اسلامی در ایران برای بقیه جهان اعم از شیعه و سنی و غیرمسلمان جذابیت لازم را نداشته است. فقط با تعدیل و ثبت موفقیت در سیاست‌های داخلی است که رهیافت ایران می‌تواند در دیگر نقاط جهان نیز ارتعاشاتی ایجاد کند. همهٔ اهل تسنن و حتی بعضی از شیعیان بر این نظرند که امام خمینی با به دست گرفتن تمامی قدرت به عنوان ولی فقیه، اقدامی بدعت‌گذارانه کرده است. شیعیان به عنوان یک فرقه بیشترین تنفر اهل تسنن را که در جوار آنها زندگی می‌کنند برمی‌انگیزند. لذا اغلب آنها شیعیان را مرجعی برای تقلید نمی‌شمارند و اغلب اعراب اصولاً ایرانیان را دوست ندارند. ب) اما تأثیر نمایشی انقلاب عمیق بوده است. حتی کسانی که کوچک‌ترین علاقه‌ای به

بستن چمدان خود و راهی شدن به تهران نداشتند، تحت تأثیر قدرت انقلاب قرار گرفتند. آیت‌الله خمینی باید درست عمل کرده باشد که توانسته شاه را با تمام قدرتش و حمایت امریکا سرنگون کند و در این فرایند ایالات متحده را نیز تحقیر و اخراج کند. برای همهٔ کسانی که خواهان تشکیل حکومت اسلامی در کشور خود هستند آیت‌الله خمینی به دلیل موفقیتش یک الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است... تأثیر نمایشی انقلاب در خلیج فارس، در نخستین سال پس از انقلاب بسیار زیاد بود. با بروز ناآرامی و طغیان در میان شیعیان کویت، بحرین و عربستان سعودی اسلام بار دیگر وارد فرایند سیاسی شد و این جنبش از همان آغاز شکل سیاسی به خود گرفت» (فولر ۱۳۷۷: ۸۷).

امام خمینی همواره کوشید تا روند تحول اجتماعی و تأثیرگذاری اسلام اصیل بر روند زندگی مسلمین را گوشزد کند تا بتواند گوشه‌هایی از اسلام تحول آفرین را به امت اسلامی نشان دهد. تحول آفرینی اسلام، موجب پیشرفت همزمان مادی و معنوی اجتماع بشری و موجب تکامل اجتماعی می‌شود که موانع و مشکلات اجتماعی را از میان خواهد برد. راهبردهای امام خمینی در بیداری مسلمانان و خیزش علیه نظام سلطه را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. احیای اسلام به عنوان مکتب جامع و جهانی (احیای اسلام سیاسی)؛

۲. زیر سؤال بردن اندیشهٔ جدایی دین از سیاست؛

۳. تأکید بر وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحدهٔ اسلامی؛

۴. مقابله با رژیم صهیونیستی و سیاست‌های جنگ‌طلبانه این رژیم؛

۵. حمایت و پشتیبانی معنوی از صدور انقلاب (تحول و بیداری سایر ملت‌ها).

بر این اساس تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی معاصر را به دو شیوه ذکر کرد: شیوه مستقیم و ایجاد و شیوه غیرمستقیم و ایجابی. در نوع اول انقلاب باعث ایجاد یک سری حرکت‌ها و جنبش‌های سازمان یافته و غیر سازمان یافته در دیگر کشورهای اسلامی شد. اما در نوع دوم، جنبش‌ها از پیش از انقلاب ریشه و فعالیت داشتند، اما با وقوع انقلاب و تأثیرپذیری از آن گسترش یافتند. به عبارت دیگر وقوع انقلاب اسلامی آنها را وابسته نکرد، بلکه متأثر ساخت؛ حال آنکه در نوع اول جنبش‌های مذکور وابسته به انقلاب بودند و هستی و تداوم حیات خود را مدیون انقلاب و حمایت‌های انقلاب می‌دانستند.

عوامل مؤثر بر تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از امام خمینی

در زمینه الگوی تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی مردم منطقه از رهبری انقلاب ایران اشتراکات ایدئولوژیک و موقعیت منطقه‌ای تأثیر بسزایی داشته‌اند.

اشتراکات ایدئولوژیک

در تاریخ خاورمیانه جنبش‌های متعددی براساس تفکرات اسلامی شکل گرفته‌اند، تمامی این جنبش‌ها یا مبتنی بر پایه برداشت‌های افراطی از اسلام (وهابیت، سلفی‌گری) و یا براساس نوعی مداراجویی و اصلاح طلبی استوار بوده‌اند. به جرأت می‌توان گفت در تاریخ معاصر خاورمیانه تا پیش از انقلاب اسلامی هیچ جنبشی روی نداده بود که پایه آن براساس اسلام سیاسی مبتنی بر تفکر شیعه شکل گرفته باشد. مسأله حکومت اسلامی یکی از مسائل مهم شیعه پس از غیبت امام دوازدهم می‌باشد که به طور ارگانیکی با مسأله اعتراض و حق شورش پیوند دارد. اعتقاد شیعه مبنی بر نامشروع بودن همه حکومت‌های دنیوی، مسأله رفتار و برخورد با اینگونه حکومت‌ها را در پرده‌ای از ابهام قرار داده بود. در طول زمان، علما اگر چه رسماً حکومت را به رسمیت شناختند (از دوران صفویه)، اما به طور کامل نواهای مختلف به خاموشی نگرائید تا اینکه در نیمه دوم قرن بیستم مسأله حکومت اسلامی با ولایت فقها را جدی گرفتند. بر این اساس بر مردم فرض بود که علیه حکومت نامشروع و ظالم به پا خیزند و مقدمات برپایی حکومت اسلامی را فراهم نمایند. دعوی حاکمیت علما، فقها و حکومت اسلامی جای هیچ‌گونه مصالحه و حتی فرصتی را برای اصلاح حکومت‌ها باقی نگذاشت. مشارح این نظریات در ایران امام خمینی بود (برآهویی ۱۳۷۱: ۱۹۹).

موقعیت منطقه‌ای

منطقه خاورمیانه همیشه در کانون توجهات قرار داشته است. با نگاهی به تاریخ معاصر خاورمیانه در می‌یابیم که به علت موقعیت خاص ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک این منطقه و همچنین منابع عظیم انرژی، این منطقه صحنه چالش‌های فراوانی بوده است و قدرت‌های بزرگ بر سر دستیابی و تسلط بر منطقه با یکدیگر به شدت مجادله و منازعه داشتند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و استقرار جمهوری اسلامی مبتنی بر مذهب شیعی، موقعیت شیعیان را در این منطقه به شدت ارتقا داد و سبب شد شیعیان به وزنه تأثیرگذار در معادلات این منطقه تبدیل گردند. رهبران جنبش‌های اسلامی منطقه، روند تحولات انقلاب اسلامی ایران (به خصوص مشی و عملکرد در رهبری آن) را به دقت زیر نظر داشتند و با الگوبرداری از آن درصدد تشکیل حکومت‌های اسلامی در منطقه بودند تا نقش و جایگاه مسلمانان در این منطقه بیش از پیش ارتقا یابد.

تحولات جهان عرب و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران

تحولات جهان عرب، هم از بعد «منافع»^۱ هم از بعد «ارزش‌ها»^۲، برای ایران حائز اهمیت است. از لحاظ منافع، مسائل عمدتاً بر محور جابجایی حکومت‌ها و تأثیرات آن بر روابط دوجانبه و ثبات منطقه‌ای، معادلات مربوط به توازن قدرت و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و به طور کلی منافع اقتصادی و سیاسی قرار دارد. از لحاظ ارزش‌ها هم این تحولات به لحاظ پیروی از شعارهای انقلاب اسلامی، عمدتاً بر محور حمایت از جنبش‌های مردمی، مبارزه با نقش بیگانگان در منطقه و تحقق «وحدت اسلامی»، حائز اهمیت است. از آغاز بروز این تحولات، تلاش اصلی سیاست خارجی ایران، چگونگی برقراری تعادل بین تأمین «منافع» و پیگیری خواسته‌های «ارزشی» بوده است (برزگر ۱۳۹۰: ۱-۲).

جمهوری اسلامی در تحلیلی بنیادی، تحولات اخیر جهان عرب را ناشی از بیداری اسلامی می‌داند؛ وقتی این تحولات را بیداری اسلامی نامیده می‌شود این ایده را مفروض تلقی می‌کنیم که این تحولات استمرار انقلابی است که سه دهه پیش در ایران رخ داد و به شکل‌گیری حکومتی بر مبنای ارزش‌های اسلامی منجر شد. به تعبیر دیگر تصور ما این است که ملت‌های عربی که علیه نظام‌های خودکامه، استبدادی و نوعاً حکام

1. interests
2. values

مادام العمر و موروثی قیام کرده‌اند، دنباله‌روی انقلاب اسلامی ایران و در پی بنا نهادن حکومتی بر مبنای ارزش‌های اسلامی هستند.

عده‌ای از تحلیل‌گران این جنبش‌ها را انقلاب نان نامیده‌اند که البته منظور، قیام علیه فقر، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی، فساد و تبعیض بوده است. خصوصاً این که این حرکت با خودسوزی محمد بوعزیزی جوان تونس‌سی شروع شد که در اعتراض به بیکاری و مشکل اشتغال دست به این کار زد. بنابراین ماهیت این اعتراضات مذهبی نبود. یعنی مردم به اینکه مثلاً در مساجد نمی‌توانند نماز بخوانند، یا نمی‌توانند اعمال و مناسک مذهبی خود را به جای بیاورند معترض نبودند بلکه در اعتراض به بیکاری و برخوردهای تحقیرآمیز این حکومت‌ها بود که دست به تظاهرات می‌زدند. اکنون نیز رهبران این انقلاب‌ها در پی تأسیس نظام دموکراتیکی مبتنی بر ارزش‌های انسانی، حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی، اجتماعی هستند. واضح است که این سخن نافی نقش اسلام در حیات سیاسی این کشورها نیست و قطعاً ارزش‌های متعالی اسلامی مورد توجه قرار حاکمان جدید قرار خواهد گرفت، ولی نه بر اساس برداشت‌های شخصی افراد بلکه بر اساس خرد جمعی و مبتنی بر حقوق و آزادی‌های اساسی که انگاره اصلی اسلام در اداره کشور است.

در حالی که آمریکا به علت دید ویژه خود درباره تحولات جهان عرب، عنوان «بهار عربی» را برای آن برگزیده است. هیچ کدام از این دو موضوع اشتباه نیستند. واقعیت دوگانه از دید صاحبان نظر است. بهار عربی واژه‌ای بسیار فریب دهنده است.

مقامات جمهوری اسلامی ایران تحولات جهان عرب (به استثنای سوریه) را متأثر از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ می‌دانند. در حقیقت این انقلاب در نتیجه به عنوان مظهر بیداری اسلامی عرب دیده می‌شود. امت مسلمان بر محور همان ارزش‌هایی است که هدایت انقلاب ایران بر آن قرار داشت، یعنی:

- سرنگونی «ظالم» و «عوامل غرب»؛
- دشمنی نسبت به آمریکا و اسرائیل؛
- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و زیر ظلم در برابر «استکبار» قدرت‌های هژمونیک جهانی.

- کمک به ظهور خاورمیانه اسلامی (Bakir 2011: 2).

تحولات سال ۲۰۱۱ در جهان عرب، نشان می‌دهد گفتمان‌های حاکم در این جوامع قادر به ارائه پاسخ‌های منطقی و متقاعدکننده به مسائل جامعه و پرسش‌های

دیگر گفتمان‌ها نیستند و زمان تحول در گفتمان‌ها و چهارچوب‌های مفهومی فرارسیده است. جهان عرب دچار بحران عمیق هویتی شده و آشوب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، این جوامع را در بر گرفته است (یزدان‌فام ۱۳۹۰: ۵۷).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عرصه تعامل واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی و در اصل شاهد تناوب و نوسان بین این دو رویکرد بوده است. دلیل این امر نیز بر اثر اهمیت والای محیط داخلی در مقایسه با متغیرهای خارجی و بسته به عقاید، ویژگی‌ها و شیوه اداره دستگاه دیپلماسی و رویکرد دولت مردان نسبت به تحولات نظام بین‌الملل بوده است. تحولاتی که پس از ۱۱ سپتامبر رخ داد مانند جنگ افغانستان و عراق، و همچنین دنبال نمودن سیاست ایران هراسی و شیعه هراسی از سوی غرب، وضعیت ایران را در منطقه خاورمیانه با چالش‌های اساسی روبرو کرد. اکثر کشورهای عربی و غیرعربی منطقه از ایران قدرتمند استقبال نمی‌نمایند زیرا آن را در نقطه مقابل امنیت و منافع ملی خود قلمداد می‌کنند. تبلیغات سوء غرب علیه برنامه هسته‌ای ایران، دولت مردان داخلی را به ناچار در برابر گزاره‌هایی قرار داده است که باید رفع اتهام شود. در واقع بخش قابل توجهی از انرژی دستگاه دیپلماسی ایران صرف رفع سوء تبلیغات، سوء برداشت‌ها و سوء تفاهات میان ایران و کشورهای منطقه می‌گردد. کوچکترین رفتار تحریک‌آمیز سیاستمداران ایرانی تعبیر سوء می‌شود و با قدرت رسانه‌ای غرب تبدیل به معضلی برای دستگاه سیاست خارجی ایران می‌گردد.

در کل تحولات جهان عرب ضمن اینکه نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش داده است، به همان اندازه بر حساسیت کشورهای منطقه از اهداف حضور ایران در این تحولات، افزوده است. یک دیپلماسی فعال باید به گونه‌ای تنظیم شود که شائبه هرگونه دخالت در مسائل داخلی کشورهای منطقه که می‌تواند منجر به تیرگی روابط در سطح دولت‌ها و همچنین جریحه‌دار شدن احساسات ملی و مردمی در این کشورها شود را رفع کند. سیاست ایران می‌تواند در مورد هر کشور عرب، با توجه به حساسیت‌ها و درجه اهمیت در روابط دو جانبه و مسائل منطقه‌ای، ویژگی خاص خود را داشته باشد. در مورد مصر، به دلیل اهمیت نقش این کشور در معادلات منطقه‌ای، سیاست ایران اگر مبتنی بر اولویت بر منافع و بهبود روابط دوجانبه باشد، نتایج ملموس-تری کسب می‌گردد. در مورد سوریه نیز، ایران می‌تواند سیاست واقع‌گرایانه مبتنی بر تأمین منافع استراتژیک خود را داشته باشد و مواضع خود را بر اساس واقعیت‌های موجود جامعه سوریه تنظیم کند.

موانع و محدودیت‌های پیاده‌سازی افکار امام خمینی در جهان اسلام محدودیت‌های داخلی

محدودیت‌های داخلی پیاده‌سازی افکار امام خمینی در جهان اسلام را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

شور انقلابی و القای ناصحیح تفکرات امام خمینی: صدور انقلاب به نوعی از ویژگی‌های هر انقلابی است. رهبری انقلاب نیز از ارکان لازم هر انقلابی محسوب می‌شود. بنابراین در این راستا درست القا نمودن پیام‌ها، آموزه‌ها و ارزش‌های رهبری نقش مهمی در صدور انقلاب دارد. در انقلاب اسلامی ایران نیز آموزه‌ها و ارزش‌های رهبر انقلاب به درستی بیانگر شخصیت ایشان بود ولی مروجین و به تبع آن پیام‌گیران اندیشه‌های ایشان دچار بدفهمی گردیدند. بنابراین ما در بیشتر جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی مشاهده می‌نماییم که افکار شخصیت‌های دیگر انقلاب همچون علی شریعتی و مطهری بیشتر رسوخ نموده است. نتیجه این برداشت ناصحیح باعث گردید که آموزه‌های امام خمینی به عنوان افکار رادیکالی اسلامی نمود یابد و اندیشه‌های شریعتی، مطهری و غیره به صورت معتدل‌تر جلوه نماید. دلیل اصلی چنین القائاتی به عملکرد شخصیت‌های انقلابی تندرو باز می‌گردد که با منتسب نمودن عملکرد تندروانه خود به اندیشه‌های امام خمینی، زمینه را برای برداشت‌های غلط جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی از اندیشه‌های امام فراهم می‌نمودند. برخی از شعارها و پیام‌های انقلاب اسلامی، مثل این سخن امام خمینی «نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملت‌ها...» از سوی برخی شخصیت‌های تندروی انقلاب و دشمنان انقلاب به منزله قصد ایران برای مداخله در سایر کشورها و براندازی نظام‌های سیاسی آنها تلقی شد. در حالی که «معنای صدور انقلاب ما، این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند، و خودشان را از این گرفتاری‌هایی که دارند نجات بدهند» (موسوی خمینی ۱۳۷۲ ج ۱۳: ۱۲۳).

عملکرد نامناسب مقامات جمهوری اسلامی و فراموش کردن افکار بنیادین امام خمینی: محدودیت داخلی دیگری که مانع از پیاده‌سازی صحیح و کامل اندیشه‌های امام در جوامع اسلامی گردید، به عملکرد برخی مقامات نظام پس از رحلت ایشان بازمی‌گردد. رحلت امام خمینی مصادف با برخی تحولات مهم، از جمله پایان جنگ تحمیلی بود که ضرورت بازسازی خسارات ناشی از آن را ایجاب می‌نمود. بنابراین این مهم در دولت سازندگی دنبال گردید و بنا به نظر دولت وقت لازمه چنین امری ایجاد

فضای اقتصادی باز و لیبرال بود. اعمال چنین سیاستی بی‌شک منتهی به افزایش روح سرمایه‌داری، اختلاف طبقاتی، خصوصی‌سازی و... می‌شود که با آموزه‌های بنیادین امام در خصوص عدالت‌طلبی، حمایت از مستضعفین، استکبارستیزی، مبارزه با سرمایه‌داری و... در تناقض قرار داشت. شاید در آن برهه زمانی هر دولتی بر سر کار می‌بود اقدامات دولت‌سازندگی را انجام می‌داد، ولی به هر ترتیب پیاده‌سازی افکار اقتصاد لیبرالی مانع جدی در برابر ادامه رشد آموزه‌های بنیادین امام خمینی در میان جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی گردید.

محدودیت جهان اسلام

محدودیت‌های ایجاد شده از سوی جهان اسلام برای پیاده‌سازی افکار امام خمینی در میان جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود، گرچه در دل آن، تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز می‌توان ارائه داشت:

وجود مذاهب شیعه و سنی در اسلام: نوعی معارضه تاریخی بین شیعه و سنی وجود داشته و دارد. البته تضاد تسنن وهابی با انقلاب اسلامی بیشتر است و حتی تسنن متأثر از تصوف نیز تضاد کمتری با شیعه دارد و سپاه صحابه در پاکستان، طالبان در افغانستان از مصادیق بارز مخالفین تشیع در جهان اسلام‌اند. به هر روی، علی‌رغم وحدت‌خواهی و وحدت‌طلبی انقلاب ایران، تضاد اهل سنت با شیعه، به کلی از بین نرفته است (جعفریان ۱۳۷۸: ۲۴۳). این اختلافات سبب خواهد شد در جوامع تندروی سنی مذهب و یا در جوامع اسلامی که تندروهای سنی حکومت را در دست دارند، امام خمینی به جای رهبری اسلامی، به عنوان رهبری شیعی معرفی گردد. بی‌تردید چنین تبلیغاتی محدوداتی را در پیاده‌سازی افکار امام در این جوامع ایجاد نمود، گرچه در بسیاری موارد آموزه‌های امام بر آزاداندیشان مؤثر افتاد.

عرب و عجم: امویان، عباسیان و نیز عثمانیان و صفویان، به نوعی معارضه عرب و عجم را دامن زدند و حتی جنگ عراق علیه ایران به عنوان جنگ قادسیه (مهم‌ترین جنگ بین مسلمانان و ساسانیان) بین ایرانیان و اعراب توجیه می‌شد. به هر روی، آنان ایرانیان را مجوس می‌دانستند، و بر این اساس اعراب را برابر با اسلام و ایرانیان را مخالف با آن می‌دیدند، این نحوه اندیشیدن، هم اینک نیز کم و بیش وجود دارد. چنین تمیزگذاری مطمئناً باعث ایجاد مرزبندی‌هایی برای انقلاب اسلامی می‌گردد و به تبع آن رهبری انقلاب نیز به عنوان رهبر انقلابی «ایرانی» و نه اسلامی معرفی می‌شود.

محدودیت‌های ساختاری نظام بین‌الملل

فروپاشی نظام دوقطبی و پیروز بیرون آمدن ایالات متحده از جنگ سرد ساختار نظام بین‌الملل را دچار تحول نمود. «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به عنوان یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب اسلامی ایران در دوران نظام دوقطبی نمود یافت. در حالی که از بین رفتن نظام دو قطبی تا حدودی از تأثیر این شعار کاست و با تبلیغات قدرت هژمون، برداشت رادیکال از اسلام و نحوه مبارزات آنان (تروریسم) به عنوان دشمن اصلی نظام لیبرالیسم معرفی گردید. در چنین فضای تبلیغاتی، انقلاب اسلامی ایران نیز به عنوان برداشتی رادیکال از اسلام و یا حداقل مدافع جدی جنبش‌های رادیکالی در دنیا به حساب آمد. بدون شک فضای تبلیغاتی ضد انقلاب اسلامی، محدودیت‌هایی را برای پیاده سازی صحیح افکار و آموزه‌های امام خمینی ایجاد می‌نماید.

نتیجه‌گیری

بیشتر انقلاب‌های ناب و واقعی، حامل بذرهایی یک ایده جدید هستند که از شرایط محلی و منطقه‌ای فراتر رفته و بعد از ریشه‌یابی رشد می‌نمایند. از سوی دیگر اثرات سیاسی و اجتماعی انقلاب‌ها در طی سال‌ها ارزیابی نمی‌شود بلکه در طی نسل‌ها و حتی قرن‌ها باید مورد تدقیق قرار گیرد.

نفوذ موفقیت‌های انقلاب اسلامی و ایدئولوژی امام خمینی، در بسیاری از کشورهای اسلامی با پافشاری موفقیت‌آمیز بر «اسلام مردمی» قویاً احساس می‌شد. آرا و افکار امام خمینی نقش بسزایی در صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای ایران داشته، امروز این تردید مطرح است که ایران و انقلاب اسلامی دیگر در پی صدور انقلاب نیست و از اصول و ارزش‌های انقلابی خود دست برداشته است؛ اما صحیح‌تر آن است که بگوییم ایران از اصول اولیه خود دست برنداشته و صدور انقلاب منسوخ نشده، بلکه طی ادوار مختلف شکل صدور انقلاب تغییر کرده است. گرچه تجربه انقلاب اسلامی در ایران در هیچ یک از کشورهای اسلامی روی نداد، اما نمی‌توان تأثیر انقلاب اسلامی بر ملت‌های منطقه را که منجر به تحولات از سال ۲۰۱۰ به این سو در این کشورها شد نادیده انگاشت. نگاه بیناذهنی مشترک (دیکتاتورستیزی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، استقلال‌خواهی و...) میان ملت‌های

منطقه، متأثر از اندیشه و آرمان‌های امام خمینی، تحولاتی را رقم زد که خواست واقعی مردم منطقه خاورمیانه را بیش از پیش نمایان ساخت. خارج کردن تحولات از مسیر واقعی و ادامهٔ مقابله با خواست واقعی ملت‌ها از جمله در سوریه، یمن و بحرین سرانجامی جز مقابله و مبارزه با دولت‌های بیگانه و زورگو نخواهد داشت و در این میان اندیشه‌های پویا و ظلم‌ستیز همچون اندیشه‌های امام خمینی به راه و مسیر خود ادامه خواهند داد.

منابع

- اسپوزیتو، جان ال. و جمیز پی. پیسکاتوری (۱۳۸۲) «بازتاب جهانی انقلاب ایران: چشم‌انداز خط مشی‌ها»، در جان ال. اسپوزیتو، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمهٔ محسن مدیر شانه‌چی، تهران: انتشارات باز.
- برآهویی، نرجس خاتون (۱۳۷۱) اصول‌گرایی اسلامی و تأثیرات منطقه‌ای آن، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل*، تهران: دانشکدهٔ حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۰) «ایران و تحولات جهان عرب: منافع و ارزش‌ها»، *گزارش راهبردی*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸) *مقالات تاریخی*، قم: انتشارات الهادی.
- چرنوف، ف (۱۳۸۸) *نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض*، ترجمهٔ ع طیب، تهران: نشر نی.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷) *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمهٔ حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳) *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، جزوهٔ درس *تئوری‌های روابط بین‌الملل (کارشناسی ارشد)*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸) «تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس»، *فصلنامهٔ خط اول رهیافت انقلاب اسلامی*، سال سوم، شمارهٔ ۱۱.
- رایب، رابین (۱۳۷۲) *شیعیان مبارز راه خدا*، ترجمهٔ علی اندیشه، تهران: نشر قومس.
- سجادی، سیدعبدالقیوم (۱۳۷۸) «امام خمینی و جنبش‌های اسلامی معاصر»، *فصلنامهٔ علوم سیاسی*، سال دوم، شمارهٔ پنجم.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷) *قبلهٔ عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۴) *کاوش‌های نظری در سیاست خارجی*، تهران: انتشارات علمی فرهنگ.

- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴) «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پانزده خرداد*، سال دوم، شماره پنجم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳) *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
- موثقی، احمد (۱۳۷۴) *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲) *صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)*، تهران: تهیه و تنظیم سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰) «تحولات جهان عرب: صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره دوم.
- Bakir, Ali Hussein, (2011) "*Turkish-Iranian relations in the Shadow of the Arab revolutions: A vision of the present and the future*," AlJazeera Centre for Studies, Available at: www.aljazeera.net/mritems/streams/2011/7/4/1_1071856_1_51.pdf
- Checkel, Jeffrey T. (1998) «The Constructivist Turn in International Relations Theory», *World Politics*, Vol. 50, No. 2.
- Hopf, Ted (1998) «The Promise of Constructivism in International Relations Theory», *International Security*, Vol. 23, No. 1.
- Onuf, Nicholas G. (1994) «The Constitution of International Society», *European Journal of International Law*, Vol. 5, No. 1.
- Ruggie, John Gerard (1998) *Constructing the World Polity: Essays on international Institutionalization*, London: Routledge.
- Wendt, Alexander (1994) "Collective Identity Formation and the International State", *American Political Science Review*, Vol. 88, No. 2.
- Wiener, Antje (2003) "*Constructivism: The Limits of Bridging Gaps*", Available at: www.ciaonet.org/olj/jird/jird_sep03_wia01.pdf

نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۲/۴

نجف لکزایی *

رقيه جاویدی **



نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای

نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، نخستین بار در اندیشه شیعه، همراه با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در صحنه عمل ظاهر شده و سپس از سوی آیت الله خامنه‌ای ادامه یافته است. با مراجعه به اندیشه سیاسی این دو رهبر انقلاب می‌توان به ارکان اساسی نظام و دولت اسلامی دست یافت. از طرف دیگر، برای روشن شدن دیدگاه هر متفکر و اندیشمندی درباره دولت، می‌توان اندیشه او را در سه بحث مفهوم (ارگانیکی/مکانیکی)، ساختار (دولت حداقلی/دولت حداکثری) و نظریه دولت (جامعه‌محور/دولت‌محور) بررسی کرد. بررسی‌ها بیانگر آن است که در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، مفهوم دولت با توجه به منشأ الهی - مردمی دانستن دولت و اعتقاد به مردم‌سالاری دینی و اصول مسلم استقلال، آزادی و جمهوری، مفهومی شبکه‌ای است که بر مبنای هندسه الهی شکل یافته است. در بحث ساختار دولت، ایشان به دولت کوچک پویا و تعاملی بدون الزامات غیراسلامی و حتی الحادی نظریات غربی و شرقی معتقدند. به اعتقاد ایشان، ساختار دولت، ولایت فقیه بر پایه ولی فقیه و سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه است که به صورت مستقل و مجزا از یکدیگر فعالیت می‌کنند. ایشان کارویژه اصلی دولت را «نظارت، حمایت و هدایت» و اصل اساسی را عدم دخالت دولت در زندگی مردم می‌دانند؛ به جز زمانی که مصلحت اسلام یا مردم مسلمان اقتضا کند که در این صورت دولت می‌تواند در امور مردم دخالت کند. بر اساس همین کارویژه و وظیفه‌ای که برای دولت تعریف می‌کنند، ایشان در نظریه دولتشان به دولت کریمه عدل‌محور معتقدند که مبنای آن اسلامی است و جهت الهی دارد و اصول اساسی آن، برپایی قسط و عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، دفاع از حقوق

* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (nlakzaee@gmail.com).

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (roghayeh_javidi@yahoo.com).



ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، و دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، اندیشه سیاسی، دولت، هندسه اسلامی، دولت کریمه عدل محور.

۱. مقدمه

دولت به منزله ابزاری در خدمت تلاش هدفمند انسان برای تنظیم امر سیاسی است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت جوامع بشری بدون وجود دولت، هرگز نمی‌توانستند به حیات خود ادامه دهند و منزلت امروزین خود را بیابند. از نظر تاریخی، دولت همواره با اجتماعات انسانی همراه بوده و در صحنه عمل نیز به صورت‌های گوناگونی تجلی یافته است. «تعیین زمان پیدایش دولت در تاریخ بشر دشوار است و نمی‌توان تاریخ معینی برای آن ذکر کرد» (عالم، ۱۳۸۴: ۱۶۳)؛ اما با بررسی دولت‌ها می‌توان گفت در مراحل گذار دولت از آغاز پیدایش آن تا عصر جهانی شدن، تحولاتی در مفاهیم - که داده‌ها و ابزار بنیادین تجزیه و تحلیل و ساخت نظریه‌ها هستند - و به تبع، نظریه‌های دولت و ساختارها و کارکردهای آن رخ داده است.

چارچوب نظری این مقاله، برگرفته از کتاب *نظریه دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن* اثر محمد توحیدفام است. توحیدفام به سیر تحول دولت، از دولت‌های نخستین تا دولت لیبرال دموکراسی در عصر جهانی شدن در سه بُعد مفهوم (ارگانیکی/مکانیکی)، ساختار (دولت حداقلی/دولت حداکثری) و نظریه دولت (جامعه‌محور/دولت‌محور) پرداخته است.

تحول وجه مفهومی دولت و چیستی مفهوم آن را در دو حوزه می‌توان بررسی کرد: یکی در حوزه نظر و دیگری در حوزه عمل. با بررسی تحول عملی دولت‌ها از یونان باستان تا کنون، می‌توان گفت تحول دولت‌ها ناظر به دگرگونی مفهوم ارگانیکی دولت (دولت بسان هدف) به سمت مفهوم مکانیکی آن (دولت بسان وسیله) است. در ابتدای پیدایش دولت، این پدیده به مثابه هدف و مانند ارگانیسمی در نظر گرفته می‌شد که میان اجزای آن ارتباط وجود دارد و دارای توسعه و رشد درونی و نیز هدف و غایت است و به همین دلیل، جدا کردن آن از انسان و جامعه، امری ناممکن و نادرست بود؛ اما به مرور زمان، دولت به منزله ابزاری برای حاصل عمل ارادی انسان و مصلحت‌سنجی‌های او یا قراردادی برای تأمین نظم و امنیت در جهان در نظر گرفته شد. چنین دولتی، ماهیتی



ارادی و قابل تفکیک از جامعه و فرد دارد؛ زیرا این دولت است که برای انسان وجود دارد، نه انسان برای دولت. در واقع، با مکانیکی شدن دولت‌ها، دولت ابزار ساخته انسان برای حل مسائل و مشکلات سیاسی او به شمار می‌آید.

وجه دوم، ناظر به تحول در ساختار دولت، از دولت حداکثرگرا به دولت حداقلی است. این فرایند بیانگر کم‌رنگ شدن کارویژه‌های مداخله‌گرانه دولت، تحدید قدرت دولت و تجدید بنیاد آن بر روش‌های دموکراتیک است؛ زیرا ساختار دولت و الگوهای حاکم بر آن، بر اساس وظایف و فعالیت‌های دولت تعریف می‌شوند. پیامد تحول ساختاری دولت عبارت است از: تغییر در مداخله‌گرایی از سطح کلان اقتصادی به سطح خرد اقتصادی، تغییر قانون مداخله‌گرایی در روند توسعه، تخصیص صنایع سنگین و پایه‌ای به کشورهای خاص، بروز واکنش‌های انعطاف‌پذیر در برابر شرایط رقابت‌آمیز، ظهور تغییرات سریع در شرایط بازار بین‌المللی، تغییر سیاست‌های حکومتی و حزبی از تلاش برای به حداکثر رساندن رفاه در درون جامعه ملی، و ترویج نوآوری و بهره‌وری در بخش‌های عمومی و خصوصی.

وجه سوم، تحول در نظریات دولت است که ناظر به تحول در نظریه‌های حداکثرگرا به نظریه‌های حداقل دولت است. این وجه، به دو رویکرد جامعه‌محور (تبیینی) و دولت‌محور (تجویزی) در نظریه‌های دولت اشاره دارد. رویکرد جامعه‌محور، دولت‌مدن را به شدت تحت فشار ساختار درونی جامعه و متکی به حمایت سیاسی و منابع اقتصادی بازیگران قدرتمند بخش خصوصی می‌داند؛ اما رویکرد دولت‌محور با بررسی رابطه دولت‌مدن با نیروهای جامعه، بر توانایی دولت بر انجام عملی خلاف تقاضاهای بازیگران سیاسی تأکید می‌کند (توحیدفام، ۱۳۸۸: ۱-۴).

امروز نظریه‌های متأخر رویکرد جامعه‌محور با پذیرش نظام مشارکتی از طریق احزاب، انتخابات و نظام رقابتی، به نوعی تأیید و تأکید خود را بر افزایش اختیارات حوزه عمومی و کارویژه‌های آن و مشارکت مردم در کارویژه‌های دولت اعلام کرده است؛ اما رویکرد دولت‌محور نیز با تأکید بیشتر بر کاهش کارویژه‌های مداخله‌جویانه دولت، حکومت دموکراتیک را صرفاً نتیجه روی کار آمدن دولت حداقل دانسته است. آنچه در گذر از نظریه دولت حداکثر به دولت حداقل حایز اهمیت است، تفوق نظریه‌ای است که کارویژه‌های آن به اموری مانند اعاده نظم، پاسداری و امنیت ملی، نظارت بر قراردادهای ممانعت از تجاوز افراد به حقوق یکدیگر، حفظ آزادی شهروندان، تضمین امنیت اقتصادی،

حفاظت از دارایی‌های خصوصی و غیره محدود شده است (همان: ۷). امروزه با توجه به تحولات دولت، شاهد گذار از دولت مداخله‌جو و جامعه منفعل به سوی دولت حداقلی و جامعه فعال هستیم.

مفهوم	• ارکانیگی (اندام‌واره – دولت بسان هدف)
دولت	• مکانیکی (ابزار گونه – دولت بسان وسیله)
ساختار	• دولت حداکثرگرا
دولت	• دولت حداقلی
نظریه	• جامعه محور (رویکرد تبیینی)
دولت	• دولت محور (رویکرد تجویزی)

نمودار شماره ۱: چارچوب تحلیلی بحث

این سه وجه تحولی با توجه به پهنای و گستره آن، بیشتر نقاط جهان و از جمله جمهوری اسلامی ایران را دربرمی‌گیرد. بر اساس این سه منظر از بحث، در مقاله حاضر تلاش شده است تا سه وجه «مفهوم»، «ساختار» و «نظریه دولت» مدنظر مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به اندیشه سیاسی و بیانات ایشان بررسی و تبیین شود.

۲. مفهوم دولت: شبکه‌ای بر مبنای هندسه الهی

دولت، پدیده‌ای است که امروزه همه ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است؛ با این حال، برخی از صاحب‌نظران، دولت را تخیلی – حقوقی می‌دانند که بر دسته‌ای از واقعیت‌ها اتکا یافته است. دولت به این دلیل تخیلی است که همانند واقعیتی مادی وجود خارجی ندارد (گرچی ازندریانی، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۳). در واقع، واژه دولت، یکی از مفاهیم پیچیده، مبهم و دوپهلو در علم سیاست است که هنوز تعریف دقیقی از آن صورت نگرفته است. هیچ اجماع علمی و نظری در محافل دانشگاهی بر تعریفی جامع و مناسب از دولت وجود ندارد (کود ورس و همکاران، ۲۰۰۷م: ۷-۱). در واقع، تعریف دولت به مجموعه‌ای از نظریات متفاوت، ولی مرتبط درباره پدیده سیاست مرتبط است که اغلب با یکدیگر همپوشانی‌هایی دارد (همان).

دولت در زبان انگلیسی با واژه state شناخته می‌شود که از ریشه لاتینی stsre به معنای ایستادن و از واژه انگلیسی status به معنای وضع مستقر و پابرجا مشتق شده



است.

امروزه تعریف رایج دولت با چهار عنصر حقوقی «قلمرو یا سرزمین»، «عنصر انسانی یا جمعیت»، «حکومت یا قدرت سیاسی» و «حاکمیت» صورت می‌گیرد: «گروهی از مردم (جمعیت) که در قلمرو معین (سرزمین) سکونت داشته و تحت اصول منظم (قانون) به طور مستقل و دایم زندگی می‌کنند و فرمان‌بردار قانون صادره از یک مقام عالی (حاکمیت) می‌باشند» (نک: شعبانی، ۱۳۸۶: ۳۴). در واقع، دولت به مفهومی که امروزه به اذهان متبادر می‌شود، مولود تکامل جامعه انسانی است. اجتماع بشری به حکم طبیعت یا ضرورت، امری اجتناب‌ناپذیر است. به تعبیر ارسطو، «انسان طبیعتاً حیوانی اجتماعی است»^۱ (ارسطو، ۱۹۸۸م: ۴)؛ به طوری که زندگی بدون دولت در جهان معاصر، تقریباً غیر قابل تصور و باور است.



بر اساس این تعریف، می‌توان گفت چگونگی شکل‌گیری و ماهیت دولت، به طور معمول از سوی یک قانون اساسی (مدون یا نامدون) تعیین می‌شود (نک: گرجی ازندریانی، ۱۳۸۹: ۱۴). البته ناگفته نماند که گاه نظریه‌پردازان، واژه «دولت» را با واژه «کشور»^۲ مترادف به کار می‌برند. گاهی هم برای جلوگیری از ابهام ناشی از کاربرد عامیانه دولت، ترکیب «دولت - کشور» را ترجیح داده‌اند (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۵۸) و گاهی نیز «نظام سیاسی»^۳ با دولت مترادف انگاشته می‌شود.

با وجود همه این تن‌همدگی‌های معنایی واژه دولت، از نظر سیاسی، دو دیدگاه کلی درباره مفهوم دولت وجود دارد: (۱) دولت، پدیده‌ای ارگانیستی^۴ و اندام‌واره است. (۲) دولت، پدیده‌ای مکانیکی^۵ و ابزارگونه است.

بر اساس دیدگاه اندام‌واره بودن دولت، گفته می‌شود دولت به عنوان پدیده‌ای اندام‌وار، از حیث کارکرد، تکوین و تکامل، به اندام‌واره‌های پیشرفته مانند است. از دیدگاه این نظریه، دولت همانند ارگانیسم نیست؛ بلکه خود، موجود اندام‌وار پیچیده‌ای است. دولت مانند نبات و حیوان، ارگانیسمی طبیعی است که از سه خصلت عمومی ارگانیسم‌های

1. Man is by nature a political animal.

2. Country.

3. political system.

4. Organistic phenomenon.

5. Mechanical phenomenon.



پیشرفته برخوردار است: (۱) وجود ارتباط داخلی میان اجزا و عناصر آن (مانند اجزای بدن انسان)؛ (۲) توسعه و رشد درونی خودبه‌خودی (مانند ویژگی خودترمیمی بدن انسان)؛ (۳) درونی بودن هدف و غایت (مانند هدف حفظ حیات و تداوم زندگی نزد انسان). دولت ابزاری نیست که انسان برای تأمین هدف خاصی آن را ایجاد کرده باشد؛ بلکه همانند خانواده و جامعه مدنی، اندام‌واره‌ای است که خود تحول و تکامل می‌یابد و حاوی غایاتی والاتر از غایات جزئی و فردی است. دولت به عنوان پدیده‌ای مرکب، به خانواده و جامعه مدنی وحدت می‌بخشد و خود شکل تکامل‌یافته‌تر خانواده و جامعه مدنی است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۹۵).

بر اساس دیدگاه ابزارگونه بودن دولت، بیان می‌شود که دولت به طور اساسی محصول عمل ارادی انسان است؛ ابزاری است که انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خاصی آن را ساخته‌اند. دولت، نتیجه قرارداد اجتماعی برای تأمین نظم و امنیت در محدوده‌ای خاص است. دولت چیزی را تأمین می‌کند که طبیعت تأمین نکرده است و آن صلح، امنیت و آزادی است. از این رو، دولت برای انسان وجود دارد، نه انسان برای دولت. وقتی دولت، پدیده‌ای حاصل قرارداد و توافق افراد در نظر گرفته شود، به عنوان پدیده‌ای ساختگی نامیده می‌شود؛ اما وقتی دولت پدیده‌ای مصنوع، اما حاصل اجبار بخشی از جامعه بر بخش دیگر در نظر گرفته شود، پدیده‌ای اجبارآمیز و تحمیلی تلقی می‌گردد (وینست، ۱۳۷۱: ۳۱۴). حال باید دید در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، کدامیک از مفاهیم دولت مدنظر است و نظریه دولت ایشان بر پایه کدامیک از مفهوم دولت بنا شده است؛ اندام‌واره بودن دولت یا ابزارگونه بودن آن. برای اینکه به این مهم در اندیشه رهبری دست یابیم، باید ابتدا منشأ و سرچشمه دولت را از دیدگاه ایشان بررسی کرد؛ زیرا مفاهیم و تعاریف به ریشه و سرمنشأ خود متصل هستند.

نظریات گوناگونی درباره منشأ و دلایل به وجود آمدن دولت بیان شده است؛ برخی از متفکران، منشأ دولت را زور، عده‌ای آن را الهی، بعضی آن را طبیعی و برخی بر اساس قرارداد اجتماعی و ... می‌دانند. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به مبانی شریعت، منشأ دولت را الهی - مردمی می‌دانند و معتقدند:

انقلاب ما یک انقلابی بود که بر مبنای اسلام، امام و امت استوار بود. چون قیام نخستین، اسلامی و مردمی بود، انقلاب هم اسلامی و مردمی شد، و چون انقلاب، اسلامی و مردمی بود، حکومتی هم که بر مبنای آن انقلاب به وجود آمد، اسلامی و مردمی شد؛ یعنی

جمهوری اسلامی. ... خلاصه جمهوری ما این است: خدا و مردم (خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱).

با توجه به این مبناست که ایشان به مردم‌سالاری دینی معتقدند. از دیدگاه ایشان، مردم‌سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. باید توجه داشت که مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین متصل کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کاملی داشته باشیم؛ بلکه خود این مردم‌سالاری متعلق به دین است و اصول و جهت‌گیری الهی دارد:

مردم سالاری دینی دو وجه دارد: یکی، تشکّل نظام که به وسیله اراده و رأی مردم صورت می‌گیرد؛ یعنی مردم نظام، دولت، نمایندگان و مسئولان اساسی را با واسطه و بی‌واسطه انتخاب می‌کنند. دیگر آنکه، دولت و مسئولان در برابر مردم وظایفی دارند و باید در خدمت مردم و خدمتگزار آنان باشند (همو، ۱۲ آذر ۱۳۷۹).

از طرف دیگر، به اعتقاد ایشان، ارکان مهم دولت اسلامی شامل نظام ولایت فقیه با سه رکن اصلی، یعنی «قوه مجریه، مقننه و قضاییه» است که با اصل تفکیک قوا در حال فعالیت و خدمت به مردم هستند. مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان نیز در کنار سایر قوای کشور، اداره و تصمیم‌گیری بخشی از نظام جمهوری اسلامی را برعهده دارند. در رأس تشکیلات نظام جمهوری اسلامی هم مقام رهبری (ولایت فقیه) قرار دارد که فرماندهی کل قوا نیز در اختیار ایشان است.

به نظر ایشان، منظومه فکری مهم این دولت اسلامی و مردم‌سالاری دینی عبارت است از: نفی ظلم، استکبار و استبداد، و استقلال و استغنائی همه‌جانبه دولت و ملت از تکیه کردن به قدرت‌های دیگر، عزت ملی و کشور اسلامی، آزادی و جمهوری:

این شعار معروف استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، تقریباً نوعی حرکت از خاص به عام است، یعنی ذکر عام بعد از خاص است... استقلال، بخش غیر قابل انفکاک از آزادی است؛ یعنی جزئی از آزادی است. جزئی از مفهوم آزادی، استقلال یک کشور است؛ آزادی در مقیاس یک ملت است؛ معنای این استقلال است. آن وقت همه اینها جزء جمهوری اسلامی است؛ یعنی جمهوری اسلامی هم، نه فقط آزادی است، نه فقط استقلال است، بلکه شامل اینها هم هست» (همو، ۱۲ شهریور ۱۳۹۴).

بنابراین، با توجه به اینکه در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری، «تشکیلات دولت، یعنی آن سازماندهی نیروها برای اداره این کشور و به کار گرفتن امکانات کشور برای



رسیدن به آن هدف‌ها» (همو، ۸ اردیبهشت ۱۳۶۸) است و نیز بر اساس اینکه ایشان دولت را «مردمی - الهی» می‌دانند و از طرف دیگر، به مردم‌سالاری دینی و استقلال و آزادی و جمهوری نظام معتقدند، مفهوم دولت در اندیشه ایشان، شبکه‌ای درهم‌تنیده است که دو معنای ارگانیکی (اندام‌واره بودن) و مکانیکی (ابزارگونه بودن) دارد؛ یعنی هم دولت را در یک مجموعه کل می‌دانند و برای آن کمال، تعالی و اهداف والا و سرمنشأ الهی قایل هستند و هم برای دولت ویژگی مردمی بودن و دموکراسی، جمهوریت، استقلال و ... برمی‌شمرند و معتقدند دولت، ابزاری است برای تحقق اهداف و نیز در خدمت مردم است برای تعالی و پیشرفت آنها. در واقع می‌توان گفت در نظر ایشان، مفهوم دولت بر مبنای هندسه الهی شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود. ایشان معتقدند:

نظام اسلامی به انسان‌ها سعادت می‌دهد. نظام اسلامی هم، یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه الهی است برای جامعه؛ مبنی بر نقشه خداست در جامعه (همو، ۶ اسفند ۱۳۸۸).
از طرف دیگر، ایشان تشکیل دولت اسلامی را بر پایه نظامی اسلامی می‌دانند:
نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود ... قدم بعدی ... ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیأت وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم (همو، ۲۱ آذر ۱۳۸۰).

ترسیم فرایند مدنظر ایشان در تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران چنین است:
ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم» (همو، ۶ آبان ۱۳۸۳).



نمودار شماره ۲: جایگاه دولت در تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

بنابراین، نظام اسلامی، مقدمه تشکیل دولت اسلامی است و وقتی نظام اسلامی، یعنی ارکان حکومت، منبع تقنین و معیار و ملاک تصمیم‌گیری و قانون اساسی مشخص و



تثبیت شد و در واقع، پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت، آن‌گاه نوبت به تشکیل دولت اسلامی و محتوا دادن به این ارکان و اصول و نظم دادن به زندگی مردم می‌شود (همو، ۸ شهریور ۱۳۸۴). بدین ترتیب، می‌توان گفت مفهوم دولت در اندیشه رهبری، نه به مفهوم ارگانیکی صرف است و نه مکانیکی صرف؛ بلکه بر مبنای هندسه اسلامی است و به بیان دیگر، ایشان به مفهومی شبکه‌ای و درهم‌تنیده در خصوص دولت معتقدند.

۳. ساختار دولت: ولایت فقیه؛ نظام‌مند؛ دولت کوچک پویا

ساختار دولت در ایران، جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه است.^۱ در رأس این ساختار، ولی فقیه و سپس سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه قرار دارند که مستقل از یکدیگرند. این نظریه رهبری، در راستای نظریه امام است که ایشان رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی را در دوره غیبت، ولایت فقیه می‌داند و آن را اصلی روشن و بدیهی برمی‌شمارد (نک: امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۰: ۲۹؛ همو، بی‌تا: ۵؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۳۳۲). بنابراین، در رأس دولت اسلامی، عالی‌ترین مقام که در رأس حکومت و قوای کشور قرار دارد و حاکم و زمامدار مسلمانان تلقی می‌شود و سیاست‌های کلان به دست او تعیین می‌شود، ولی فقیه است. پس از ایشان، نظام حکومتی شامل سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه می‌شود که رئیس قوه مجریه بعد از مقام رهبری، دومین مقام رسمی کشور را برعهده دارد. بین قوای

۱. قایلان به «ولایت فقیه» برای اثبات آن، دو مینا ارائه داده‌اند: مبنای اول «نصب» است و مبنای دوم «انتخاب» و بیعت. مطابق نظریه اول، فقهای واجد شرایط در زمان غیبت امام معصوم همگی به نصب عام از سوی امام صادق (علیه السلام) به ولایت سیاسی و قضایی منصوب شده‌اند. «نصب عام» به این معنا است که فقهای واجد شرایط، هر کدام به طور جداگانه و اختصاصی از سوی امام به ولایت منصوب نشده‌اند؛ بلکه امام به طور عمومی هر فقیه‌ای را که جامع شرایط باشد، به ولایت بر مؤمنان برگزیده است و مردم موظف‌اند با آنان بیعت کرده، حاکمیت اسلامی را محقق نمایند. بر اساس این نظریه، مشروعیت حاکمیت فقها از طرف شارع مقدس است و انتخاب مردم در مشروعیت حاکمیت اسلامی آنان هیچ‌گونه نقشی ندارد.

اما مطابق مبنای دوم، حاکمیت و ولایت در زمان غیبت - و نه در زمان حضور امام معصوم - فقط با بیعت تحقق پیدا می‌کند و فقهای واجد شرایط پیش از بیعت شرعی و انتخاب مردم، تنها صلاحیت ولایت را دارند؛ ولی برای آنان، نه عملاً ولایتی وجود دارد و نه مشروعیتی. به عبارت دیگر، بر اساس این نظریه اگر فقیه جامع‌الشرایط بدون بیعت شرعی و مردمی قدرت را قبضه کند و عملاً دارای حاکمیت شود، ولایت و حاکمیت او مشروعیت نخواهد داشت؛ مگر اینکه مردم به آن رضایت دهند و در حقیقت با او بیعت کنند.

طرفداران هر یک از دو نظریه برای اثبات مدعای خود به دلایلی روی آورده‌اند (برای اطلاع بیشتر، نک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴).



این دولت نیز تفکیک قوا وجود دارد؛ اما همه، قوای یک نظام هستند و در رأس هرم قدرت با یکدیگر تلاقی می‌کنند و همه در یک نقطه متمرکز می‌شوند و کسی که نقطه مرکزی و اصل نظام است، ولی فقیه است که به همه قوا وحدت و یکپارچگی می‌بخشد. به عبارت دیگر، در نظام ولایت فقیه، قوای سه‌گانه تحت اشراف نقطه مرکزی نظام، یعنی ولایت فقیه قرار دارند. او، هم حافظ قانون اساسی است و هم مراقب است که از احکام اسلامی، ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تخلفی صورت نگیرد و نیز نقش هماهنگ‌کننده بین قوای سه‌گانه را برعهده دارد و اگر کشور با بحران‌های شکننده روبه‌رو شود، وی با هدایت و تدبیر، بحران‌ها را برطرف می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۲۷).

ویژگی‌های این دولت شیعی که در رأس آن ولی فقیه است، عبارت است از:

(۱) جهت‌گیری الهی داشتن آن، که در تداوم ولایت ربوبی خدای متعال، پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت  است.

(۲) مشروعیت داشتن آن، که از طرف خداوند اجازه ولایت و زمامداری فقیه داده شده که در تمام شئون اجتماعی افراد دخالت کند و امور جامعه را بر اساس احکام الهی اداره نماید.

(۳) مقبولیت و پذیرش اجتماعی داشتن آن، که مردم و پذیرش آنان در عینیت بخشیدن ولایت فقیه، نقش اصلی را دارد (نصرتی، ۱۳۸۳: ۸۲-۸۳).

اما وقتی بحث از ساختار دولت به میان می‌آید، بیشتر اندیشمندان معمولاً بحث از اندازه آن را نیز به میان می‌آورند. درباره اندازه مطلوب دولت، بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی - سیاسی، اتفاق نظر وجود ندارد. دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی می‌توان در طیف گسترده‌ای در نظر گرفت که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریزی متمرکز ختم می‌شود. در میان این دو سر طیف، می‌توان به دولت قانون‌گذار، دولت رفاه، دولت سیاست‌گذار، دولت برنامه‌ریز بخشی و غیره اشاره کرد (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۳). به هر حال، از نظر مداخله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها، به طور کلی دو نظریه درباره اندازه دولت وجود دارد:

الف) دولت‌های حداکثری: دولت‌هایی که در تمام امور جامعه و کشور، اعم از اقتصاد، سیاست، حریم خصوصی، فرهنگ و غیره دخالت می‌کنند؛ همانند رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی، مارکسیستی و سوسیالیستی.

ب) دولت‌های حداقلی: دولت‌هایی که کارویژه و نقش حداقلی و آن هم در بعضی از



امور جامعه و کشور برعهده دارند؛ به طوری که گویا دست دولت در امور کشور بسته بوده، از ایفای نقش خود ناتوان است. چنین دولتهایی اغلب منفعل هستند تا فعال.

همچنین باید توجه کرد که نوع نگرش به نقش دولت و دلایل به وجود آمدن آن نیز در اندازه و ساختار دولت مؤثر است؛ زیرا تغییر نگرش‌ها، سبب تغییر وظایف و مسئولیت‌های محول شده به دولت و در نتیجه، تغییر اندازه دولت می‌شود (چشمی، ۱۳۸۴).

با توجه به مقدمات بیان شده، برای اینکه به دیدگاه آیت الله خامنه‌ای درباره ساختار دولت دست یابیم، باید منشأ دولت و کارویژه‌های آن را در اندیشه ایشان بررسی کنیم. در بحث قبل بیان شد که رهبر معظم انقلاب بر اساس اینکه حرکت انقلابی مردم که به تشکیل جمهوری اسلامی انجامید، بر مبنای الهی بود، برای دولت نیز سرچشمه‌ای الهی - مردمی قایل هستند و مردم سالاری دینی را که ناشی از آن است، اصل و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.

از نظر آیت الله خامنه‌ای وظایف، نقش‌ها و کارویژه‌های دولت در رابطه با مردم و جامعه، در دو گونه وظیفه و کارکرد خلاصه می‌شود که هر کدام نیز به زیربخش‌هایی قابل انقسام است:

الف) وظایف مربوط به امور معنوی

- تعلیم و تربیت، تزکیه جامعه و تقویت مبانی شناختی و فرهنگی مردم: در این امر رسانه‌های عمومی، از جمله صدا و سیما، مطبوعات و نیز نهادهای تعلیم و تربیتی دولت نقش اساسی دارند. جامعه‌ای که از لحاظ فرهنگ، معلومات و آگاهی در سطح بالایی باشند، می‌توانند سدی محکم در برابر نفوذ فرهنگ بیگانگان باشند (نک: خامنه‌ای، ۱۴ آذر ۱۳۶۵).

- تأمین آزادی‌های مختلف برای افراد جامعه: منظور از این وظیفه، زمینه‌سازی دولت برای رهایی افراد جامعه از عیوب مخرب، مفسد و متوقف‌کننده همه موانع حرکت و رشد و جهش انسان‌هاست. در اینجا آزادی به هر دو معنا مدنظر است: (۱) آزادی روح انسان از آلائش‌ها، هواها و هوس‌ها و نیز از ردائیل و قید و بندهای مادی؛ (۲) آزادی‌های اجتماعی، آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اقتصادی، آزادی فکر و اندیشیدن و عقیده. البته هر دو گونه آن در چارچوب اسلام و مبانی اسلامی و شریعت پذیرفته شده است، نه در چارچوب غرب که هر کسی هر کاری دلش خواست انجام بدهد که نتیجه آن، بی‌بندباری، خودرایی و خودکامگی است (همان).



- ایجاد مصونیت: از طریق افزایش توانمندی‌ها که آن هم از راه‌های ذیل به دست می‌آید: (۱) تقویت ایمان اسلامی مردم از سوی دولت؛ ۲. تقویت علم از سوی دولت و ... (همو، ۲۵ خرداد ۱۳۹۵).

ب) وظایف مربوط به امور مادی و رفاهی

- پرداختن به صنایع کوچک و متوسط در بخش صنعت و اشتغال‌زایی؛
- توجه به اولویت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولتی؛
- توجه و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- تأمین امنیت کاری و شغلی: از طریق جلوگیری از قراردادهای غیر لازم، جلوگیری از قاچاق کالا و هدایت منابع به سمت مصلحت کشور (همو، ۲۵ خرداد ۱۳۹۵).
- مراقبت و حمایت از مردم و خدمت به آنها، به‌خصوص محرومان، ستم‌دیدگان، از پافشاران و محتاجان (همو، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱ و ۱۱ دی ۱۳۶۶). با انجام این وظیفه، محبت و اعتماد مردم به دولت و دلت‌مردان جلب می‌شود (همو، ۲۳ مرداد ۱۳۷۰) و مردم نیز از دولت در همه امور و تصمیماتش حمایت خواهند کرد و در مواقع حساس از نظام دفاع خواهند کرد و بزرگ‌ترین بحران‌ها را هم همین عاطفه و محبت مردم از سر خواهد گذراند.
- کنترل، هدایت و نظارت در مسائل و امور اقتصادی و بر کیفیت استفاده از سرمایه و مصرف آن: در این صورت، در این امور سوءاستفاده صورت نمی‌گیرد که حق مردم ضایع شود و نیز در مصرف هم اسراف نمی‌شود تا حق طبقات ضعیف و مستضعف پایمال گردد و مصلحت کشور به خطر نخواهد افتاد (نک: همو، ۱۵ آبان ۱۳۶۶). مزیت دیگر این وظیفه دولت، اگر به‌درستی و با دقت فراوان انجام شود، این است که در جامعه، ظلم، بغی و فساد مانند دنیای سرمایه‌داری به وجود نمی‌آید و از مفاسد اقتصادی خرد و کلان جلوگیری می‌کند؛ زیرا این‌گونه مسائل، پایه‌های دولت و نظام اسلامی را سست و متزلزل کرده، مردم را از نظام دل‌سرد می‌نماید.

- ضامن اجرای قانون بودن: به اعتقاد رهبری، «اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی به‌خودی‌خود نمی‌تواند معجزه بکند. قانون هنگامی کاربرد دارد و مؤثر است که بالای سر قانون، یک دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است» (همو، ۱۱ دی ۱۳۶۶).

- استقرار عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی: «یکی از اهرم‌های استقرار عدالت در جامعه اسلامی، حکومت اسلامی و دولت اسلامی و به تعبیر روشن‌تر، دستگاه اجرایی

اسلامی است» (همان).

- حضور کامل دولت در همه فعالیت‌های جامعه: این کار به منظور نظارت و کنترل بر فعالیت‌های جامعه و نه دخالت در امور مردم صورت می‌پذیرد (همان). دولت اسلامی نیز با اعمال قدرت و با حضور دایمی و رابطه مستمر با قشرهای مردم، باید از تخلفات آنها جلوگیری کند تا ظلم و بغي و تبعیض و اختلاف طبقاتی و از بین رفتن زندگی و رفاه قشر عظیم مستمند اتفاق نیفتد؛ اما اگر این‌گونه نباشد، اگر دولت دستش باز نبود و توان اعمال قدرت نداشت، قانون به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود.

- قرار دادن مقرراتی برای کارفرمایان: این کار برای رعایت حقوق کارگران و قشر محروم جامعه و حمایت و دستگیری از حقوق مظلومان و محرومان انجام می‌شود (نک: همان).

با توجه به منشأ دولت و کارویژه‌هایی که مقام معظم رهبری برای دولت تعریف می‌کنند، به نظر می‌رسد ایشان به دولت حداقلی یا حداکثری با الزامات تعریف‌شده غربی معتقد نیستند؛ بلکه ایشان در تعریف ساختار دولت (دولت بزرگ یا گسترده/دولت کوچک) به ساختاری نظام‌مند و دولت کوچک پویا و تعاملی معتقدند. در واقع، ایشان بیشتر گستره «نظارت»، «حمایت» و «هدایت» جامعه را وظیفه دولت می‌دانند و به عدم دخالت دولت در زندگی مردم قایل‌اند؛ اما در سطح جامعه و کشور معتقدند دولت باید فعال و پویا باشد و نقش تعاملی داشته باشد.

پس می‌توان گفت ایشان ساختار دولت را، یک دولت کوچک پویا و بدون الزامات نظریات دولت حداقلی در غرب می‌دانند. از یک طرف، نه حداکثری که دولت در تمام ابعاد زندگی مردم دخالت کند؛ مانند دولت‌های سوسیالیستی و مارکسیستی شرق، و نه حداقلی که دولت از جامعه منفعل باشد؛ مانند دولت سرمایه‌داری غرب. از طرف دیگر، ساختار تشکیلات دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از: نظام شیعی ولایت فقیه‌ای بر پایه رأس نظام، یعنی ولی فقیه و سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه و پذیرش اصل تفکیک قوا و همراهی دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام برای نظارت بر اجرای اسلامی بودن قوانین و در نظر گرفته شدن مصلحت اسلام و مردم مسلمان.

۴. نظریه دولت: دولت کریمه عدل محور

در عصر کنونی، شاهد تحول نظریه‌های دولت از دولت حداکثرگرا به دولت حداقلی ۱۵۷



هستیم. این وجه، ناظر به تحول نظریه‌های دولت مدرن از منظر دو رویکرد است: رویکرد جامعه‌محور (تبیینی) و رویکرد دولت‌محور (تجویزی). رویکرد جامعه‌محور، دولت مدرن را به شدت تحت فشار ساختار درونی جامعه و متکی بر حمایت سیاسی و منابع اقتصادی بازیگران قدرتمند بخش خصوصی می‌داند؛ اما رویکرد دولت‌محور، با بررسی رابطه دولت مدرن با نیروهای جامعه، بر توانایی دولت به انجام عملی خلاف تقاضاهای بازیگران سیاسی تأکید می‌کند. امروزه این تحولات با توجه به پهنای و گستره آن در بیشتر کشورهای جهان، و نیز تعمیق آن در لایه‌های مختلف جوامع که ناشی از جهانی شدن و ویژگی‌های آن است، سبب کاهش نقش و کارویژه‌های دولت و ظهور شرایطی تازه برای گذار به دموکراسی و دولت دموکراتیک و تخصصی شده است (توحیدفام، ۱۳۸۸: ۸-۱). حال با توجه به موضوع مقاله، باید پی گرفت که: نظریه دولت آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

به نظر ایشان، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بر پایه اسلام، ولی فقیه و مردم شکل گرفت (نک: خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱)؛ از این رو، نظریه دولت ایشان، بر پایه جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی و مبتنی بر شریعت و مردم است. به اعتقاد ایشان، مردمی بودن، راز اصلی انقلاب و نظام ماست و به دلیل اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه مردم و اسلام است و دشمن نیز این را می‌داند، درصدد است با تفرقه‌افکنی و ایجاد دشمنی میان مردم و مسئولان، به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزند (نک: همان).

به نظر رهبر معظم انقلاب، حکومت مردمی و مردم‌سالاری دینی، بدین معناست که بر اساس فرمان خدا، به مردم اجازه و امکان تصمیم‌گیری در سرنوشت خود و اقدام داده شده است و حکومت الله با حکومت مردم هیچ منافاتی ندارد. در قرآن کریم هم درباره بنی‌اسرائیل آمده است: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً» (قصص: ۵). در واقع، حکومت مردم، به معنای حکومت خدا و درچارچوب احکام الهی و شرع مقدس است.

به اعتقاد ایشان، مردمی بودن حکومت اسلامی، دو معنای دووجهی دارد: (۱) نقش دادن به مردم در حکومت در چارچوب احکام الهی برای تعیین سرنوشت خود؛ (۲) حکومت در خدمت مردم و خدمتگزار مردم (خامنه‌ای، ۱۴ مرداد ۱۳۶۲). به همین دلیل، مشاهده می‌کنیم در جمهوری اسلامی که پرتویی از حاکمیت اسلام در آن هست، مردم در همه صحنه‌ها حضور و نقش پررنگی دارند و در این نظام، دارای حق رأی و نظر هستند. این دولت مردمی - الهی در سیره اهل بیت نیز پیشینه تاریخی دارد. در صدر اسلام،



حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز تا مدتی بعد از رحلت ایشان، حکومت جامعه اسلامی، حکومتی مردمی بود. در زمان حکومت امام علی علیه السلام نیز مردم در صحنه حکومت به معنای واقعی حضور و دخالت می‌کردند، نظر می‌دادند و در تصمیم‌گیری‌ها از آنها مشورت گرفته می‌شد و حق رأی و نظر و مشورت داشتند. بنابراین، اگر حکومتی ادعا می‌کند مردمی است، باید به معنای اول هم مردمی باشد؛ یعنی مردم در این حکومت دارای نقش باشند (نک: همان).

با توجه به مطالب بیان شده و اینکه مقام معظم رهبری برای دولت، نقش رهبری، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و «نظارت، حمایت و هدایت» جامعه قایل است و وظیفه مردم را اطاعت، مشارکت، نقد و اصلاح می‌داند و تنها در مواردی که مصلحت اسلام و مردم مسلمان اقتضا کند، دخالت و عاملیت دولت را جایز می‌داند، بنابراین، ایشان به نظریه تلفیقی جامعه‌محور و دولت‌محور معتقد است که می‌توان آن را «نظریه عدل‌محور» نامید. به نظر مقام معظم رهبری، «حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی، این حرف نو را مطرح کرد که حاکم و حکومت و قدرت سیاسی باید مبتنی بر پرهیزگاری، عدالت و حقیقت باشد» (خامنه‌ای، ۲۷ بهمن ۱۳۷۹). همچنین بر اساس اندیشه ایشان:

نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ اکثریت که هیچ! (همو، ۲۶ آذر ۱۳۸۲).

از طرفی، ایشان در سخنان خود از دولت کریمه یاد کرده‌اند که ویژگی بارز آن، اجرای عدل و تحقق عدالت و عزت دادن به مسلمانان است:

دولت باید دولت کریمه باشد. معنای «اللهم انا نرغب اليك في دولة کریمه»^۱ این است که پروردگارا! ما دست‌های خود را بلند و دل‌هایمان را به سوی تو عرضه می‌کنیم و از تو دولت کریمه را می‌خواهیم ... دولت کریمه، دولتی است که عزیز و سربلند و دارای اعتقاد راسخ به آن راهی است که قانون اساسی و وظایف و سیاست‌های نظام در مقابل او گذاشته است. نفوذناپذیر است و متاع خودش را به خاطر سبک کردن دیگران سبک نمی‌بیند ... دولت

۱. شیخ کلینی، *الکافی*، ج ۳، ص ۴۲۲؛ شیخ صدوق، *تهذیب‌الاحکام*، ج ۳، ص ۱۰۶؛ شیخ طوسی، *مصباح‌المتهجد*، ص ۵۷۷؛ علامه مجلسی، *بحار‌الأنوار*، ج ۸۸، ص ۶

کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم‌سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است» (همو، ۰۵/شهریور/۱۳۸۰).

در نتیجه، می‌توان گفت نظریه مدنظر رهبری در بحث دولت، «دولت کریمه عدل‌محور» است که اصول آن عبارت است از: برپایی قسط و عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، و دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم.

مفهوم	شبکه‌ای بر مبنای هندسه الهی •
دولت	
ساختار	نظام ولایت فقیه با دولت کوچک پویا و تعاملی •
دولت	
نظریه	دولت کریمه عدل‌محور •
دولت	

نمودار شماره ۳: نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

۵. نتیجه

به نظر آیت‌الله خامنه‌ای، خطوط اصلی همه تصمیم‌ها و برنامه‌ها، به آبشخور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، و تلقی و برداشت اسلامی متصل است و بر اساس آن برداشت و تلقی است که وظایف مشخص می‌شود و عمل بر طبق آن صورت می‌گیرد. در واقع، این خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام و جهان‌بینی اسلامی است که به همه امور جهت دینی و اسلامی می‌دهد و آنها را از امور باطل و کفر جدا می‌سازد و نیز همین جهت‌دهی است که سبب شکل‌گیری دو نظام کفر و ایمان می‌شود.

تمام این اصول جهان‌بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و اداره جامعه مؤثر است. بنابراین، دولت اسلامی از نظر مبانی و منابع، کاملاً با دولت‌های غربی و مدرن تفاوت دارد و دیدگاه‌های دولت اسلامی نیز از این نظر با غرب متفاوت است و نمی‌توان دیدگاه‌های غربی و اروپایی را بر ایران و دولت اسلامی آن کاملاً منطبق و قابل تطبیق دانست. البته باید توجه کرد که گاه از اصلاحات یکسانی در نظریه‌ها استفاده می‌شود؛ اما باید در نظر داشت که یکسان بودن اصلاحات و به‌کارگیری آنها، به



معنای ملزم و پایبند بودن به مبانی نظریات غربی نیست و صرف کاربرد است و جهت الحادی ندارد؛ بلکه جهت الهی و جهت‌گیری اسلامی و دینی دارد.

در این مقاله، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری در باب دولت با توجه به سه وجه نظری بحث، یعنی مفهوم دولت (ارگانیکی/مکانیکی)، ساختار دولت (دولت حداقلی/دولت حداکثری) و نظریه دولت (جامعه‌محور/دولت‌محور) بررسی شد. در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، مفهوم دولت تلفیقی از مفهوم ارگانیکی و مکانیکی است. به نظر ایشان، تشکیلات دولت عبارت است از: سازماندهی نیروها برای اداره کشور و به کار گرفتن امکانات کشور برای رسیدن به هدف‌ها. ایشان منشأ دولت را مردمی - الهی می‌دانند و به مردم‌سالاری دینی و اصول مسلم استقلال، آزادی و جمهوری معتقدند. از طرفی، ایشان بر آن است که نظام اسلامی جمهوری اسلامی ایران که مقدمه تشکیل دولت اسلامی آن بود، بر مبنای هندسه الهی شکل گرفته و قوام یافته است؛ به این معنا که نظام و دولت در ایران، جهت الهی و اسلامی دارد و بر مبنای شریعت، ایمان و عدالت استوار است، نه جهت الحادی و بر مبنای کفر و استکبار. از این رو، می‌توان گفت ایشان به مفهوم شبکه‌ای از دولت بر مبنای هندسه الهی معتقد است.

در بحث ساختار دولت، مقام معظم رهبری به دولت حداقلی یا حداکثری با الزامات تعریف‌شده غربی باور ندارند؛ بلکه ایشان در تعریفی ساده از ساختار دولت (دولت بزرگ یا گسترده و دولت کوچک)، به دولت کوچک پویا و تعاملی معتقدند. به اعتقاد ایشان، ساختار دولت، ولایت فقیه‌ای بر پایه ولی فقیه و سه قوای مقننه، مجریه و قضاییه است که به صورت مستقل و مجزا از یکدیگر فعالیت می‌کنند و دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اسلامی بودن قوانین و حفظ مصلحت اسلام و مردم مسلمان نظارت می‌کنند. ایشان کارویژه اصلی دولت را «نظارت، حمایت و هدایت» و اصل اساسی را عدم دخالت دولت در زندگی مردم می‌دانند، جز زمانی که مصلحت اسلام یا مردم مسلمان اقتضا کند که در این صورت دولت می‌تواند در امور مردم دخالت کند. بر اساس همین نقش، کارویژه و وظیفه‌ای که برای دولت تعریف می‌کنند، در نظریه دولت خود، به نظریه عدل‌محور و دولت کریمه معتقدند؛ دولتی که بر مبنای عدل و قسط و ایمان و عزت اسلامی استوار است و حکمرانی می‌کند.

در جدول ذیل، خلاصه‌ای از اندیشه سیاسی ایشان در باب مفهوم، ساختار و نظریه

دولت ارائه شده است:



ردیف	وجه نظری بحث	نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای
	مفهوم دولت	شبکه‌ای مبتنی بر هندسه الهی: تلفیق ارگانیک و مکانی؛ الهی - مردمی بودن منشأ دولت؛ مردم‌سالاری دینی؛ استقلال، آزادی و جمهوری
	کارویژه دولت	الف) وظایف مربوط به امور معنوی: - شامل تعلیم و تربیت، تزکیه جامعه و تقویت مبانی شناختی و فرهنگی مردم - تأمین آزادی‌های مختلف برای افراد جامعه - ایجاد مصونیت ب) وظایف مربوط به امور مادی و رفاهی: - پرداختن به صنایع کوچک و متوسط در بخش صنعت و اشتغال‌زایی - توجه به اولویت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولتی - توجه و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان - تأمین امنیت کاری و شغلی - مراقبت و حمایت از مردم و خدمت به آنها، به‌خصوص محرومان، ستمدیدگان، ازپافتادگان و محتاجان - کنترل، هدایت و نظارت در مسائل و امور اقتصادی و بر کیفیت استفاده از سرمایه، پول و مال و مصرف آن - ضامن اجرای قانون بودن - حضور کامل دولت در همه فعالیت‌های جامعه به منظور نظارت و کنترل بر فعالیت‌های جامعه و نه دخالت در امور مردم

	- قرار دادن مقرراتی برای کارفرمایان جهت رعایت حقوق کارگران و قشر محروم جامعه و حمایت و دستگیری از حقوق مظلومان و محرومان - و ...
ساختار دولت	ولایت فقیهی با ساختار کوچک و گویا و تعاملی: به دولت حداقلی یا حداکثری با الزامات تعریف شده غربی معتقد نیستند؛ بلکه ایشان در تعریف ساختار دولت (دولت بزرگ یا گسترده و دولت کوچک)، به دولت کوچک پویا و تعاملی قایل‌اند. ساختار دولت: ولایت فقیهی بر پایه ولی فقیه و سه قوای مقننه، مجریه و قضاییه مستقل و مجزا از یکدیگر و همراهی دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام. وظیفه دولت: «نظارت، حمایت و هدایت»، یعنی عدم دخالت دولت در زندگی مردم، جز وقتی مصلحت اقتضا کند= دولت کوچک پویا بدون الزامات نظریات دولت حداقلی در غرب.
نظریه دولت	معتقد به دولت کریمه عدل محور. نظام اسلامی و دولت اسلامی، بر پایه عدل و قسط و ایمان و عزت اسلامی شکل گرفته است و بر مبنای اصول برپایی قسط و عدالت، مردم سالاری، استقلال، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم کار می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، *مبانی علم سیاست*، تهران: نشر توس، چاپ دهم.
- امام خمینی (بی‌تا)، *حکومت اسلامی*، قم: انتشارات آزادی.
- _____ (۱۳۶۸)، *الرسائل*، قم: اسماعیلیان.
- _____ (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، *آموزش دانش سیاسی*، ویراست جدید، تهران: نگاه معاصر.
- بازمحمدی، حسین و اکبر چشمی (۱۳۸۵)، *مجموعه پژوهش‌های اقتصادی: اندازه دولت در اقتصاد ایران (شماره ۲۹)*، تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- توحیدفام، محمد (پاییز ۱۳۸۲)، «پایان تاریخ در عصر جهانی شدن دموکراسی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۱.
- _____ (پاییز ۱۳۸۱)، «جهانی‌شدن دموکراسی و گذار به نظریه نئوپلورالیسم دولت»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۶، شماره ۳.
- _____ (۱۳۸۹)، *چرخش‌های لیبرالیسم*، تهران: نشر روزنه، چاپ دوم.
- _____ (بهار ۱۳۸۰)، «دموکراسی پیشنیاز گفت‌وگوی تمدن‌ها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۲، شماره ۷.
- _____ (۱۳۸۸)، *دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن*، تهران: نشر روزنه، چاپ دوم.
- _____ (زمستان ۱۳۸۰)، «طرح‌های تمدنی و دولت ملی در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۳، شماره ۱۰.
- _____ (زمستان ۱۳۸۲)، «نظریه‌های دولت مدرن در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۷، شماره ۴.
- چشمی، اکبر (۱۳۸۴)، *عوامل تعیین‌کننده اندازه دولت با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵)، *حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- نرم‌فزار حدیث ولایت، ویراست دوم، تهران: مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.



- سایت آیت الله خامنه‌ای (www.khamenei.ir).
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و هشتم.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۴)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ سیزدهم.
- عبدالرؤف المناوی القاهری، زین الدین (بی تا)، *کنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلائق*، تهران: کتابخانه دیجیتال کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۸۹)، *مبانی حقوق عمومی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸)، *امام خمینی و حکومت اسلامی (پیشینه و دلایل ولایت فقیه)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نصرتی، علی اصغر (۱۳۸۳)، *نظام سیاسی اسلام*، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ اول.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۰)، *نظام سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____ (۱۳۸۰)، *درآمدی بر نظام سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Aristotle (1988), *Politics*, Translated by c. p. c. Reere, Cambridge, Hackett publishing company.
- Cud worth, AG, Wood worth, JC (2007), *Susceptibility to the MHC class I genes HLA-B and HLAA Nature*.



مؤلفه های مفهومی مقاومت در اندیشه امام خامنه ای (مدظله العالی)
محمدحکینی^۱ اصغر افتخاری^۲

تاریخ پذیرش: 1399/11/16

تاریخ دریافت: 1399/07/19

چکیده:

پس از انقلاب اسلامی، گفتمان مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ذیل کلان گفتمان اسلام سیاسی-فقاهتی به دال مرکزی اسلام ناب محمدی و با قرائت امام خمینی (ره) شکل گرفت و به عنوان رویکرد اتخاذی نظام اسلامی در فضای نظام بین الملل و همچنین پاسخی کارا و عکس العملی واقع بینانه در برابر نظام سلطه و استکبار در راستای تامین منافع کشور قد علم نمود. این گفتمان که مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب و ساخت بومی کشور تعریف گشته، نشان دهنده مسیر ریل گذاری صحیح و متناسب با آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی برای دستگاه های تصمیم ساز در حوزه سیاست خارجی و کارگران نظام است. نخستین گام برای استقرار درست و کامل گفتمان مقاومت، شناخت دقیق معنا و مفهوم مقاومت و واکاوی مؤلفه های بنیان شناسانه آن است. سوال اصلی پژوهش حاضر، در ارتباط با چیستی مؤلفه های مفهومی مقاومت اسلامی در اندیشه امام خامنه ای حفظه الله تعالی است. برای وصول به پاسخ، با استفاده از روش «تحلیل محتوای کیفی متن محور» بیانات معظم له پیرامون مفهوم «مقاومت» متناسب با اقتضائات روش شناسانه، مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا 9262 فیش از بیانات ایشان استخراج گردید و پس از پالایش، 225 فیش مورد تدقیق و بررسی قرار گرفت و براین اساس مؤلفه های مفهوم شناسی مقاومت در قالب پنج مقوله (مبانی، خاستگاه، ویژگی ها، ابعاد و انواع) تشریح گردید. یافته های پژوهش نشان می دهد مقاومت، مجموعه عملکردی برنامه ریزی شده، کارآمد و هوشمند در تمامی عرصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در سطوح فردی، اجتماعی و نهادی، به جهت مقاوم سازی ساخت وجودی افراد و مستحکم سازی بافت جامعه و حکومت، برای مقابله با دشمن درونی افراد اعم از شیطان و وساوس نفسانی از یک سو و مواجهه با دشمن بیرونی و در راس آن جبهه استکبار جهانی و طواغیت عالم از سوی دیگر است که منجر به نیل به سعادت و کمال دنیوی و اخروی خواهد شد.

واژگان اصلی: مقاومت، اسلام، مقام معظم رهبری، استکبارستیزی، نظام سلطه

1. دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم سیاسی در دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول)

MohammadHakimi@live.com

2. استاد علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی) دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و علوم

a.eftekhari@isu.ac.ir

مقدمه

«نظریه‌ی مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید... بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [می‌کنیم]؛ نخیر، نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل... معنای نظری این است که [نظریه مقاومت را] تبیین کنید.» (بیانات رهبری معظم انقلاب در جمع دانش‌آموزان و دانشجویان، 1397/08/12)

صفحات تاریخ بسیاری از ملت‌ها از دیرباز، مملو از خاطرات اثرات و صدماتی است که پیکره این اجتماعات از فزون‌طلبی‌های قدرت‌هایی که دست برتر را در عرصه معادلات جهانی عصر خود داشته اند، به یادگار دارند. نسل‌های متاخر این ملت‌ها، میراث‌دار انباشت این خاطرات دهشتناک در حافظه تاریخی آن ملت آسیب‌دیده از جور استعمار (چه استعمار کهنه، چه نو و چه فرانسوی آن)، از نسل‌های متقدم خویش اند؛ میراثی که از یک سو منعکس‌کننده هویت ذاتی عزت خواهانه یک ملت آزادی‌خواه بوده و از دگر سو، بازتابی ست از آینه ترک خورده استقلال و کرامت آن ملت، و بدین خاطر، این خاطرات گذشته، در کنار توجه به الگوهای مثالی ایستادگی در زمان حال، میتواند ظرفیت‌هایی مطلوب برای بازیابی یا بازسازی روح و انگیزه حرکت پایدار یک جامعه در مسیر آینده را فراهم آورده و آن جامعه را بر مدار قدرت‌یابی قرار دهد. آنچه جامعه مذکور را در این راه مبارک به پیش می‌برد، تمسک ایشان به مفهومی است که به مثابه «راه انحصاری و توصیه‌شده عقل و شرع در برابر استکبار جهانی» قلمداد شده و به عنوان «راه مقابله با تهدیدها»، «دستیابی یک ملت به شرف، هویت و استقلال» را میسر می‌سازد؛ و این مفهوم عبارت است از مفهوم «مقاومت»؛ مفهومی که نقشی اساسی در پیشبرد اهداف و توفیقات حاصله نهضت‌های یکصد و بیست ساله اخیر ایران به ویژه انقلاب اسلامی داشته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، گفتمان مقاومت به عنوان گفتمان ریشه‌ای و مبنایی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمود یافته است. گفتمانی که خود مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلام سیاسی-فقهاتی با دال مرکزی اسلام ناب محمدی و با قرائت امام خمینی (ره)، ذیل کلان گفتمان انقلاب اسلامی تعریف گردیده و به مثابه دژ مستحکمی در برابر هجمه‌های دشمنان انقلاب، از سلطه، تخریب و نفوذ آنان و ایادی‌شان، عمل کرده و تاثیر ک یاد و حیل آن‌ها را به حداقل می‌رساند. گفتمان مقاومت با رد هر دو سوی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، در شکل‌گیری و امتداد روابط میان دول و جوامع، به دنبال تحقق حکومت عدل الهی در عرصه جهانی است. در این

عرصه با توسل به قاعده نفی سبیل، شعار «نه شرقی و نه غربی» شکل گرفته که اکنون تبدیل به اصلی اساسی در سیاست‌گذاری راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی گردیده است.

اگرچه گفتمان مقاومت و سیاست‌های مقاومتی از ابتدائی‌ترین روزهای انقلاب، به عنوان یکی از اصول نهضت مطرح بوده و پس از پیروزی انقلاب نیز به عنوان راهبرد اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان گردیده، ولیکن تدقیق لازم و علمی آنطور که شایسته است پیرامون آن انجام نگرفته و در عرصه دانشگاهی نیز هنوز محجور است. تشریح گفتمان مقاومت، به عنوان یکی از کارترین و واقع‌بینانه‌ترین مبانی و پایه‌های نظری منتج به عمل در دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشور در کسب حداکثری و حفظ منافع ملی در عرصه بین‌المللی و هم‌چنین عرصه داخلی به عنوان ضرورتی غیرقابل انکار تلقی می‌شود.

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کارآمد و منطبق بر اهداف جمهوری اسلامی ایران چه توسط کارگزاران و چه در سطح نهادی و دستگاه‌های تصمیم‌ساز منوط به درک صحیح از گفتمان مقاومت به عنوان گفتمان جهت‌دهنده به سیاست خارجی است. طبیعی است عدم شناخت دقیق مفهوم مقاومت و آشنایی مطلوب با مبانی و اصول آن، به عدم شناخت درست از این گفتمان منجر شده و بدون عنایت به این مهم نمی‌توان آن‌طور که می‌بایست در راستای تدوین الگوهای عملیاتی آن گام برداشت؛ مسئله‌ای که در کنار توجه به خلأ تشریح مختصات مفهومی و تبیین چارچوب بنیان‌شناسانه از مقاومت بالاخص در اندیشه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، ضرورت انجام پژوهش‌هایی با این رویکرد را به دست می‌دهد.

با عنایت به این مهم هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین مؤلفه‌های مفهومی مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب در راستای تقویت گفتمان بومی مقاومت در حوزه نظری و شناخت دقیق‌تر مفهوم مقاومت، به عنوان پیش‌نیاز ضروری برای تدوین الگوهای عملیاتی آن است. در واقع پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که «مؤلفه‌های مفهومی مقاومت اسلامی از منظر رهبری معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟» در راستای پاسخ به این پرسش، سوال‌های فرعی زیر، مبتنی بر فیش‌های مستخرج از بیانات رهبری، تعریف گردیده است.

الف) خاستگاه‌های مقاومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟

ب) مبانی مقاومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟

ج) ویژگی‌های مقاومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟

د) ابعاد مقاومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟

ه) انواع مقاومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟

در ضمن شایان ذکر است پژوهش پیش‌رو اکتشافی بوده و فاقد فرضیه است.

1. پیشینه پژوهش

در پیشینه‌سنجی صورت پذیرفته، تعداد کم پژوهش‌های دانشگاهی پیرامون موضوع «مقاومت» هویداست. گرچه در سال‌های اخیر، پژوهش‌های قابل توجه از نظر سطح علمی پیرامون این مفهوم صورت پذیرفته، ولیکن هنوز هم این پژوهش‌ها آنطور که شایسته است به غنای علمی مقاومت، نینجامیده و با توجه به نیاز کشور، استمرار پژوهش در این حوزه برای رشد آکادمیک مقاومت ضروری است. با این وصف و با توجه به بررسی صورت گرفته، منابع موجود را با توجه به موضوع محوری‌شان، می‌توان در سه دسته به شرح زیر تقسیم نمود:

1-1. تحلیل عام و عمومی «مقاومت»

در دسته نخست آثاری که به موضوع مقاومت به صورت عام، به عنوان یک پدیده اجتماعی-سیاسی توجه شده و ورای رویکرد بومی و اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، قرار دارند. در این میان فرهادی‌نیا (1386) به تاریخ منازعات نظامی و قیام‌های قرن بیستم پرداخته، جیمزسی (1396) مفهوم قدرت و مقاومت در برابر سلطه‌گری در علم روانشناسی بررسی کرده و گندم‌کار (1390) از منظر حقوق بین‌الملل به مسئله پرداخته است. جان فوران در کتاب «مقاومت‌شکننده» (1378) به بررسی و تحلیل مقاومت اجتماعی پرداخته و سپس با رویکرد جامعه‌شناسانه، به سیر تحولات اجتماعی ایران از دوران صفویه و قاجاریه تا انقلاب اسلامی و نهضت‌های مردمی و همچنین رویارویی ایران با غرب در نظام بین‌الملل جدید توجه نموده است. گرچه مسئله فوران، مسئله‌ای بومی ایرانی است، اما رویکرد ایشان در تحلیل، ایرانی یا اسلامی نبوده و از این رو در دسته نخست قرار گرفته است. تحلیل این دسته، گرچه در موضوع‌شناسی با موضوع پژوهش حاضر، هم‌پوشانی فراوان دارد، ولی در انتخاب رویکرد با توجه به رویکرد بومی-اسلامی مقاله، با این نگاشته متمایزند.

1-2. تحلیل بومی-اسلامی مقاومت

در دسته دیگر ادبیات موجود، آثاری است که با رویکرد بومی و اسلامی به مقاومت نگریسته‌اند. فرهادی (1390) روایت تاریخی نهضت‌های مقاومت و جنبش‌های مذهبی و اسلامی را در نوشته خود بیان کرده. پیرانی (1393) نیز در نهج‌البلاغه، جلوه‌های مقاومت را مورد مذاقه قرار داده است.

کتاب «مقاومت در اسلام: نظریه و الگو» (1399) به قلم اصغر افتخاری از دیگر آثار موجود در این زمینه است. گرچه افتخاری با رویکرد تحلیلی به تعریف مقاومت و نظریه‌پردازی و ارائه الگو پرداخته، ولیکن منبع مورد بررسی او، منابع اسلامی و در راس آن قرآن کریم است؛ این در صورتی است که در نگاشته حاضر منبع منتخب، اندیشه و بیانات رهبری است.

3-1. تحلیل «مقاومت» در اندیشه رهبران انقلاب بالاخص حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
سلطانی‌وش (1394) و مهدوی‌اطهر (1397) در آثار خود به جمع‌آوری سخنان رهبری پیرامون مقاومت و نهضت‌های مقاومت و دسته‌بندی آن پرداخته‌اند. سرافراز (1395) علاوه بر جمع‌آوری بیانات رهبری، گریزی به فلسفه سیاسی اسلام زده و سعی در تطابق عنصر مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را با مفاهیم اسلامی داشته است. کتاب «اندیشه مقاومت» (1398) از صلح میرزایی نیز صرفاً به گردآوری سخنان معظم‌له در حوزه مقاومت پرداخته است. این آثار رویکردی توصیفی داشته و خلاء روشمندی آکادمیک در میان این آثار مشاهده می‌شود. مقاله «تیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت الله سیدعلی خامنه‌ای» (1398) به قلم مهدی‌پور، را می‌توان نزدیک‌ترین اثر به این نگاشته دید. مهدی‌پور در مقاله خود، با به کارگیری روش داده‌بنیاد، به استخراج و بررسی عوامل، متغیرها و چشم‌اندازهای مقاومت در اندیشه رهبری پرداخته و بر این اساس مدل مفهومی آن را ترسیم نموده است.

نوآوری نوشته حاضر نسبت به این آثار، رویکرد تحلیلی در کنار روشمندی است. نویسندگان با ورود علمی به مسئله، در پی آن بوده‌اند که پژوهش را از عمده منابع توصیفی و یا گردآوری متمایز ساخته و در پی تعریف جامع بنیان‌شناسانه مفهوم مقاومت در منظومه فکری رهبر انقلاب برای تدقیق در ارائه الگو عملیاتی آن، در قالبی روشمند و علمی باشد. در نوشته حاضر، نویسندگان با کاربست روش تحلیل محتوا، به دنبال تعریف و تشریح خود مفهوم مقاومت، فارغ از وجهه‌های عملیاتی آن هستند. نویسندگان معتقدند قدم نخست ورود صحیح و کارآمد به عرصه عملیاتی مقاومت، منوط به شناخت دقیق و درک همه‌جانبه از خود مفهوم مقاومت است. نویسندگان در مقاله دیگری با عنوان «مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (دام‌طه)» (1399) به رویکرد عملیاتی مقاومت در اندیشه رهبری پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، نوشته حاضر را می‌توان مقدمه و پیش‌نیازی برای درک دقیق‌تر از مقاومت در مقاله دیگر این نویسندگان و همچنین سایر آثار موجود در این زمینه دانست.

2. مبانی مفهومی و نظری

تبیین صحیح از موضوع تحقیق و پژوهش، در وهله نخست مستلزم تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق در قالب تعریف لغوی و اصطلاحی آن‌ها برای دریافت مقصود نگارندگان و درک مطلوب پژوهش است.

1-2. مقاومت

در همین راستا در ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی مقاومت می‌پردازیم. در تعریف لغوی مقاومت باید اشاره داشت که این کلمه و لفظ، اصالتاً لغتی عربی و از ریشه «ق و م» است که در طی زمان به زبان فارسی وارد گشته است. در معاجم دهخدا، معین و عمید در تعریف مقاومت الفاظ «ایستادگی، برابری، مقابله، پافشاری، ایستادگی، استقامت و پایداری»، «دوام و استحکام»، «باکسی در امری برابری کردن» و «ضدیت کردن» را ذکر شده و در مثال‌هایش مفهوم تقابل با خصم هویدا است. (دهخدا، 1377: 21302 و معین، 1388: 4286 و عمید، 1374: 2289) همچنین عبارات «سختی روبه‌رویی با نیرویی خاص»، «مخالفت و عدم تسلیم در برابر خواست دیگران» و همچنین «استواری، صلابت و نظام» نیز در ترجمه معاجم عربی برای این لفظ آورده شده است.¹ برای معادل مقاومت در زبان انگلیسی نیز در وهله نخست لفظ «Resistance» و در مرحله بعد «Perseverance» که از آن به‌عنوان معادل «استقامت» در فارسی استفاده می‌گردد، آورده شده است. (ساعتچی، 1371: 2564)

در سال‌های اخیر و با حضور نظامی بیگانگان در خاورمیانه، ایجاد گروه‌های تروریستی و تکفیری مانند داعش و ایجاد محور آمریکایی-غربی در این منطقه و حمایتش از گروه‌های تکفیری-تروریستی، باعث پررنگ شدن محور مقابل آمریکا-غرب-تروریسم با عنوان «محور مقاومت» گردیده است. با کسب موفقیت‌های مضاعف این جبهه مخصوصاً در مقابل داعش و اقدامات محور آمریکایی-غربی، محور مقاومت بیش از پیش در اذهان عمومی مردم دنیا شناخته شده و قدرت یافته است. از این سو تبادر ذهنی غالب از «مقاومت» چه در ادبیات عمومی جامعه ایران و چه جامعه بین‌الملل، برداشتی امنیتی-نظامی در قالب ایستادگی و تقابل با جریان تکفیری-آمریکایی است که در عرصه سیاسی نیز تعمیم یافته است.

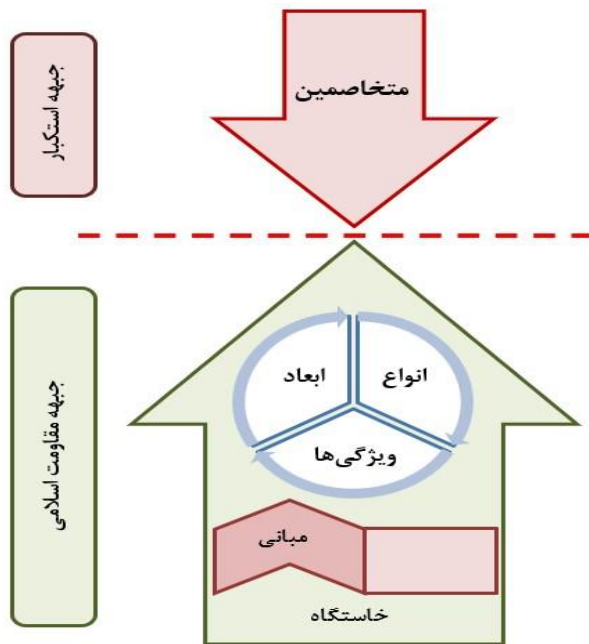
¹ معجم المعانی الجامع-تاریخ آخرین بازدید 04 تیرماه 1398

https://www.almaany.com/ar/dict/ar-ar/مقاومة/

2-2. مولفه‌های مفهومی

مقصود نویسندگان از مولفه‌های مفهومی، آن عناصر درونی مفهوم است که به تعریف خود مفهوم در عرصه نظری، فارغ از حوزه عملیاتی مفهوم و زنجیره مفاهیم پیرامونی و پیوسته به آن در فضای خارجی می‌پردازد. بر همین اساس مقصود محققان از مولفه‌های مفهومی مقاومت، آن عناصری است که در حوزه نظری، به شناخت ما از خود مفهوم مقاومت، فارغ از حوزه عملیاتی آن در عرصه سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره مانند سیاست‌های اجرایی نمودن آن، جبهه مقاومت در خاورمیانه و غیره می‌انجامد. نویسندگان پس از بررسی فیش‌های استخراجی از بیانات رهبری معظم انقلاب پیرامون مقاومت و مفاهیم مستخرج از فیش‌ها، شناخت این مفهوم در حوزه نظری را در گرو دریافت پنج مقوله احصاء نموده که به ترتیب عبارتند از شناخت خاستگاه‌های مقاومت، شناخت مبانی مقاومت، شناخت ویژگی‌های مقاومت، شناخت ابعاد و حوزه‌های مقاومت و شناخت انواع مقاومت. اگر بخواهیم نقشه راهی برای شناخت و شمایی از سامان مفهومی مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب را متناسب با عناصر تشکیل‌دهنده آن ترسیم کنیم، می‌توان شکل زیر را ارائه نمود:

شکل شماره 1: نقشه راه مفهوم شناسی مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب



3. روش انجام پژوهش

روش منتخب برای انجام این پژوهش، روش تحلیل محتواست. این روش در پژوهش مبتنی بر مطالعه و توصیف عینی، منظم و نظام‌مند مضامینی آشکار و مرتبط با یکدیگر بوده (باردن، به نقل از لبسون، 1375: 14-15) که هدف از استخدام آن، استخراج روندها و فرآیندها حاکم بر متن از طریق بررسی معتبر و قابل استنباط از تکرارپذیری داده‌ها در آن متن به جهت شناخت قواعد حاکم بر آن متن و داده‌هاست؛ قواعدی که مطالعه و تحلیل ارتباطات آنان به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی، به‌منظور اندازه‌گیری متغیرها و بر اساس محتوای موجود یعنی انواع واحدهای انتقال پیام، انجام می‌شود. (کرپندورف، 1383: 25-28) این روش برای پژوهش‌هایی که از یک سو دارای تنوع و حجم بالایی از داده‌ها بوده و به تبیین رویکردی خاص در اثناء داده‌ها می‌پردازند و از سوی دیگر در پی بررسی و مقایسه داده‌ها برای تبیین چارچوب و الگویی خاص هستند، مناسب است. (سیدامامی، 1386: 375-381) از این جهت است که روش تحلیل محتوای کیفی برای پیشبرد این پژوهش مورد انتخاب و استفاده قرار گرفته است. برای انجام این پژوهش به روش تحلیل محتوا، هفت گام طی شده که در ادامه شرح داده خواهد شد: (افتخاری، 1396)

نخست. موضوع شناسی مسئله.

شناختن موضوع و متعین ساختن چارچوب و حدود آن متناسب با نیاز و سوال اصلی پژوهش و همچنین جداسازی از ابعاد جانبی و غیره موضوع، نخستین گام این روش است. در این پژوهش رویکرد نویسندگان تنها حوزه مباحث نظری مقاومت برای شناخت خود مفهوم مقاومت، بدون توجه به ساحت کاربردی و همچنین عملیاتی آن مانند جریانات مقاومت و غیره است.

دوم. شناسایی منابع و تعریف مدخل.

با توجه به دسترسی به متون تمامی منابع موضوع مدنظر در پایگاه اطلاع‌رسانی حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین پایگاه داده‌ای از بیانات و نگاه‌های معظم‌له، منبع اصلی و اولیه‌ی مورد استفاده پژوهش بوده و به عنوان منبع اصلی پژوهش قرار گرفته است. بر همین اساس روش تحلیل محتوای متن‌محور در پژوهش حاضر به کار گرفته شده است.

تعریف مدخل به معنای انتخاب واحد تحلیل اعم از کلمات، مضامین، موضوع، اشخاص، وقایع و اسناد، منبع شناسی و انتخاب داده‌های اولیه شامل متون، سخنرانی‌ها، فیلم‌ها، تصاویر، تاریخ، مصاحبه‌ها و غیره، پیرامون موضوع و تشخیص و تعیین جامعه آماری به‌عنوان منابع اولیه، نحوه ورود

به پژوهش و قالب بررسی منابع است. (باردن، 1375: 118) با توجه به بداعت موضوع پژوهش و فقدان آثار علمی و روشمند پیرامون موضوع، حجم گسترده داده‌های اولیه و بانک اطلاعاتی موجود، در پژوهش حاضر واحد تحلیل، واژگان کلیدی است.

روش استخراج واژگان کلیدی و تهیه فیش‌های اولیه در پژوهش حاضر نیز روش «کسب نظرات نخبگانی»¹ می‌باشد. براین اساس رجوع به هفت تن از اساتید متخصص در این حوزه در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، با توجه به سابقه پژوهشی ایشان در حوزه اندیشه مقام معظم رهبری و همچنین آشنایی ایشان با مقدمات موضوع مقاومت و مفاهیم مرتبط با آن، به جمع‌آوری کلیدواژه‌های پیشنهادی آنان پرداخته شده است. در کاربست این روش، پس از بیان مسئله و مفهوم مدنظر از مقاومت، فرم‌هایی جهت کسب نظرات و کلیدواژگان پیشنهادی نخبگان این حوزه برای ورود به موضوع مدنظر و جمع‌آوری فیش پیرامون مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب در اختیار آنان قرار گرفت و از این طریق، کلیدواژه‌ها توسط پژوهشگر تجمع گردیده و مورد حک‌واصلاح قرار گرفته است. در جدول ذیل به نخبگان رجوع شده و سوابق مرتبط آن‌ها در زمینه اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اشاره گردیده است.

جدول شماره 1: جدول معرفی نخبگان

متخصص	مرتبه علمی	معرفی اجمالی
۱ جلال درخشه	استاد	عضو هیأت علمی، رئیس مرکز آموزش و پژوهش وزارت کشور، مؤلف کتاب «آفاق تمدنی انقلاب اسلامی»، نویسنده مقالات «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، «آفاق تمدن نوین اسلامی در سپهر اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای»، «جهانی‌سازی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» و ...
۲ محمدهادی همایون	دانشیار	عضو هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات، عضو هیأت امنای دانشگاه امام صادق (ع)، کارشناس سابق روابط عمومی دفتر مقام معظم رهبری
۳ غلامرضا گودرزی	دانشیار	عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، معاون آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه امام صادق (ع)، مؤلف کتاب «آزاداندیشی در نگاه مقام معظم رهبری»
۴ ابودر گوهری مقدم	دانشیار	عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشگر حوزه سیاست خارجی، نویسنده مقاله «نفوذ گفتمانی ایالات متحده آمریکا در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اندیشه‌های مقام معظم رهبری»
۵ محمدصادق نصرت‌پناه	استادیار	عضو هیأت علمی، معاون آموزشی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، نگارنده مقاله «الگوی تحلیلی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری»
۶ سید مجتبی عزیزی	استادیار	عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشگر حوزه اندیشه اسلامی و اندیشه رهبری، مدرس دوره‌های اندیشه اسلامی، اندیشه سیاسی اسلام و اندیشه رهبری معظم انقلاب
۷ مصطفی غفاری	استادیار	عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، مؤلف کتاب «فتنه تغلب»، نویسنده مقاله «بیداری اسلامی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»: چالش هویت اسلامی و ساختار سیاسی در خاورمیانه»

¹Expert Opinion

پس از اخذ و بررسی نظرات نخبگان و اساتید متخصص در این حوزه و اجماع نظری ایشان بر روی واژگان کلیدی از طریق پرسشنامه، 20 کلیدواژه گزینش و در فرآیند جست‌وجو مطالب و استخراج فیش‌های مقاومت و همچنین پالایش فیش‌ها و سایر گام‌های بعدی، مورد استفاده قرار گرفت. این واژگان کلیدی عبارتند از: مقاومت / مقاومتی / مقاوم، ایستادگی، استقامت، پایداری، سلطه‌ناپذیری، خط قرمز، سازش‌ناپذیری، تسلیم‌ناپذیری، شکست‌ناپذیری، عقب‌نشینی، استکبارستیزی، نرمش قهرمانانه، سیطره، تسلط، باج، به‌زانو درآوردن / به‌زانو درنیامدن، ستم‌ناپذیری، خصم ظالم، صبر و نترسیدن.

سوم. جستجو و گردآوری داده‌ها

براساس کلیدواژه‌های به دست آمده در گام قبل، در سایت حفظ و نشر آثار رهبری، جست‌وجو انجام گردیده و همه فیش‌های مرتبط با مقاومت احصاء شده و سپس مورد پالایش اولیه قرار گرفته است.

چهارم. پالایش داده‌ها

برای انجام این پژوهش، 9262 فیش از بیانات رهبری انتخاب، مورد توجه قرار گرفت و بررسی گردید. پس از پالایش صورت پذیرفته توسط نویسندگان براساس قرابت محتوایی با موضوع مورد بررسی، تعداد 225 فیش انتخاب و به عنوان مستندات پژوهش، مورد مذاقه قرار گرفت و به‌بوته تحلیل گذاشته شد. نتایج کمی این پالایش در جدول زیر قرار گرفته است.

جدول شماره 2: جدول واژگان کلیدی

ردیف	واژگان کلیدی	تعداد کل فیش‌های موجود	تعداد کل فیش‌ها پس از پالایش نهایی	ردیف	واژگان کلیدی	تعداد کل فیش‌های موجود	تعداد کل فیش‌ها پس از پالایش نهایی
۱	مقاومت / مقاومتی / مقاوم	۱۷۳۴	۱۰۵	۱۳	سیطره	۱۶۵	۳
۲	ایستادگی	۱۶۲۲	۸۷	۱۴	تسلط	۵۹۶	۱۷
۳	استقامت	۱۲۲۷	۴۱	۱۵	باج	۷۳	۵
۴	پایداری	۵۹۰	۱۴	۱۶	به‌زانو درآوردن / به‌زانو درنیامدن	۲۷۴	۹
۵	سلطه‌ناپذیری	۱۲۳۸	۱۷	۱۷	ستم‌ناپذیری	۱	۱
۶	خط قرمز	۵۷	۰	۱۸	خصم ظالم	۴	۰
۷	سازش‌ناپذیری	۸	۱	۱۹	صبر	۸۳۵	۱۴
۸	تسلیم‌ناپذیری	۱۴	۱	۲۰	نترسیدن	۵۶	۵
۹	شکست‌ناپذیری	۴۹	۰	مجموع فیش‌ها			
۱۰	عقب‌نشینی	۲۵۶	۱۱				
۱۱	استکبارستیزی	۴۴۳	۴				
۱۲	نرمش قهرمانانه	۲۰	۲				
				تعداد فیش‌ها بدون اشتراک واژه‌ای: ۳۳۷			
				تعداد فیش‌ها با اشتراک واژه‌ای: ۲۲۵			

پنجم. کدگذاری داده‌ها مطابق با دستورالعملی تعریف‌شده توسط محققین

مبنای کدگذاری فیش‌ها، تاریخ بیانات مقام معظم رهبری در سایت حفظ و نظر آثار معظم‌له است و کدها بر آن اساس تنظیم شده است. کدگذاری بدین نحو است که اعداد بعد از حرف «D» در ابتدای کد نمایشگر تاریخ سخنرانی ایشان به ترتیب سال، ماه و روز است و اعداد بعد از حرف «N» شماره مفهوم برداشت‌شده از فیش‌های آن سخنرانی است. به عنوان نمونه، فیش با کد تطبیقی D970409N02 عبارت است از دومین مفهوم برداشتی پیرامون مقاومت بر اساس واژگان کلیدی از سخنرانی نهم تیرماه سال 1397 حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.

D970409N02

نمونه کد فیش:

شماره فیش در روز ماه سال
سخنرانی سخنرانی

ششم. دسته‌بندی فیش‌ها، استخراج مضامین پیرامون مقاومت در هر یک از فیش‌ها، بررسی مضامین مشترک در فیش‌ها و ساخت مفهوم مطلوب پژوهش، ترسیم جدول تحلیلی، کشف مقولات و مقوله‌بندی متناسب با موضوع پژوهش، اختصاص هر مفهوم به مقوله مرتبط با خود. در پژوهش حاضر، 225 فیش در بوته تحلیل قرار گرفت و از میان این فیش‌ها، 214 مفهوم در قالب 5 مقوله استخراج گردید.

هفتم. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش، کشف روابط متقابل میان آن‌ها، پاسخگویی به سوال اصلی و مطلوب و در نهایت ارائه نتیجه و گزارش نهایی پژوهش.

3. جداول داده

3-1. جدول پالایش شده مفاهیم و کدگذاری باز

فیش‌های به‌دست‌آمده بر اساس جستجوی کلیدواژه محور، طبق قسمت قبل کدگذاری شده و سپس مفهوم فیش‌ها استخراج گردیده و در جدول ذیل ثبت گشته است.

۶۳	D8010 19N01	مقابله با سلطه‌ی جهانی و شیطان‌ قدرت‌های استکباری؛ چپستی مقاومت	مبانی	۹۳	D8701 01N01	مقاومت، یعنی تسلیم نشدن و تشویق نکردن سلطه‌گران از طریق عدم سکوت بر غارت منابع ملی	مبانی
۶۴	D8010 19N03	حوزه‌های نظامی، رسانه‌ای و روانی	ابعاد	۹۴	D8701 01N02	مقاومت، یعنی صیانت از درشت دشمن قرار گرفتن سرنوشت یک ملت	مبانی
۶۵	D8011 11N02	زمینه‌های روانی و مادی؛ زمینه‌های تحقق مقاومت	خاستگاه	۹۵	D8702 14N01	حوزه‌های سیاسی، تبلیغاتی، روانی و نظامی	ابعاد
۶۶	D8103 07N02	فرهنگ، اقتصاد و سیاست	ابعاد	۹۶	D8706 02N01	مقاومت؛ دشمنی کردن با استکبار است	مبانی
۶۷	D8106 30N01	مقاومت، تنها راه مقابله با مزاحمت‌ها، اذیت‌ها و کارشکنی‌هاست	مبانی	۹۷	D8803 03N01	ایمان اسلامی	خاستگاه
۶۸	D8107 17N01	تحقق در بستر استمرار	ویژگی	۹۸	D8803 03N02	مقاومت؛ داشتن اراده مستحکم در برابر دشمنان	مبانی
۶۹	D8107 17N04	مقاومت، در راه هدف باقی ماندن است	مبانی	۹۹	D8803 03N03	اسلام	خاستگاه
۷۰	D8108 26N02	ثمردهی بلندمدت	ویژگی	۱۰۰	D8903 14N01	مقاومت، یعنی راه را مستقیم ادامه دادن و در جهت درست حرکت کردن	مبانی
۷۱	D8111 18N01	اسلام و تعلیم رهایی‌بخش آن	خاستگاه	۱۰۱	D8903 14N02	مقاومت یعنی مقابله با طغیان، سرکشی و منحرف شدن	مبانی
۷۲	D8203 03N02	مقاومت؛ تنها راه مقابله با تهدیدها	مبانی	۱۰۲	D8903 14N02	الگوساز بودن	ویژگی
۷۳	D8203 27N01	مقاومت، محل منازعه‌ی نظام اسلامی بر سر سیطره‌جویی قدرت‌هاست	مبانی	۱۰۳	D8903 14N03	تأثیرگذاری بر ذهن و عمل مخاطب	ویژگی
۷۴	D8205 15N01	مقاومت یعنی در خط مستقیم پایداری و پافشاری کردن و زاویه‌ای ایجاد نکردن	مبانی	۱۰۴	D8903 14N04	اصول و پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی	خاستگاه
۷۵	D8207 22N01	تدبیرگرایی	ویژگی	۱۰۵	D8907 27N01	دین	خاستگاه
۷۶	D8303 14N01	مکتب سیاسی و فلسفی امام خمینی(ره)	خاستگاه	۱۰۶	D8907 27N02	مقاومت، یعنی تسلیم نشدن در برابر ظلم	مبانی
۷۷	D8304 01N01	حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و علمی	ابعاد	۱۰۷	D8908 19N01	احساس تکلیف خدایی و اتکال به خدای متعال	خاستگاه
۷۸	D8306 31N01	مقاومت؛ مهم‌ترین راه رسیدن به اهداف	مبانی	۱۰۸	D8911 15N01	مقاومت، یعنی عدم تسلیم در مقابل فشارها	مبانی
۷۹	D8306 31N02	ارزش‌ها	خاستگاه	۱۰۹	D8911 15N02	جذابیت‌محور بودن	ویژگی
۸۰	D8306 31N03	مقاومت، پافشاری بر مبانی و ایستادگی در برابر تهدیدهاست	مبانی	۱۱۰	D8911 15N03	ارتقاء دهندگی وجهه‌ی ملی	ویژگی
۸۱	D8308 20N01	مقاومت، یعنی قوت انسانی، استقامت و پافشاری	مبانی	۱۱۱	D9002 03N01	پیشرفت‌زا بودن	ویژگی
۸۲	D8308 20N02	مقاومت دارای ابعاد مختلفی است	ابعاد	۱۱۲	D9002 03N03	مقاومت یعنی، انتخاب حرفی حق و ایستادن پای آن برای رسیدن به اهداف دنیوی و اخروی	مبانی
۸۳	D8402 19N01	عقب‌نشینی تاکتیکی و از روی نقشه	انواع	۱۱۳	D9002 03N04	الگوساز بودن برای مخاطبین	ویژگی
۸۴	D8402 19N02	مقاومت؛ حرکتی روبه‌جلو	مبانی	۱۱۴	D9003 14N02	عقلانیت‌گرا بودن	ویژگی
۸۵	D8406 08N03	مقاومت درونی و بیرونی	انواع	۱۱۵	D9006 02N01	پیشرفت‌زا بودن	ویژگی
۸۶	D8501 06N01	مقاومت، یک هنر بزرگ است	مبانی	۱۱۶	D9006 02N02	حوزه‌ی علمی	ابعاد
۸۷	D8501 25N01	مقامت، تنها راه توصیه‌شده‌ی عقل و شرع در برابر استکبار جهانی است	مبانی	۱۱۷	D9011 10N01	مقاومت، یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن و متوقف نشدن	مبانی
۸۸	D8501 25N02	عقلانی بودن	ویژگی	۱۱۸	D9012 10N03	مقاومت، یعنی به زانو درنیامدن و عقب‌نشستن	مبانی
۸۹	D8507 21N01	مقاومت، تنها راه پیروزی ملت‌هاست	مبانی	۱۱۹	D9103 29N03	مقاومت، یک تکلیف است	مبانی
۹۰	D8507 21N02	قطعی‌ت توفیق‌آمیز بودن نتیجه مقاومت	ویژگی	۱۲۰	D9104 07N02	مشوق بودن	ویژگی
۹۱	D8508 21N01	رفع اندوه و ترس از جامعه	ویژگی	۱۲۱	D9104 07N03	اسلام	خاستگاه
۹۲	D8605 30N02	مقاومت، یعنی نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری	مبانی	۱۲۲	D9104 21N02	قطعی‌ت دستیابی به پیروزی	ویژگی

۱۲۳	D9104 21N03	مقاومت، درهم‌شکننده‌ی سازوبرگ استکبار است	مبانی	۱۵۳	D9409 06N01	اخلاق	خاستگاه
۱۲۴	D9104 21N04	پیشرفت‌زا بودن	ویژگی	۱۵۴	D9412 25N01	مقاومت؛ اصلی مخالفت نظام سلطه با جمهوری اسلامی	مبانی
۱۲۵	D9104 21N05	قطعیّت معیت نصرت الهی با مقاومت‌کنندگان	ویژگی	۱۵۵	D9502 01N01	مقاومت و ایستادگی، یعنی در مقابل حوادث تلخ نلغزیدن، نلرزیدن، و مردّد نشدن.	مبانی
۱۲۶	D9109 01N01	مقاومت، یک حقیقت است	مبانی	۱۵۶	D9502 01N03	مقاومت، یعنی دفاع از استقلال ملی در تمام عرصه‌های استقلال	مبانی
۱۲۷	D9110 19N02	تجربه‌محور بودن	ویژگی	۱۵۷	D9502 01N04	حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی	ابعاد
۱۲۸	D9110 19N03	تجربه	خاستگاه	۱۵۸	D9502 29N01	قرآن	خاستگاه
۱۲۹	D9110 19N04	قطعیّت دستیابی به پیروزی	ویژگی	۱۵۹	D9502 29N03	نیاز	خاستگاه
۱۳۰	D9110 19N06	داشتن داعیه‌ای جهانی	ویژگی	۱۶۰	D9503 03N01	جهاد اکبر، اصغر و کبیر	انواع
۱۳۱	D9111 28N01	احیاکنندگی نیروی درونی یک ملت	ویژگی	۱۶۱	D9503 03N02	حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر	ابعاد
۱۳۲	D9202 28N02	مقاومت، مفهومی از جنس قدرت است	مبانی	۱۶۲	D9503 03N03	مقاومت، یعنی از کفار و مشرکین اطاعت نکردن	مبانی
۱۳۳	D9204 16N01	نرمش، انعطاف و مانور هنرمندانه و قیصرمانانه در چارچوب خطوط قرمز و آرمان‌ها و راهبردهای اساسی نظام	انواع	۱۶۳	D9503 06N01	مقاومت، یکی از اهداف انقلاب است	مبانی
۱۳۴	D9204 30N01	مقاومت یعنی صبر و فراموش نکردن هدف	مبانی	۱۶۴	D9503 06N02	مقاومت، یعنی مقابله با فراگیر کردن سلطه توسط مستکبران	مبانی
۱۳۵	D9208 12N01	مقاومت یعنی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت و زورگویی استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرفتن	مبانی	۱۶۵	D9503 14N03	مقاومت، یعنی پابندی به ارزش‌ها	مبانی
۱۳۶	D9208 12N03	مقاومت یعنی استکبارستیزی	مبانی	۱۶۶	D9504 16N01	پیشرفت‌زا بودن	ویژگی
۱۳۷	D9211 28N01	مقاومت یعنی ایستادگی بر روی آرمان‌های انقلاب	مبانی	۱۶۷	D9505 16N01	تلازم مقاومت و معیت الهی	ویژگی
۱۳۸	D9211 28N03	مقاومت یعنی تسلیم زورگویی و باج‌خواهی نظام سلطه نشدن	مبانی	۱۶۸	D9505 31N01	حوزه‌های نظامی، امنیتی و فرهنگی	ابعاد
۱۳۹	D9302 31N01	مقاومت یعنی ایستادگی در مقابل قادرها، گردن‌کلفت‌ها، باج‌گیرها و زورگویان عالم	مبانی	۱۶۹	D9505 31N02	حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، امنیتی و نظامی	ابعاد
۱۴۰	D9311 19N01	مقاومت، اقدامی در برابر زیاده‌خواهی، پرویی و باج‌خواهی استکبار است	مبانی	۱۷۰	D9505 31N03	مسجد؛ بستر تحقق مقاومت	خاستگاه
۱۴۱	D9311 19N03	مقاومت دیپلماتیک	ابعاد	۱۷۱	D9508 12N01	اتکا به منطق	ویژگی
۱۴۲	D9311 27N01	صراحت، بدون ملاحظه بودن و شجاعت‌مینا بودن	ویژگی	۱۷۲	D9508 12N03	درون‌زا بودن	ویژگی
۱۴۳	D9311 27N02	مقاومت، یعنی نفی نظام سلطه	مبانی	۱۷۳	D9603 14N03	قطعیّت دستیابی به اهداف	ویژگی
۱۴۴	D9311 27N04	مبانی وحی، مبانی الهی، اخلاق الهی، حرکت الهی و آنچه قرآن با صراحت دارد آن را بیان می‌کند	خاستگاه	۱۷۴	D9603 14N04	نتیجه‌بخشی زاینده تجربه تاریخی	ویژگی
۱۴۵	D9403 02N01	نیروبخش و توانایی‌زا بودن	ویژگی	۱۷۵	D9603 14N05	حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی	ابعاد
۱۴۶	D9403 02N02	امیدزا بودن	ویژگی	۱۷۶	D9604 05N01	اقدام متناسب با شرایط و امکانات	ویژگی
۱۴۷	D9404 20N01	مقاومت یعنی نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری	مبانی	۱۷۷	D9604 05N03	فقه اسلامی	خاستگاه
۱۴۸	D9404 27N01	مقاومت، ایستادگی در برابر متجاوز و عوامل استکبار است	مبانی	۱۷۸	D9605 12N01	کم‌هزینه بودن مقاومت نسبت به تسلیم	ویژگی
۱۴۹	D9404 27N02	ترورستی نبودن	ویژگی	۱۷۹	D9605 12N02	تجربه تاریخی	خاستگاه
۱۵۰	D9404 27N05	تعلاقات میهنی	خاستگاه	۱۸۰	D9609 15N01	مقاومت، یک جنگ است	مبانی
۱۵۱	D9407 08N01	مقاومت، احترام به بشریت، همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی انسان‌ها است	مبانی	۱۸۱	D9609 15N02	حوزه‌های نظامی، سیاسی و جنگ ارادها	ابعاد
۱۵۲	D9408 12N01	قطعیّت دستیابی به پیروزی	ویژگی	۱۸۲	D9701 25N01	تجربه تاریخی	خاستگاه
				۱۸۳	D9701 25N03	مقاومت، ایستادگی در مقابل ظلم و استبداد و زورگویی و خبائث‌ها و جنایت‌های جنایتکاران عالم است	مبانی
				۱۸۴	D9704 09N01	صبر و تقوا	خاستگاه

۱۸۵	D9704 09N03	کم‌هزینه بودن مقاومت نسبت به تسلیم	ویژگی	۲۰۵	D9803 14N10	مقاومت یعنی با ظلم مقابله کردن، از مظلوم دفاع کردن، با ظالم همکاری نکردن و کنار نیامدن	مبانی
۱۸۶	D9704 09N04	داشتن دستاوردهای بیشتر نسبت به تسلیم	ویژگی	۲۰۶	D9803 14N11	مقاومت، فکری است در برابر تهاجم ناچوانمردانه و خیانت‌آلود دشمن	مبانی
۱۸۷	D9706 18N01	مقاومت: اصلی دشمنی ظالمان جهانی با ملت ایران	مبانی	۲۰۷	D9803 14N12	مقاومت، یعنی ایستادگی و گم نکردن راه و هدف	مبانی
۱۸۸	D9708 12N01	اصالت و درست بودن علمی و عملی	ویژگی	۲۰۸	D9803 14N14	فرامرز بودن	ویژگی
۱۸۹	D9708 12N01	حب وطن	خاستگاه	۲۰۹	D9803 14N15	اشاعه خودبنیاد	ویژگی
۱۹۰	D9711 22N01	اقتصاد	ابعاد	۲۱۰	D9803 14N16	دشمن‌زا بودن	ویژگی
۱۹۱	D9801 01N02	نتیجه‌بخشی بلندمدت	ویژگی	۲۱۱	D9803 14N17	الگوسازی بودن	ویژگی
۱۹۲	D9802 24N01	مقاومت: شعار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی در برابر دشمن	مبانی	۲۱۲	D9803 14N18	مقاومت: اصلی دشمنی آمریکا با ایران	مبانی
۱۹۳	D9802 24N02	نتیجه‌بخش بودن مقاومت	ویژگی	۲۱۳	D9803 14N19	منطق، علم و دین	خاستگاه
۱۹۴	D9802 24N03	امتداد داشتن، منقطع نشدن و مقطعی نبودن	ویژگی	۲۱۴	D9803 14N21	مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باصرف در مقابل تحمیل و زورگویی است	مبانی
۱۹۵	D9802 24N04	مقاومت، یعنی ساخت‌های داخل را محکم کردن، پایه‌ریزی‌ها را محکم کردن، با مسائل جدی برخورد کردن و مسائل را پیگیری کردن	مبانی	۲۱۵	D9803 14N23	مقاومت، راه جلوگیری از پیش آمدن دشمن است	مبانی
۱۹۶	D9802 24N05	مقاومت، یعنی برخورد و رویارویی اراده‌ها	مبانی	۲۱۶	D9803 14N24	کم‌هزینه بودن مقاومت نسبت به تسلیم	ویژگی
۱۹۷	D9803 04N01	حوزه اقتصاد	ابعاد	۲۱۷	D9803 14N25	قطعیّت نتیجه‌بخشی مقاومت	ویژگی
۱۹۸	D9803 14N01	مقاومت داخلی و مقاومت خارجی	انواع	۲۱۸	D9803 14N26	قرآن کریم	خاستگاه
۱۹۹	D9803 14N02	اصول تفکرانی امام خمینی (ره)	خاستگاه	۲۱۹	D9803 14N29	مقاومت، یک حقیقت و یک قدرت است	مبانی
۲۰۰	D9803 14N03	مقاومت، یعنی که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند	مبانی	۲۲۰	D9803 14N30	مقاومت لزوماً نبرد نیست، بلکه ایستادگی و عقب‌نشینی نکردن است	مبانی
۲۰۱	D9803 14N04	مقاومت، یک شیوه‌ی عاقلانه برای عبور از موانع است	مبانی	۲۲۱	D9803 14N31	مقاومت، قدردانی و استفاده بهینه از آنچه داریم است	مبانی
۲۰۲	D9803 14N07	مقاومت، نفی ظلم و ظلم‌پذیری و حمایت از مظلوم است	مبانی	۲۲۲	D9803 14N32	مقاومت، راز ماندگاری جمهوری اسلامی است	مبانی
۲۰۳	D9803 14N08	عقل و خرد	خاستگاه	۲۲۳	D9803 14N34	حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی	ابعاد
۲۰۴	D9803 14N09	قرآن	خاستگاه	۲۲۴	D9803 14N35	مقاومت، قدرتمندترین سلاح یک ملت است	مبانی
				۲۲۵	D9804 05N01	هویت ایرانی با خصوصیات اسلامی	خاستگاه

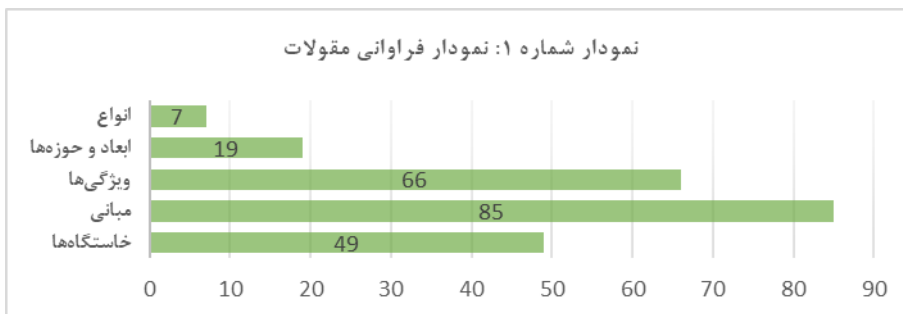
3-2. جدول مقولات

مفاهیم به‌دست‌آمده بر اساس وجوه مشترک کارکردی آنان دسته‌بندی گردیده و تمامی آن‌ها در قالب پنج مقوله (خاستگاه، مبانی، ویژگی‌ها، ابعاد و انواع مقاومت اسلامی) در راستای تعریف چاقوب مفهومی بنیان‌شناسانه مطلوب پژوهش جای گرفت.

مقولات		کدهای مفاهیم متناظر با مقولات
۱	مبانی	D610601N02 - D660631N03 - D680319N01 - D680403N01 - D681222N02 - D720228N03 - D740228N02 - D761026N01 - D770101N02 - D770726N01 - D771024N01 - D790729N01 - D790824N02 - D790824N04 - D800101N01 - D800204N02 - D800921N01 - D801019N01 - D810630N01 - D810717N04 - D820303N02 - D820327N01 - D820515N01 - D830631N01 - D830631N03 - D830820N01 - D840219N02 - D850106N01 - D850125N01 - D850721N01 - D860530N02 - D870101N01 - D870101N02 - D870602N01 - D880303N02 - D890314N01 - D890314N02 - D890727N02 - D891115N01 - D900203N03 - D901110N01 - D901210N03 - D910329N03 - D910421N03 - D910901N01 - D920228N02 - D920430N01 - D920812N01 - D920812N03 - D921128N01 - D921128N03 - D930231N01 - D931119N01 - D931127N02 - D940420N01 - D940427N01 - D940708N01 - D941225N01 - D950201N01 - D950201N03 - D950229N01 - D950303N03 - D950306N01 - D950306N02 - D950314N03 - D960915N01 - D970125N03 - D970618N01 - D980224N01 - D980224N04 - D980224N05 - D980314N03 - D980314N04 - D980314N07 - D980314N10 - D980314N11 - D980314N12 - D980314N18 - D980314N21 - D980314N23 - D980314N29 - D980314N30 - D980314N31 - D980314N32 - D980314N35 -
	ابعاد	D650614N03 - D701019N03 - D790824N01 - D801019N03 - D810307N02 - D830401N01 - D830820N02 - D870214N01 - D900602N02 - D931119N03 - D950201N04 - D950303N02 - D950531N01 - D950531N02 - D960314N05 - D960915N02 - D971122N01 - D980304N01 - D980314N34 -
۲	انواع	D700314N03 - D780128N01 - D840219N01 - D840608N03 - D920416N01 - D950303N01 - D980314N01 -
۴	خاستگاه	D600927N01 - D650614N06 - D660631N01 - D360705N01 - D700314N02 - D700408N01 - D700717N02 - D700815N01 - D710313N01 - D710507N01 - D710604N02 - D710729N01 - D720215N01 - D731103N01 - D740228N01 - D760315N01 - D780228N01 - D780608N01 - D800610N01 - D800619N01 - D800704N02 - D800921N04 - D801111N02 - D811118N01 - D830314N01 - D830631N02 - D880303N01 - D880303N03 - D890314N04 - D890727N01 - D890819N01 - D910407N03 - D911019N03 - D931127N04 - D940427N05 - D940906N01 - D950229N03 - D950531N03 - D960405N03 - D960512N02 - D970125N01 - D970409N01 - D970812N01 - D980314N02 - D980314N08 - D980314N09 - D980314N19 - D980314N26 - D980405N01 -
	ویژگی	D610601N04 - D650614N07 - D681222N03 - D681222N04 - D681222N07 - D690207N03 - D690212N03 - D690626N01 - D700315N02 - D700717N01 - D701130N03 - D711104N01 - D720215N02 - D720215N03 - D731103N02 - D760217N02 - D770101N01 - D800921N05 - D810717N01 - D810826N02 - D820722N01 - D850125N02 - D850721N02 - D850821N01 - D880222N04 - D890314N02 - D890314N03 - D891115N02 - D891115N03 - D900203N01 - D900203N04 - D900314N02 - D900602N01 - D910407N02 - D910421N02 - D910421N04 - D910421N05 - D911019N02 - D911019N04 - D911019N06 - D911128N01 - D931127N01 - D940302N01 - D940302N02 - D940427N02 - D940812N01 - D950416N01 - D950516N01 - D950812N01 - D950812N03 - D960314N03 - D960314N04 - D960405N01 - D960512N01 - D970409N03 - D970409N04 - D970812N01 - D980101N02 - D980224N02 - D980224N03 - D980314N14 - D980314N15 - D980314N16 - D980314N17 - D980314N24 - D980314N25 -

جدول شماره 4: جدول مقولات

بررسی میزان فراوانی هر یک از مقولات در فیش‌های مستخرج از بیانات رهبر معظم انقلاب، می‌تواند نشان‌دهنده اولویت و میزان تاکید ایشان نسبت به هر مقوله در شناخت مفهومی مقاومت باشد. براین اساس، منطبق بر جدول مقولات، فراوانی هر یک از مقولات در نمودار زیر ترسیم گشته است.



بر اساس این نمودار و فیش‌های مستخرج از منویات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان به مبانی مقاومت اعم از بنیان‌های جنس‌شناختی، استعاره‌شناختی و معناشناختی، به چشم مهم‌ترین مؤلفه در شناخت این مفهوم نگریسته‌اند. پس از آن به ترتیب تدقیق در ویژگی‌ها، خاستگاه‌ها، ابعاد و انواع مقاومت در شناخت مفهوم مقاومت حائز اهمیت است.

4. تحلیل داده‌ها

با تدقیق در مفاهیم بنیادی و مقولات، ارتباط هر مفهوم و مقوله و جایگاه آن در منظومه مقاومت اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته است و نظام ارتباطی آن‌ها در ادامه شرح داده خواهد شد.

4-1. خاستگاه‌های مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

خاستگاه‌های مقاومت را می‌توان در پنج قسم تعریف نمود.

4-1-1. اسلام

در نظر معظم‌له اسلام، ارزش‌های اسلامی و تعالیم آن، اصلی‌ترین خاستگاه و مرکز ثقل اندیشه مقاومت است؛ ارزش‌ها و تعالیمی از جمله نفی ظلم و ظلم‌پذیری، امر به معروف و نهی از منکر، شور و شوق ایمانی، عشق الهی، هویت ایرانی-اسلامی، تقوا، صبر و بصیرت. ایشان تأکید می‌دارند در ادبیات قرآن کریم و روایات نیز مقصود از صبر، استقامت و مقاومت است. تنها افراد با بصیرت و اهالی استقامت و مقاومت‌اند که عَلم حق را بر دوش می‌کشند. (نهج‌البلاغه، خطبه 173) صبر است که عامل تحقق مقاومت گشته و اهالی صبرند که در عرصه مقاومت باقی مانده و تسلیم نمی‌شوند. همچنین ولایت دیگر خاستگاه مقاومت بوده و تعالیم امام خمینی (ره)، به‌عنوان یک رهبر عظیم‌الشأن دینی، در شکل‌گیری مقاومت در ایران و جهان، دارای تأثیر بنیادی در نظر است. امروزه نیز شاهد نهضت‌هایی هستیم که خود را پیرو مکتب پیر جماران برشمرده و دنباله‌دار راه او می‌دانند. مسجد نیز که نمود مکانی دینی است، به‌عنوان پایگاهی برای تشکیل مقاومت اجتماعی انگاشته شده و تفکر مسجدی - که همان تفکر اسلامی است - زمینه‌ساز ایجاد مقاومت معرفی می‌گردد.

4-1-2. اخلاق، روان و فطرت بشری

خارج از تقیدات عقیدتی، هر فردی به سلطه دیگری بر خود واکنش نشان داده و از آن جلوگیری و با آن مقابله می‌کند. روحیه ستم‌ناپذیری، سازش‌ناپذیری و عدم انعطاف در مقابل قدرت و سلطه بیگانه، انسان را به مقاومت در برابر تعدی بیگانگان سوق می‌دهد. اخلاق نیز هرگونه نفوذ و برتری‌جویی

افراد و دولت‌ها بر یکدیگر را محکوم کرده و امر به استقامت در برابر آن می‌کند. به عبارتی مقاومت اصالتاً امری اخلاقی است.

3-1-4. علم و منطق

در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، امام خمینی (ره) راهبرد مقاومت از روی یک احساسات و هیجانات زودگذر و مقطعی انتخاب ننموده و همان‌طور که مقاومت پشتوانه‌ای دینی دارد، صاحب پشتوانه‌ای علمی و منطقی نیز هست. عقلا و خردمندان عالم، از هر دین و مسلکی، تلاش برای احقاق حقوق آدمی را امری پسندیده و مطلوب برمی‌شمارند و تسلیم در برابر ظالم را مورد مذمت قرار می‌دهند. همچنین است که از سوی اندیشمندان نیز، حمایت از مظلوم و ایستادگی در برابر ظلم و استبداد مورد تحسین قرار می‌گیرد. مؤید دیگر این امر آن است که حوزه‌ها و دانشگاه‌ها که به‌عنوان مراکز علمی و منطقی در جوامع شناخته می‌شوند، در طول تاریخ پایگاه‌های مقاومت قرار گرفته و اندیشه مقاومت نیز از آنجا منتشر گردیده است.

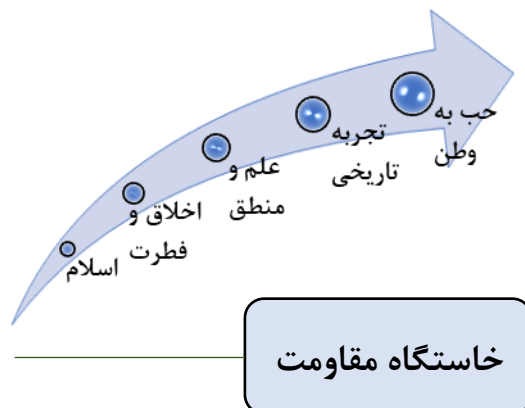
3-1-4. تجربه تاریخی

مقاومت بر اساس تجربه تاریخی؛ چه تجربه تاریخی چهل ساله ملت ایران و چه تجربه تاریخی اسلام مفید و کاربردی است. در عرصه ملی، تجربه چهل ساله جمهوری اسلامی؛ چه در عرصه داخلی و چه در ساخت بین‌الملل و فعالیت‌های جهانی نشان داده هر جا در مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی دشمن، ایستادگی و مقاومت صورت پذیرفت، هم هزینه کمتری پرداخت شد و هم درنهایت دشمن مجبور به عقب‌نشینی گردید؛ خواه عقب‌نشینی از مواضع خصمانه خود و خواه عقب‌نشینی از تهاجم به مرزهای جغرافیایی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس. در عوض هر جا ملت ایران عقب‌نشینی کرد، این عقب‌نشینی مشوقی برای افزایش توقعات دشمن گردید و دشمن جلوتر آمد. بارها مشاهده شده که «هزینه سازش از هزینه مقاومت بیشتر است».

3-1-5. حب به وطن و میهن

هر فرد، خود را متعلق به یک حدود جغرافیایی دانسته و به آن احساس تعلق و وابستگی نشان می‌دهد؛ تعلقی که برخاسته از علاقه و حب به آن زادگاه، میهن و وطن است. این خصلت حب و تعلق به وطن و میهن، سبب می‌شود آدمی نسبت به وطن بی‌تفاوت نبوده و در برابر حوادث و اتفاقات آن عکس‌العمل نشان دهد. ازجمله این حوادث، تهدید، نفوذ یا تجاوز به آن است که عامل حب به وطن، انسان را به ایستادگی در برابر تجاوز به آن و دفع کامل خطر و تهدید می‌کشد.

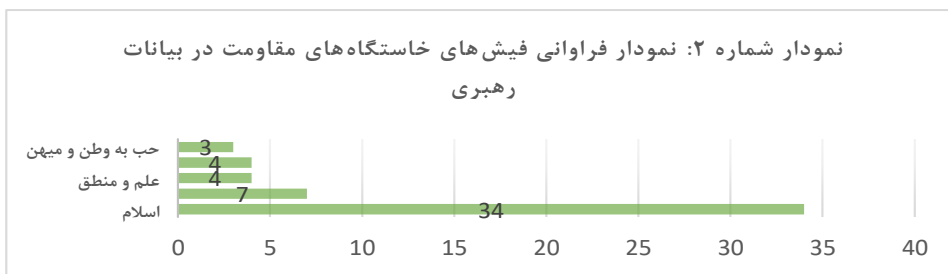
شکل شماره 2: خاستگاه‌های مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب



بررسی فراوانی فیش‌ها پیرامون هر یک از خاستگاه‌ها، باعث شناخت دقیق‌تر ما از اولویت و اهمیت هر یک از خاستگاه‌های مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب می‌گردد. در همین راستا در جدول زیر، تعداد فیش‌های هر یک از خاستگاه‌ها بیان شده و سپس نمودار فراوانی آن‌ها مبتنی بر جدول زیر ترسیم گردیده است.

جدول شماره 5: کدهای مرتبط با خاستگاه‌های مقاومت همراه با فراوانی

فراوانی فیش‌ها	کدهای مربوطه	خاستگاه‌های مقاومت اسلامی
36	D600927N01 - D660631N01 - D700314N01 - D700408N01 - D700717N01 - D710313N01 - D710507N01 - D710604N01 - D710729N01 - D720215N01 - D731103N01 - D740228N01 - D760315N01 - D780228N01 - D780608N01 - D800610N01 - D800619N01 - D800704N01 - D800921N02 - D811118N01 - D830314N01 - D830631N02 - D880303N01 - D880303N02 - D890314N02 - D890727N01 - D890819N01 - D910407N01 - D931127N01 - D950531N02 - D960405N01 - D970409N01 - D980314N01 - D980314N04 - D980314N08 - D980314N12 -	اسلام
7	D650614N02 - D710313N01 - D800704N01 - D801111N01 - D931127N01 - D940906N01 - D970409N01	اخلاق، روان و فطرت بشری
3	D940427N01 - D970812N01 - D980405N01	حب به وطن و میهن
4	D600927N01 - D950229N01 - D980314N04 - D980314N08 -	علم و منطق
4	D700815N01 - D911019N01 - D960512N01 - D970125N01 -	تجربه تاریخی



همانطور که ملاحظه می‌گردد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین خاستگاه مقاومت در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، با اختلاف بسیار زیاد از خاستگاه‌های دیگر، اسلام و آموزه‌های اسلامی است. ایشان، مقاومت را بیش از همه برخاسته از آموزه‌های اسلامی دانسته و به آن به سان وظیفه‌ای شرعی و عقیدتی می‌نگرند. آموزه‌ای که اخلاق، روان و فطرت بشری نیز موید آن بوده و علم، منطق و تجربه تاریخی نیز بر ضرورت آن صحه می‌گذارند.

4-2. مبانی مقاومت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

در این بخش بنیان‌های جنس‌شناختی، استعاره‌شناختی و معناشناختی مقاومت توجه گردیده و از منظر هریک به مقاومت نگریسته شده است.

4-2-1. جنس‌شناختی مفهوم مقاومت

در جنس‌شناختی مقاومت، در پاسخ به سؤال «مقاومت چیست؟» جنس مقاومت بیان گردیده است

- مقاومت از جنس روح است.
- مقاومت از جنس انگیزه است.
- مقاومت از جنس قدرت است.
- مقاومت از جنس حقیقت است.
- مقاومت از جنس نعمت است.
- مقاومت از جنس حب و بغض است.
- مقاومت از جنس تکلیف است.
- مقاومت از جنس واکنش است.
- مقاومت از جنس سیاست است؛ سیاست پیروزی خون بر شمشیر.

• مقاومت از جنس اصول اساسی است.

• مقاومت از جنس شعار است.

• مقاومت از جنس احترام است؛ احترام گذاردن به بشریت.

بر این اساس مفهوم مقاومت، مفهومی مبنایی، دارای دو بعد انتزاعی-تجربیدی و عملیاتی و از جنس قدرت است که گاه به عنوان حقیقتی اساسی و تکلیفی مفترض در اسلام به منصفه ظهور رسیده و گاهی در واکنش به قدرتی متعارض یا رقیب ظاهر می‌گردد. همان‌طور که قدرت را می‌توان در دو ساحت نرم و سخت در نظر گرفت، مقاومت نیز از آن‌رو که از همان جنس است نیز می‌توان دارای دو ساحت نرم و سخت دانست. بر همین اساس مقاومت سخت را می‌توان استفاده از ابزار سخت برای اعمال مقاومت دانست. در تعارض‌های نامتقارن قدرت و مقاومت، می‌توان مقاومت نرم را مجموعه‌ای از سیاست‌های هدفمند دانست که با کاربست ابزار ضعیف‌تر و قدرت مادی به ظاهر کمتر، می‌توان بر قدرت‌های مادی بزرگ و دارای انواع ابزارهای پیشرفته، چه از نوع سخت مانند تسلیحات پیشرفته و چه از نوع نرم مانند رسانه‌های گسترده و بلامنازع، با برنامه‌ریزی و تدبیر در کنار توکل بر قدرت لایزال الهی، پیروز گشت.

2-4. استعاره‌شناختی مفهوم مقاومت

در این قسم، مقاومت به‌مثابه مفهوم یا ابزاری دیگر بیان گردیده است.

الف. مقاومت به‌مثابه راه...

- راه دستیابی یک ملت به شرف، هویت و استقلال
- راه به‌سوی کمال و سعادت یک ملت
- راه مقابله با طغیان، سرکشی و انحراف
- راه مقابله با تهدیدها
- راه رسیدن به اهداف
- راه انحصاری و توصیه‌شده عقل و شرع در برابر استکبار جهانی
- راه پیروزی ملت‌ها
- راه عاقلانه برای عبور از موانع

ب. مقاومت به‌مثابه سلاح؛ توانمندترین سلاح جمهوری اسلامی ایران

پ. مقاومت به‌مثابه حرکت؛ حرکتی روبه‌جلو

در ساحت استعاره‌شناختی برای دریافت مفهوم مقاومت، در بیانات رهبری انقلاب این مفهوم به مسیری عقلانی و شرعی تشبیه گردیده که با حرکت مداوم و مستمر در آن، می‌توان به اهداف مدنظر جامعه و در نهایت به پیروزی رسید و هویت و شرف و استقلال جامعه را حفظ و تحکیم نمود؛ همچنین است که به مقاومت، به چشم ابزار قدرمندی نگریسته شده که با کاربست دقیق و درست آن، می‌توان با موانع، مشکلات و انحرافات این مسیر مقابله کرد و به غایت و اهداف مدنظر نیل یافت.

3-2-4. معناشناختی مقاومت

در این قسم معانی مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان گردیده است. مقاومت به معنای...

- انتخاب؛ انتخاب یک راه درست و مردود نشدن در آن
- زانو نزدن؛ در برابر فشار

در برابر حوادث تلخ

- تحمل؛ تحمل رنج‌ها و مشکلات و صبر بر آنها
- ایستادگی و پافشاری؛ بر آرمان‌های انقلاب

بر حرف حق

بر مبانی و ارزش‌ها

در برابر هویت‌زدایی از ملت‌ها

- دفاع؛ از حق خود در مقابل زورگو

از استقلال ملی در تمامی عرصه‌ها

- مخالفت؛ با درشت دشمن قرار گرفتن سرنوشت کشور

با روش‌های سازشکارانه

با اراده مستکبران

با مداخله‌جویی و تحمیل قدرت مستکبران

- امتداد دادن؛ امتداد راه مستقیم

- تقابل؛ تقابل اراده‌ها

با سلطه نظام استکباری

با سازویرگ مستکبران

با فراگیر کردن سلطه توسط مستکبران

• اطاعت نکردن؛ از کفار و مشرکان

در ساحت معناشناسی مفهوم مقاومت، مراتب و سطوحی را می‌توان در بیانات رهبری معظم انقلاب یافت که در مجموع این اقدامات، مقاومت معنا گرفته و تعریف می‌گردد. نخست تقابلی میان حق و باطل شکل می‌گیرد؛ تقابلی فکری-عقیدتی بین جبهه استکبار و استضعاف جهانی. فرد و جامعه حق‌گرا، جبهه مستضعفین را با تمام مشکلات، موانع و سختی‌های آن انتخاب می‌کنند؛ انتخابی که هم مبتنی بر معیارهای عقیدتی است و هم بر پایه انتخاب عقلانی استوار است. این انتخاب در نخستین وهله، خود را در عدم اطاعت از فکر کفر و استکبار و جبهه کفار و مستکبرین نشان می‌دهد. مستضعفین دیگر از فرامین ظالمانه مستکبرین اطاعت نکرده و به مخالفت با آنان و اقدامات مداخله‌جویانه‌شان اقدام می‌نمایند و از حق خود، دفاع و برای احقاق آن تمام سختی‌ها، موانع و مشکلاتی که مستکبرین برای آنان ایجاد می‌کنند، تحمل می‌کنند. آنان مسیر حق خود را ادامه داده و برای حفظ آن پایداری و استقامت کرده تا به اهداف خود رسیده و پیروز گردند. در منظومه فکری رهبری براساس مفاهیم مستخرج فوق، این مجموعه اقدامات با عنوان مقاومت تعریف می‌گردد.

شکل شماره 3: مبانی مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب



3-4. ویژگی‌های مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

ویژگی‌های مقاومت مد نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان در پنج گروه تقسیم نمود:

1-3-4. ویژگی‌های ذاتی مقاومت

برخی از ویژگی‌های مقاومت که متمرکز بر ذات و خصلت‌های آن است عبارتند از: امیدبخش بودن، دشمن‌زا بودن، سخت و دشوار بودن، ایمان‌محور بودن، انگیزه‌محور بودن، قدرت‌مبنا بودن، جذابیت‌محور بودن، تجربه‌محور بودن، صراحت‌مبنا بودن، شجاعت‌مبنا بودن، درون‌زا بودن، فرامرزی بودن و داشتن داعیه جهانی، عقلانی و علمی بودن، تدبیرگرایی، اشاعه خودبنیاد و بستگی تام نداشتن به شرایط.

2-3-4. ویژگی‌های غایی مقاومت

دو ویژگی قطعیت نیل به هدف و قطعیت توفیق‌آمیز بودن نتیجه مقاومت، ویژگی‌هایی است که بر روی غایت و هدف مقاومت تمرکز گردیده است.

3-3-4. ویژگی‌های کارکردی مقاومت

برخی از ویژگی‌های مقاومت که متمرکز بر کارکرد و تأثیربخشی آن است عبارتند از: تأثیرگذاری بر ذهن و عمل مخاطب، رعب‌آفرینی در دل دشمنان، الگوساز بودن، موفقیت‌آفرینی، پیشرفت‌زا بودن، مشوق بودن، نیروبخشی و توانایی‌زا بودن، عدم انفعال در برابر دشمن، موجب انزوای هیچ ملتی نشدن، رفع ترس و اندوه از جامعه، ارتقاءدهنده وجهه ملی بودن، احیاء نیروی درونی یک ملت، کم‌هزینه بودن نسبت به تسلیم، داشتن دستاوردهای بیشتر نسبت به سازش.

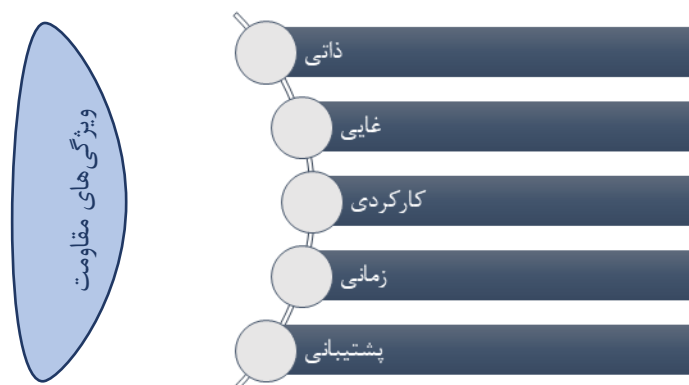
4-3-4. ویژگی‌های زمانی مقاومت

مقاومت یک عمل نتیجه‌بخش در بلندمدت است. گرچه شاید پیروزی‌های اولیه در کوتاه‌مدت به وقوع بپیوندد ولیکن پیروزی نهایی و اصلی، در بلندمدت حاصل خواهد گردید. همین امر مستلزم امتداد داشتن، منقطع نشدن و مقطعی نبودن آن است.

5-3-4. ویژگی پشتیبانی مقاومت

ویژگی مهمی که مقاومت از آن بهره‌مند است، معیت با نصرت الهی است. این وعده الهی است اگر صبر و استقامت کنید، خدا همراه شما خواهد بود و جبهه حق مستظهر به نصرت الهی خواهد گردید و وعده خدا تخلف‌ناپذیر است.

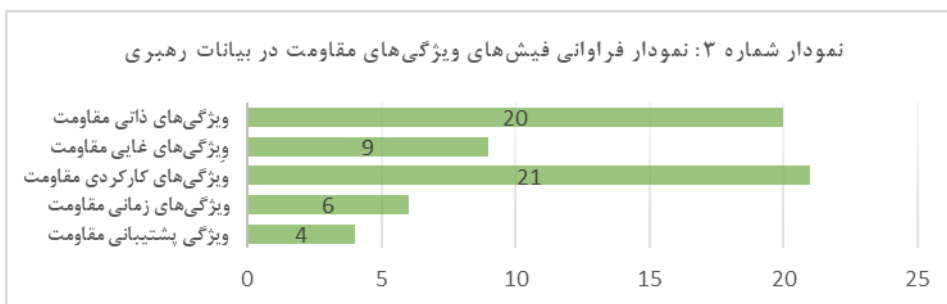
شکل شماره 4: ویژگی‌های مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب



بررسی فراوانی هر یک از ویژگی‌های مقاومت در بیانات رهبری، می‌تواند نشانگر تاکید بر اولویت معظم له پیرامون هریک از ویژگی‌های مقاومت باشد. در همین راستا جدول فراوانی فیش‌های ویژگی‌های مقاومت در ادامه آورده شده و سپس نمودار فراوانی آن ترسیم گردیده است.

جدول شماره 6: کدهای مرتبط با ویژگی‌های مقاومت همراه با فراوانی

فراوانی فیش‌ها	کدهای مربوطه	ویژگی‌های مقاومت اسلامی
20	D681222N01 - D681222N02 - D681222N03 - D711104N01 - D720215N01 - D731103N01 - D820722N01 - D850125N01 - D891115N02 - D900314N01 - D911019N01 - D911019N02 - D931127N01 - D940302N01 - D940427N01 - D950812N01 - D950812N02 - D970812N01 - D980314N06 - D980314N07 -	ویژگی‌های ذاتی مقاومت
9	D690207N01 - D800921N02 - D850721N01 - D910421N01 - D911019N01 - D940812N01 - D960314N01 - D980224N01 - D980314N12	ویژگی‌های غایی مقاومت
21	D650614N02 - D690212N01 - D700717N01 - D760217N01 - D770101N01 - D800921N02 - D850821N01 - D890314N02 - D891115N02 - D900203N01 - D910407N01 - D910421N02 - D911128N01 - D940302N01 - D940427N01 - D950416N01 - D960405N01 - D960512N01 - D970409N03 - D980314N07 - D980314N11	ویژگی‌های کارکردی مقاومت
6	D610601N02 - D701130N01 - D810717N01 - D810826N01 - D980101N01 - D980224N01	ویژگی‌های زمانی مقاومت
4	D690626N01 - D700315N01 - D910421N02 - D950516N01	ویژگی پشتیبانی مقاومت



براساس جدول و نمودار فراوانی فوق، تاکید رهبر معظم انقلاب، بیش از همه بر ویژگی‌های کارکردی مقاومت و ویژگی‌های ذاتی مقاومت بوده و در مرحله بعد بر ویژگی‌های غایی، زمانی و پشتیبانی مقاومت تاکید داشته‌اند. تاکید بر ویژگی‌های کارکردی مقاومت را می‌توان دال بر لزوم عملگرایی مقاومت در اندیشه رهبری دانست و شاید تاکید بر ویژگی‌های ذاتی مقاومت را براساس لزوم شناخت مقاومت برای عملگرایی صحیح و کارآمد آن در اندیشه رهبری دانست.

4-4. ابعاد و حوزه‌های مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقاومت در ابعاد و حوزه‌های مختلفی می‌بایست جاری و محقق گردد تا اهداف از مقاومت به‌طور جامع به وقوع بپیوندد. این ابعاد و حوزه‌ها عبارتند از:

4-4-1. مقاومت اقتصادی

مقاومت در اقتصاد به معنای پایه‌ریزی و استحکام بخشیدن به بنیان‌ها و ساخت‌های اقتصادی کشور به‌صورت مستمر و پیگیرانه، برای ایجاد نظام اقتصادی قوی، سلطه ناپذیر، نفوذناپذیر و مستقل است که از آن طریق بتوان به نقطه بازدارندگی در برابر فشارهای اقتصادی دشمن رسید. نقطه بازدارندگی یعنی وضعی که در محاسبات دشمن، تعرض به جبهه مقاومت را بی‌فایده نشان دهد و او را از تعرض و فشار بیشتر بازدارد. این همان «اقتصاد مقاومتی» است که ایشان مکرراً بیان داشته‌اند.

4-4-2. مقاومت سیاسی و دیپلماتیک

مقاومت در عرصه سیاسی علاوه بر رسیدن به نقطه بازدارندگی در عرصه سیاسی، به معنای استقلال در نظام سیاسی و قدرت اعمال اراده سیاسی ملت و حاکمیت هر جامعه، مستقل از بیگانگان و سلطه و نفوذ آن‌هاست. در عرصه دیپلماتی به‌عنوان جزئی از ساحت سیاسی، مقاومت بدان معناست که دستگاه دیپلماتی کشور و سیاست‌های آن خارج از نظام سطه‌گر-سلطه‌پذیر تدوین گردد. نه به

دنبال سلطه بر دیگران باشیم و نه در مقابل سلطه‌خواهی دیگران بر خود سکوت کرده و آن را بپذیریم.

4-4-3. مقاومت فرهنگی و اجتماعی

مقاومت فرهنگی و اجتماعی نیز به صورت کلی به همان معنای رسیدن به نقطه بازدارندگی در این عرصه است. تحقق استقلال فرهنگی و جلوگیری از تسلط بر فرهنگ و فرهنگ‌زدایی از ملت‌ها، نخستین اقداماتی است که در این عرصه بیان می‌گردد. مقابله با سیاست‌های هویت‌زدایی دشمنان، حفاظت و تثبیت هویت و فرهنگ اصیل اسلامی-ایرانی، حفاظت از سنت‌ها و آداب و رسوم هر ملت، جلوگیری از ارزش‌زدایی فرهنگی، ارتقاء سطح خودباوری عمومی، حفاظت و احیاء اصول اخلاقی اسلامی و انسانی، ایجاد عزت ملی و احساس عزتمندی در جامعه، جلوگیری از به ذلت کشاندن ملت‌ها، حفظ حیثیت مقاومت در جمیع ابعاد، خارج نمودن ابزارهای تهاجم فرهنگی از دست دشمن، قدرت بخشیدن به پایگاه‌های فرهنگی کشور و جلوگیری از تسخیر آن‌ها توسط دشمن، اعتلای فرهنگ عمومی جامعه در فضای مسموم تبلیغاتی متأثر از رسانه‌های دشمن و جلوگیری از تخریب آن بخشی از اقداماتی است که در این حوزه، مطلوب رهبری معظم انقلاب است.

4-4-4. مقاومت نظامی و امنیتی

بارزترین و قریب به ذهن‌ترین ساحت مقاومت، عرصه مقاومت نظامی و امنیتی است که هدف اصلی در این عرصه، همان ایجاد نقطه بازدارندگی در عرصه نظامی و جلوگیری از حمله نظامی و کاهش حداکثری نفوذ امنیتی در جامعه است؛ بدین‌سان که دشمن با محاسبه هزینه حمله نظامی یا تجاوز به مرزهای جغرافیایی کشور، حتی از کوچک‌ترین تعرضی منصرف گردد. آمادگی تسلیحاتی و ساخت تجهیزات و ادوات نظامی به‌روز، از ملزومات ابتدایی این عرصه است.

4-4-5. مقاومت علمی

مقاومت در ساحت علمی، به معنای مقابله با سلطه و وابستگی در علم و فناوری به بیگانگان است و زمینه‌ساز این امر، پیشرفت علمی و دستیابی به به‌روزترین تکنولوژی‌های مدرن دنیاست.

4-4-6. مقاومت رسانه‌ای و تبلیغاتی

خش‌سازی تبلیغات سوء متخصصین جریان مقاومت و تقابل با جنگ روانی آن‌ها در رسانه‌ها و فضای مجازی، معنای مقاومت در ساحت رسانه و در مقابل تبلیغات منفی و ناامیدکننده آن‌هاست. اقتضای این امر، حضور و فعالیت رسانه‌ای و تبلیغاتی کارگزاران مقاومت، بر تبیین و ترویج حقیقت

مقاومت و آینده روشن آن است.

4-4-7. مقاومت در حوزه هنری

در عرصه هنری، تبعیت نکردن از هنرها و سبک‌های غربی، مشهودترین عمل مقاومتی در این حوزه است. تهیه و تدوین سبک‌های هنری متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی و در راستای تقویت روحیه مقاومت در جامعه و توجه به سنت‌های اصیل ملی و دینی، از اقدامات تمرکز یافته در این حوزه است.

4-4-8. مقاومت روانی و جنگ اراده‌ها

دشمن پیوسته در حال برنامه‌ریزی و اقدام برای سلطه بر دیگران است. برای نیل به اهداف خود در تلاش است تا ملت‌ها را از مقاومت منصرف سازد؛ خواه با فشار اقتصادی و نظامی، خواه از طریق تبلیغات دروغین. در حقیقت دشمن از طریق القاء یأس و ناامیدی به جامعه و تاریک نشان دادن آینده مقاومت، به جنگ با اراده ملت‌ها برای مقاومت می‌پردازد. اگر اراده‌ی ملت‌ها از روح مقاومت تهی شد و مردم از مقابله منصرف شدند، دشمن توانسته به اهداف و مقاصد خود برسد و چتر تسلط همه‌جانبه بر همه چیز را بگستراند.

شکل شماره 5: ابعاد مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

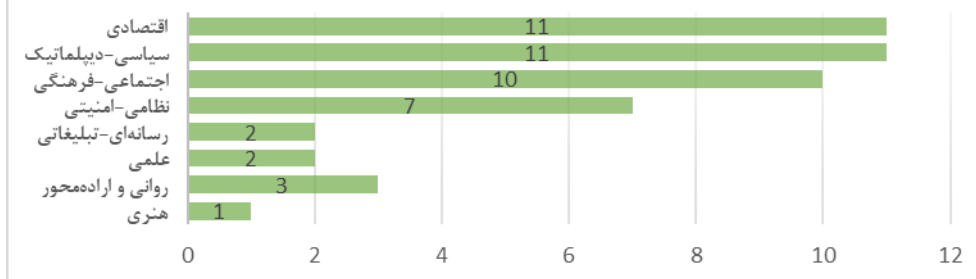


بررسی فراوانی فیش‌های ابعاد و حوزه‌های مقاومت در منویات رهبر انقلاب، می‌تواند اهمیت هر یک از ابعاد و حوزه‌های مختلف مقاومت و اولویت‌بندی معظم له در میان حوزه‌های مختلف را نشان دهد. برای دریافت این مهم، جدول فراوانی فیش‌های ابعاد و حوزه‌های مقاومت در بیانات رهبری در ادامه آورده شده و نمودار فراوانی آن ترسیم می‌گردد.

جدول شماره 7: کدهای مرتبط با ابعاد و حوزه‌های مقاومت همراه با فراوانی

فراوانی فیش‌ها	کدهای مربوطه	ابعاد و حوزه‌های مقاومت اسلامی
11	D650614N01 - D701019N01 - D790824N01 - D810307N01 - D830401N01 - D950201N02 - D950303N01 - D960314N02 - D971122N01 - D980304N01 - D980314N16	اقتصاد
11	D650614N01 - D790824N01 - D810307N01 - D870214N01 - D931119N01 - D950201N02 - D950303N01 - D950531N02 - D960314N02 - D960915N01 - D980314N16	سیاسی- دیپلماتیک
10	D650614N01 - D790824N01 - D810307N01 - D830401N01 - D950201N02 - D950303N01 - D950531N01 - D950531N02 - D960314N02 - D980314N16	اجتماعی- فرهنگی
7	D650614N01 - D801019N01 - D870214N01 - D950531N01 - D950531N02 - D960915N01 - D980314N16	نظامی- امنیتی
2	D801019N01 - D870214N01	رسانه‌ای- تبلیغاتی
2	D830401N01 - D900602N01	علمی
3	D801019N01 - D870214N01 - D960915N01	روانی و اراده‌محور
1	D950303N01	هنری

نمودار شماره 4: نمودار فراوانی فیش‌های ابعاد و حوزه‌های مقاومت در بیانات رهبری



بر این اساس، در اندیشه رهبری انقلاب، مقاومت در حوزه اقتصادی و سیاسی و سپس در حوزه اجتماعی و فرهنگی دارای اولویت بوده و پس از آن مقاومت در حوزه نظامی، علمی، رسانه‌ای و هنری حائز اهمیت است. شایان ذکر است مقاومت در عرصه اقتصادی را می‌توان با کلیدواژه «اقتصاد مقاومتی» در بیانات معظم له دنبال نمود که به بیان ایشان به معنای بهره‌برداری و تولید مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی دانست.

5-4. انواع مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

انواع مقاومت و آشکال را می‌توان در پنج دسته بیان کرد:

1-5-4. مقاومت فردی - گروهی - سازمانی - توده‌ای

این تقسیم‌بندی بر اساس شکل، سازمان‌یافتگی و تعداد افراد جبهه مقاومت صورت پذیرفته است. این تقسیم‌بندی در حقیقت دارای سیری از فردی به توده‌ای است. نهضت‌های مقاومت غالباً توسط افراد و سردمداران نهضت آغاز گشته و فرد به فرد گسترش یافته، گروه گروه شده و سازمان یافته است. در نهایت توده مردم را با خود همراه کرده و با فراهم آوری ملزومات، به پیروزی دست می‌یابد.

2-5-4. مقاومت هوشمندانه - ابلهانه

مقاومت باید بر اساس حقایق موجود برنامه‌ریزی گشته و مطابق با برنامه و سیاست‌های منطقی پیش رود. مقاومتی که بر اساس وهم و ظنون غیرمعتبره صورت پذیرد، مقاومتی ابلهانه است. به عنوان مثال کودک ناتوانی ممکن است در برابر انسانی قوی هیکل یا حیوانی خطرناک، ایستادگی کند، کما اینکه ممکن است انسانی قوی و توانمند نیز در برابر آن استقامت به خرج دهد، لیک آن طفل از روی جهالت و نادانی و بدون توجه به دارایی‌های خویش این کار را انجام داده در صورتی که فرد قوی و نیرومند، با اطلاع از توانایی‌ها و با پشتوانه دارایی‌های خود به تقابل با دیگری برخاسته است. این یک مقاومت هوشمندانه است.

در عرصه مقاومت و مبارزه، گاهی نیاز به عقب‌نشینی، نرمش، انعطاف و مانور هنرمندانه و تاکتیکی، برخی از فنون رزمی و جزئی از نقشه پیروزی است؛ عقب‌نشینی‌ای که از روی برنامه و نقشه صورت می‌پذیرد. تفاوت عقب‌نشینی و فرار در این است که فرار بدون نقشه و برنامه است. در این عقب‌نشینی جبهه منهزم نمی‌شود، بلکه برای حملات بعدی محیا می‌گردد. این عقب‌نشینی ممکن است در هر یک از عرصه‌های سیاسی، اقتصادی یا نظامی صورت پذیرد ولی نکته‌ی مهم، نقشه‌ای بودن آن است. این عقب‌نشینی هوشمندانه و تاکتیکی، در ادبیات رهبری با عنوان «نرمش قهرمانانه» شناخته می‌شود. شایان ذکر است این نرمش به معنای عبور از خطوط قرمز، فدا نمودن آرمان‌ها و به فراموشی سپردن آن‌ها یا بازگشت از راهبردهای اساسی نیست، بلکه تاکتیکی برای تحقق نهایی آن‌هاست.

3-5-4. مقاومت در قالب جهاد اکبر - جهاد اصغر - جهاد کبیر

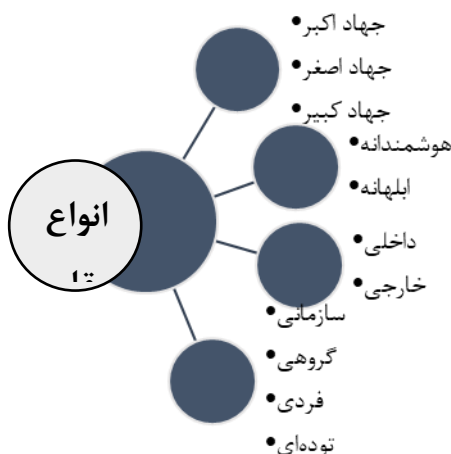
جهاد اکبر همان «مقاومت درونی» در برابر نفس است؛ مقاومت در برابر آفت‌ها، بیماری‌ها و

میکروب‌های درونی که از هوای نفس بشر سرچشمه می‌گیرد. جهادی که به تعبیر رسول‌الله (ص) از جهاد نظامی در راه خدا سخت‌تر بوده و به همین دلیل جهاد اکبر نام گفته است. در مقابل آن جهاد اصغر که همان مبارزه علیه دشمن خارجی معاند و متجاوز است. اما جهاد کبیر، ریشه در آیه 52 سوره مبارکه فرقان داشته و براین اساس، اطاعت نکردن و تبعیت نکردن از دشمن کافر، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... جهاد کبیر شمرده شده است.

4-5-4. مقاومت داخلی - مقاومت خارجی

مقاومت و ایستادگی در برابر طواغیت داخلی و حاکمان مستبد توسط جامعه مقاومت داخلی بوده و انقلاب اسلامی و قیام حضرت امام خمینی (ره) علیه حکومت طاغوت پهلوی مصداق آن در تاریخ معاصر ایران است. مقاومت بیرونی همان ایستادگی در برابر فشارهای خارجی و مقاومت علیه نفوذ آنان است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد انواع فشارهای همه‌جانبه و تهاجمات مختلف آن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بوده‌ایم که تحریم‌های اقتصادی را می‌توان در زمره این نوع فشارها دانست.

شکل شماره 6: انواع مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

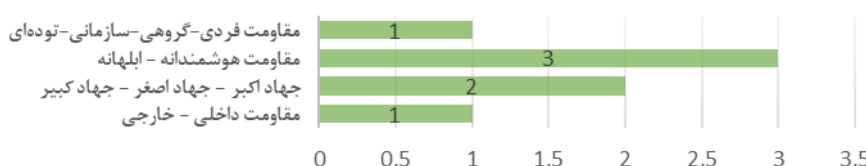


بررسی فراوانی هر یک از انواع چهارگانه مقاومت می‌تواند توجه رهبری و اهمیت هر یک از انواع آن را در نظر ایشان تا حد قابل قبولی نشان دهد. بر همین اساس جدول فراوانی فیش‌های انواع مقاومت در بیانات معظم له در زیر آماده و برآن اساس نمودار فراوانی فیش‌های انواع مقاومت ترسیم گشته است.

جدول شماره 8: کدهای مرتبط با انواع مقاومت همراه با فراوانی

انواع مقاومت اسلامی	کدهای مربوطه	فراوانی فیش‌ها
مقاومت فردی - گروهی - سازمانی - توده‌ای	D700314N01	1
هوشمندانه - ابلهانه	D780128N01 - D920416N01 - D840219N01	3
جهاد اکبر - جهاد اصغر - جهاد کبیر	D950303N01 - D840608N01	2
مقاومت داخلی - مقاومت خارجی	D980314N01	1

نمودار شماره ۵: نمودار فراوانی فیش‌های انواع مقاومت در بیانات رهبری



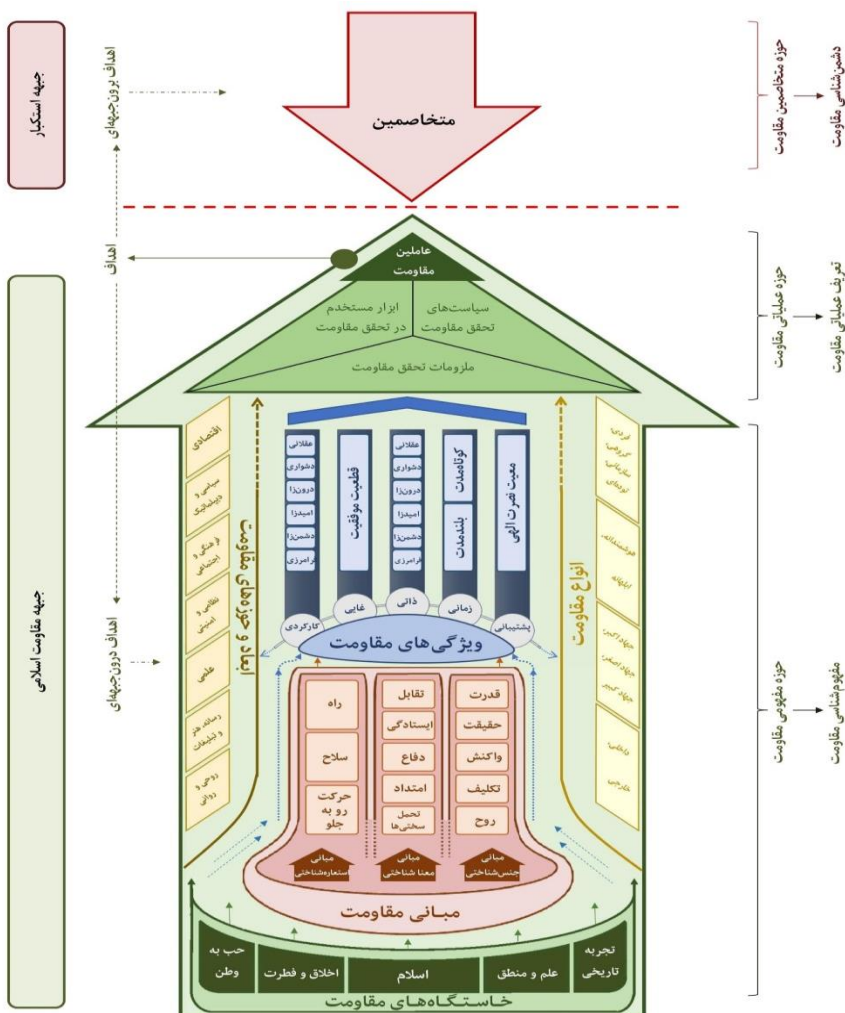
همانطور که مشاهده می‌شود تاکید رهبر انقلاب در بیانات مورد مذاقه، بیشتر بر روی مقاومت هوشمندانه و مبتنی بر حقایق، تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح است؛ گرچه به صورت دیگر مقاومت نیز اشاره و تاکید داشته‌اند.

جمع‌بندی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) و استقرار نظام جمهوری اسلامی، «گفتمان مقاومت» ذیل کلان گفتمان «انقلاب اسلامی» در پاسخ به نظام بین‌الملل شکل گرفت و به عنوان واقع‌بینانه‌ترین و کارآمدترین راهبرد سیاست خارجی، برای کسب و حفظ منافع ملی-عقیدتی و موقعیت‌های برتر نسبی جمهوری اسلامی در فضای بین‌الملل و همچنین مواجهه با قدرت‌های عالم و نظام استکبار جهانی مطرح گردید. کاربست این گفتمان در عرصه بیرونی و ارائه الگوهای عملیاتی برای استقرار گفتمان مقاومت، در وهله نخست نیازمند شناخت دقیق و کامل این گفتمان است و این مهم جز از طریق تشریح و تبیین معنا و مفهوم مقاومت در اندیشه رهبران انقلاب و مخصوصاً سکان‌دار نظام اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای امکان‌پذیر نیست. آشنایی با این چارچوب مفهومی ترسیمی معظم له، منوط به تبیین همه جانبه مبانی مقاومت اسلامی، خاستگاه‌های مقاومت اسلامی، ویژگی‌های مقاومت اسلامی، ابعاد مقاومت اسلامی و انواع آن در اندیشه رهبری معظم انقلاب است. پژوهش حاضر سعی در تبیین این مولفه‌ها برای ترسیم مدل مفهوم‌شناسانه

مقاومت در منظومه فکری ایشان داشته است. اگر بخواهیم نموداری مفهومی از مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب را متناسب با عناصر تشکیل دهنده آن (که قبلاً از نظر گذشت) ترسیم کنیم، می توان تصویر زیر را ارائه نمود:

شکل شماره 7: شما کلی مفهوم مقاومت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب



براساس یافته‌های پژوهش، مفهوم مقاومت در چارچوب دیدگاهی گفتمانی به دال مرکزی اسلام ناب محمدی قرار می‌گیرد که در مواجهه و تقابل با استکبار نمود پیدا می‌کند و غیریت‌سازی آن، مبتنی بر مبانی اسلامی و عقلانی است. خاستگاه و ریشه شکل‌گیری مقاومت را باید در مبانی اسلامی، حکم اخلاق و فطرت بشری، منطق و برخورد عقلانی و عقلانی، روحیه میهن‌دوستی و تجربه تاریخی دانست. در ساحت بنیان‌شناختی، مقاومت را می‌توان اصلی اساسی از جنس قدرت توأمان درونی و بیرونی دانست که راه رسیدن به اهداف را هموار کرده و به مقابله با تهدیدهای ملی و عقدتی می‌پردازد. این مقاومت است که با انتخاب مسیر ایستادگی بر آرمان‌ها و پافشاری بر عقیده و منطق حق خود، نه تنها از دشمنان و کفار اطاعت نکرده، بلکه در راه احقاق حق، تا حد توان در هر زمینه‌ای دفاع کرده و جامعه را رو به جلو و سعادت و کمال سوق می‌دهد. بر این اساس، مقاومت در گستره فردی تا جهانی مطرح بوده و براساس وعده الهی و تجربه و منطق، قطعاً نتیجه‌بخش خواهد بود؛ گرچه ممکن است از نظر زمانی در بلندمدت نتیجه مطلوب ما را به همراه داشته باشد. حوزه‌های عملکردی مقاومت بسیار گسترده بوده در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی و اجتماعی و هنری، نظامی و امنیتی، در ساحت علمی و عرصه رسانه و تبلیغات، به صورت هوشمند چه به صورت فردی، چه گروهی و چه سازمانی اجرایی گردد. مقاومت می‌تواند چه مقابله با طواغیت در داخل مرزهای جغرافیایی مانند تقابل امام خمینی (ره) با نظام طاغوتی پهلوی چه با استکبار جهانی خارج از مرزهای جغرافیایی مانند مبارزه با اسرائیل و آمریکا محقق گردد.

به عبارت دیگر، منطبق بر یافته‌های پژوهش، مقاومت را می‌توان مجموعه عملکردی نظام‌مند، برنامه‌ریزی‌شده، کارآمد، هوشمند و چندوجهی مبتنی بر وظیفه‌ای شرعی، منطقی و اخلاقی دانست که در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و قضایی، علمی، امنیتی و نظامی، رسانه، دیپلماتیک و غیره و در سطوح فردی، اجتماعی و نهادی تعریف می‌گردد و هدف آن مقاومت‌سازی ساخت وجودی افراد و مستحکم‌سازی ساخت و بافت جامعه و حکومت، برای مقابله با دشمن درونی افراد اعم از شیطان و وساوس نفسانی از یک سو و مواجهه با دشمن بیرونی و در راس آن جبهه استکبار جهانی از سوی دیگر است که منجر به نیل به سعادت و کمال دنیوی و اخروی در کنار تامین منافع، آرمان‌ها و اهداف اسلام و انقلاب خواهد شد.

شایان ذکر است گام بعد از شناخت مفهومی مقاومت و تبیین مختصات مفهومی آن، ضروری است در راستای کاربرست گفتمان مقاومت، بر اساس این شناخت مفهومی، تعریف عملیاتی انجام و الگوی

آن طراحی و ترسیم گردد که مبتنی بر آن، گفتمان مقاومت اجرایی شود. نویسندگان در نگاشته دیگری به این مهم اهتمام نموده اند (افتخاری و حکیمی، 1399) که مطالعه آن در راستای فهم بهتر گفتمان مقاومت، خالی از لطف نیست.

کتابنامه :

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. بیانات مقام معظم رهبری در سایت www.khamenei.ir
4. افتخاری، اصغر، (1396)، جزوه درسی روش تحقیق. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
5. افتخاری، اصغر، (1399)، مقاومت در اسلام: نظریه و الگو. تهران: اندیشه نورسازان.
6. افتخاری، اصغر و حکیمی، محمد، (1399)، «مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (دام ظلّه)»، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره 8، شماره 18 (پاییز و زمستان)، صص 201-234.
7. باردن، لورنس، (1375)، تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی. تهران: نشر نی.
8. پیرانی، خدیجه، (1393)، بررسی جلوه‌های مقاومت در نهج البلاغه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم انسانی). اردبیل: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی.
9. جیمزسی، اسکات، (1396)، سلطه و هنر مقاومت: روایت‌های نهانی، خاکباز، افشین. تهران: نشر مرکز.
10. دهخدا، علی اکبر، (1377)، لغت‌نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
11. ساعتچی، محمد، (1371)، فرهنگ دانشگاهی یادواره فارسی انگلیسی. تهران: یادواره کتاب.
12. سرافراز، سمیه، (1395)، بررسی عنصر مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای. تهران: فرهیختگان دانشگاه.
13. سلطانی‌وش، علی، (1394)، من انقلابی‌ام: دکترین مقاومت در اندیشه و کلام حضرت آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب. مراغه: راه مشاور.
14. سیدامامی، کاووس، (1386)، پژوهش در علوم سیاسی؛ رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و

- انتقادی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
15. صلح‌میرزایی، سعید، (1398)، اندیشه‌ی مقاومت در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
 16. عمید، حسن، (1374)، فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 17. فرهادی، روح‌الله، (1390)، مقاومت اسلامی. تهران: نشر دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
 18. فرهادی‌نیا، حمید، (1386)، سیر تاریخی جنگ‌های چریکی و نهضت‌های مقاومت. تهران: اندیشه‌سازان نور.
 19. فوران، جان، (1378)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از سال 1500 میلادی تا انقلاب اسلامی، تدین، احمد. تهران: رسا.
 20. کرپیندورف، کلوس، (1383)، تحلیل محتوا مبانی روش‌شناختی. تهران: نشر نی.
 21. گندمکار، ابوالفضل، (1390)، «بررسی مقاومت در پرتو حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تخصصی مطالعات راهبردی بسیج، شماره 52 (پاییز)، صص 207-234.
 22. معین، محمد، (1388)، فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 23. مهدوی اطهر، مهدی، (1397)، مقاومت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای. تهران: نشر دفتر مجمع جهانی تقریب مذاهب.
 24. مهدی‌پور، آسیه، (1398)، «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای»، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های دانش سیاسی، سال 15، دوره 30 (پاییز و زمستان)، صص 539-566.

The Intellectual and Historical Background of Imam Khomeini's Theory of Islamic Civilization Revival and the Leader of the Revolution

Mohammad Ali Sadr Shirazi 

Responsible for oral history at the Qom Islamic Revolution Documents Center, Qom, Iran.

Sadrshirazi@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2024 /02 / 28 Revised: 2024 /03 / 09 Accepted: 2024 /04 / 06 Published Online: 2024 /04 / 19	The concept of the «New Islamic Civilization,» as the greatest aspiration of the Islamic Revolution of Iran, has deep historical roots and a geographical scope that spans the entire world. Understanding the essence of this concept requires an awareness of the contexts and starting points from which it originated. The exploration of these backgrounds, which is a blend of both intellectual and historical foundations, forms the central issue of this study. This research, conducted independently and not alongside other topics, addresses this issue and seeks to answer the question: «On what intellectual and historical foundations and contexts was Imam Khomeini's theory of Islamic civilization revival developed?» Using the method of historical comparative analysis (CHA), the study examines the evolutionary movement of history within a timeline that begins with the creation of mankind. Based on the findings, the study reveals that the elevating movement of the prophets, through six key elements, established the prophetic civilization as the foundation for the Islamic civilization. The comprehensive movement of the Ahl al-Bayt (the family of the Prophet) played a crucial role in consolidating and deepening the roots of this prophetic civilization. The golden age of Islamic civilization is presented in three forms: the creation of lived experiences, the creation of hope and belief, and the creation of accumulated resources of civilization. Islamic awakening at both the regional and Iranian levels, and finally, the victory of the Islamic Revolution with its civilizational essence in both its emergence and survival, have formed the intellectual and historical contexts for the revival of Islamic civilization. Keywords: Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution, Civilization, Islamic Civilization, New Islamic Civilization.

زمینه‌های فکری و تاریخی نظریهٔ احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب

محمدعلی صدر شیرازی

مسئول تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قم، ایران.

Sadrshirazi@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
طرح «تمدن نوین اسلامی»، به‌عنوان بزرگ‌ترین آرمان انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌ها و ریشه‌هایی به عمق تاریخ و گستره‌ای به پهنای جغرافیای جهان دارد. ماهیت‌شناسی این مفهوم، بدون شناخت زمینه‌ها و نقاط عزیمت طرح آن، جامع نخواهد بود. واکاوی این زمینه‌ها که تلفیقی نه‌چندان قابل تفکیک از مبانی فکری و تاریخی است، مسئله این جستار را شکل داده است. این تحقیق، در پژوهشی مستقل و نه در عرض و عرض سایر موضوعات، به این مسئله پرداخته و در پاسخ به این سؤال که «طرح نظریهٔ احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب بر کدام بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی نضج یافته؟»، با روش تحلیل تطبیق تاریخی^۱ (CHA) سیر حرکت تکاملی تاریخ را در قالب خط‌زمانی آغاز یافته از زمان خلقت انسان بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، حرکت تعالی‌بخش انبیا در قالب شش مؤلفه، تمدن نبوی به‌مثابه پایه‌گذار نهال تمدن اسلامی، نهضت جامع اهل بیت در تحکیم و تعمیق ریشه‌های تمدن نبوی، دوران طلایی تمدن اسلامی در سه قالب: خلق تجربهٔ زیسته، خلق امید و باورپذیری و خلق ذخایر انباشتی تمدن، بیداری اسلامی در دو سطح منطقه و ایران و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیتی تمدنی در حدود و بقاء، بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی طرح احیای تمدن اسلامی را شکل داده‌اند.	نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱ صفحات: ۸۳-۱۱۲
کلیدواژه‌ها: امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، تمدن، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی.	
1. Comparative-Historical Analysis	

مقدمه

در قرن بیستم میلادی، مباحث تمدنی به صورت منقح و چهارچوب‌مند در محافل فکری دنیا بسط یافت. در اوان این قرن، ویل و همسرش آریل دورانت بر آن شدند که سیر توجه به تمدن‌ها را از نگاه تک‌خطی‌رهایی‌بخشند و به جنبه‌ترکیبی و تحلیلی و آنچه طرق زندگی از مجموع آن‌ها شکل می‌گیرد توجه کنند. دورانت و همسرش در کتاب مشرق زمین گاهواره تمدن (۱۳۸۰)، به توصیف تمدن کهن شرق و نقش آن در پیدایی تمدن غرب می‌پردازند. در ادامه، افرادی چون زیگموند فروید، هنری لوکاس، جوزف توین بی و... این مسیر را در آثار خود توسعه دادند؛ مسیری که ابعاد سلبی و تقابلی‌اش، در دهه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و نمود عینی یافتن لایه‌هایی از قدرت بالقوه تمدنی آن برجسته‌تر شد. آثاری همچون مقاله «بنیان خشم مسلمانان» (Lewis, 2001) و «برخورد تمدن‌ها» (Huntington, 1993) با نظام بخشی بیشتر به مفهوم‌سازی‌های افرادی چون آلبرت کامو^۱ و بازیل متیوز^۲، تقابل‌های بالفعل و بالقوه تمدن‌های بزرگ و به‌ویژه تقابل دو تمدن لیبرالیسم و اسلام را از منظر خود تبیین نمودند.

به موازات این سیر و پس از قرن‌ها تداوم افول تمدن اسلامی، پایه‌های فکری بیداری اسلامی به تدریج به استواری نسبی رسید و «نگاه تمدنی» در بین متفکران مسلمان شکل گرفت. در اوج این حرکت و در فضایی که بسط اومانیسم و فروعات آن در جهان از سویی و سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی از سوی دیگر به بدن نحیف‌شده جوامع اسلامی ضربات مؤثری وارد آورده بودند، نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، نه تنها به مثابه سدی در برابر روند فوق تبلور یافت که زمینه را برای احیای دوران شکوه تمدن سترگ اسلامی را فراهم آورد. داشتن ظرفیت تمدن‌سازی و نیز نگاه تمدنی رهبران انقلاب اسلامی، دو ستون مقوم این دستاورد بوده است.

بر اساس افق متعالی نگاه امام خمینی، احیای تمدن اسلامی، رسالت پیش روی انقلاب اسلامی است. ایشان تمدن‌سازی را یک فرایند و محصول تربیت و زیست اخلاقی یک جامعه

1. Albert Camus
2. Basil Mathews

می‌دانند؛ فرایندی که با تکیه بر سه اصل مهم آزادی، عقلانیت و تعامل دین و سیاست محقق می‌گردد (محمودی کیا، ۱۳۹۹).

آیت الله خامنه‌ای نیز با تداوم ریل گذاری تمدنی امام خمینی در مسیر انقلاب اسلامی، ضمن مفهوم سازی های جدید، منظومه نظری آن را در قالبی نظام مند و کاربردی توسعه بخشیدند. مفروض آن است که انقلاب اسلامی ایران نقطه عزیمت طرح تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود؛ اما ابهام و سؤالی که قابل طرح است اینکه، آیا این پدیدار، ماهیتی تأسیسی داشته یا بخشی از یک فرایند است؟ نسبت تمدن نوین اسلامی با دوران طلایی تمدن اسلامی، با تمدن نبوی و پیش از آن، با رسالت انبیا چه می‌باشد؟ پاسخ های گوناگون به این سؤالات، منتج به طیفی گسترده از مواجهه های موجود با این مفهوم و اساساً، انقلاب اسلامی خواهد بود. ریشه بسیاری از ابهامات فوق، نگاه منقطع از بستر و روندهای مقوم ماهیت یک پدیدار است. بر اساس مفروضات روش تحلیل تطبیق تاریخی به عنوان روش مختار این پژوهش، بر آنیم تمدن نوین اسلامی و نقطه عزیمت طرح آن یعنی انقلاب اسلامی، نه یک پدیدار خلق الساعه و نه حتی برآمده از تحولات و تطورات منتج به پیروزی آن که ثمره رشد عقول، تعالی روح بشریت و بستر سازی در دیگر ابعاد، طی قرون متمادی است. لذا طرح تمدن نوین اسلامی، زمینه ها و ریشه هایی به درازنای تاریخ و گستره ای به پهنای جغرافیای جهان دارد. واکاوی این زمینه ها که تلفیقی نه چندان قابل تفکیک از مبانی فکری و تاریخی است، مسئله این جستار را شکل داده است.

در بیان اهمیت بحث، می‌توان ادعا نمود افق تعاملات و تقابلات امروز دنیا، بسیار فراتر از گذشته بوده و تثبیت و تعمیق نگاه تمدنی در میان نمایندگان اجرایی و رهبران فکری تمدن های بزرگ، بسیاری از مواجهه های روبنایی دیگر را تحت شمول خود بازتعریف نموده است. لذا اهمیت سخن از تمدن و مبانی، اصول و فروع آن، قامتی به بلندای اهمیت فهم راستین کلان پدیدارهای جهان را داراست. در این میان و بر اساس مفروضات نظری مقاله که از سویی بر حرکت تاریخ به سمت تعالی و تکامل و از سویی بر انباشتی بودن علم و سخت افزار و نرم افزارهای زاینده پدیدارهای تمدنی تأکید دارد، شناختن زمینه هایی که طرح داعیه شکوهمند احیای تمدن اسلامی در قالبی «نوین» را برای رهبران انقلاب اسلامی فراهم

آورد، پراهمیت است؛ زمینه‌هایی که بدون شناخت آن‌ها، ماهیت‌شناسی تمدن نوین اسلامی، این رسالت بلند انقلاب اسلامی میسر نخواهد بود.

در مقام هدف، پژوهش پیش‌رو در پاسخ به این سؤال اصلی که طرح نظریه احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب بر کدام بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی نضج یافته، در پی آن است تا ضمن توسعه معرفتی نسبت به گوشه‌ای از اندیشه سیاسی اسلام، با تأثیرگذاری در ابعاد نظری و انضمامی، به خودآگاهی، مسئولیت‌شناسی و تعمیق آگاهی مردم و مسئولان کشور نسبت ماهیت و رسالت واقعی انقلاب اسلامی کمک نماید.

۱. پیشینه تحقیق

در سال‌های گذشته و به‌ویژه از آغاز دهه نود شمسی، تعدادی بسیار از آثار مرتبط با احیای تمدن اسلامی منتشر شده و از منظرهای گوناگون بدان پرداخته‌اند. از جمله علیجان‌زاده روشن در کتاب *نگاهی اجمالی به بیانات رهبر معظم انقلاب درباره تمدن اسلامی* به جمع‌آوری بخشی از سخنان ایشان در این موضوع می‌پردازد. درخسه در کتاب *آفاق تمدنی انقلاب اسلامی* کارنامه و ظرفیت‌های موجود در انقلاب و جمهوری اسلامی را برای تمدن‌سازی نوین بررسی کرده است. مؤمنی‌ها و نجف‌علیزاده در کتاب *نقش نخبگان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی* و رفیعی شمس‌آبادی در کتاب *نخبگان و تمدن‌سازی اسلامی* مباحثی کمتر پرداخته شده در این حوزه را مورد توجه و آسیب‌شناسی قرار داده‌اند. از معدود کتب نگاشته شده در این حوزه با رویکرد فلسفی را غلامی تحت عنوان *فلسفه تمدن نوین اسلامی* نگاشته است.

پایان‌نامه‌های «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (۱۳۹۵) نویسنده عوامل تمدن‌سازی را بررسی کرده که فاقد چهارچوب مشخص بوده و بیشتر بر جمع‌آوری داده و توصیف تمرکز دارد. «نقش دولت در تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» (۱۳۹۴) بر بخش‌هایی مغفول از نقش دولت در تمدن‌سازی پرتو افکنده و اکبری در «چالش‌های فکری انقلاب اسلامی و راهکارهای آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی» (۱۳۹۷) به آسیب‌ها و تهدیدات نظری و عینی در تحقق این امر و راهبردها و راهکارهای موجود در تقابل با آن‌ها پرداخته است. «فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» (۱۳۹۸) عنوان مقاله جهانین و معینی‌پور است که در آن پنج گام ترسیمی معظم له در تحقق تمدن

اسلامی را بررسی و امکان‌سنجی و ملزومات هر گام را به‌صورت جداگانه طرح می‌نماید. عزتی، چهاردولی و ترابی در «مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن» (۱۳۹۹) سعی دارند در چهارچوب نظری نظریات رهبران انقلاب اسلامی به پرسش خود پاسخ دهند.

همان‌گونه که نمونه‌هایی از آن گذشت، پرداختن جامع و مستقل به مسیری که بشریت از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی طی نموده و پایه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری طرح احیای تمدن اسلامی را فراهم کرده است، منطقی نسبتاً مغفول مانده در بین این آثار است.

برخی آثار تمرکزی نسبی به این موضوع دارند. رسالهٔ دکتری «چیستی و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی در آثار متفکران ایرانی بعد از انقلاب» (۱۴۰۲) با روش فراترکیب^۱ صرفاً به‌عنوان یکی از محورهای مورد توجه اثر، این بسترها را از منظر متفکران ایرانی و در لابلای آثار مختلف جمع‌آوری کرده است. نجفی و غلامی در «انقلاب اسلامی و نقش‌محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» (۱۳۹۷) با تأکید بر دکترین امامت، به ظرفیت‌های سیاسی شیعه در مسیر تمدن‌سازی می‌پردازند. این تلاش تمرکز کمی بر موضوع مورد انتظار از عنوان مقاله دارد و گستردگی بالای مسائل فرعی مطروح، آن را از دستیابی مطلوب به هدف اصلی بازداشته است.

۲. مبانی مفهومی

۲-۱. تمدن

پیچیدگی‌های این مفهوم و درهم‌تنیدگی مؤلفه‌های تعریف آن با مبانی نظری معرف، مانع از تبیینی فصل‌الخطاب است. به‌هرروی: «بسنده نمودن به تعریف مفاهیم تا حد تبیین نسبی، امری معقول است» (پوپر، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۶۸).

معنای لغوی: واژهٔ civilization معادل «تمدن» در زبان انگلیسی است که از واژهٔ لاتین civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است. تمدن دستاورد شهرنشینی است، یا برای پیشرفت و ترقی

افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۸۷، به نقل از: سپهری، ۱۳۸۵، ص. ۳۵).

در بازهٔ ۱۹۸۰-۱۹۳۰ نسلی از نظریه‌پردازان تمدنی همچون بنیامین نلسون^۱ ظهور یافتند که واژهٔ تمدن را نه پدیده‌ای پایان‌یافته، بلکه به‌عنوان یک پروسهٔ در حال تحول انگاشتند. نهایتاً نسل متأخر نظریه‌پردازان تمدنی شامل هانتینگتون و آیزنشتات ذیل مطالعات تمدنی خود با موضوع برخورد تمدن‌ها و تطبیق آن‌ها، معنای نوین و پویا به این واژه بخشیدند (بابایی، ۱۳۹۶، ص. ۵۷).

واژهٔ «تمدن» برگرفته از «مدینه» است و مؤلف کتاب التحقيق واژهٔ مدین و مدینه را مشتق از ماده «دین» و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص. ۵۵). در فرهنگ دهخدا ذیل مدخل «تمدن» آمده است: «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت؛ و گویند مولده است (از اقرب الموارد) شهرنشینی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۶۹۷۲).

معنای اصطلاحی: تعریف اصطلاحی تمدن تلاشی سخت است و نهایتاً پای فلسفه را به میان می‌آورد (لوکاس، ۱۳۶۶، ص. ۷). تعاریف رایج از تمدن و civilization از تنوع و جهت‌گیری‌های بسیار گسترده‌ای برخوردار است. ویل دورانت در تعریف تمدن می‌نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱، ص. ۳).

توین بی می‌نگارد: «تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر و به‌منزلهٔ اعضای یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کند» (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۱).

از نگاه ابن خلدون که تمدن را «حالت اجتماعی انسان» می‌داند، جامعه‌ای متمدن است که با تشکیل حاکمیت، نظم‌پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا به حفظ نظم و نظارت پردازد و از حالت زندگی فردی به زندگی شهری روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات انسانی چون علم و هنر شده است (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۷۱).

1. Benjamin nelson

به اعتقاد علامه جعفری:

تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید؛ به‌طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶، ص. ۲۳۳)

با علم به بغرنج بودن ارائه تعریفی جامع که تمام لایه‌های درهم‌تنیده تمدن را در برگیرد، بر آنیم: تمدن مجموعه اندوخته‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری انسان اجتماعی است که در جامعه‌ای تطور یافته بروز و تحول می‌یابد.

۱-۲. تمدن اسلامی

بر اساس تعاریفی که ذیل مفهوم تمدن ذکر شد، تمدن اسلامی «شیوه و سبک زندگی اسلامی را شکل می‌دهد و دستاوردهای معنوی مانند اخلاقیات، آداب، سنن، قوانین و انواع هنرهای اسلامی و دستاوردهای مادی مانند صنعت، فناوری، ساختمان‌ها و بناهای مختلف، که حاصل کار دانشمندان، صنعتگران، هنرمندان و افرادی معتقد به اسلام تمدن اسلامی به جامعه بشری عرضه می‌کند» (قاسمی، ۱۳۹۶، ص. ۷).

این تمدن که از آغاز تولد اسلام در مکه شروع به رشد یافت، در قرون بعد فراز و فرودهای بسیاری به خود دید. تمدن اسلامی، معاصر با قرون وسطی در غرب به اوج بالندگی خود رسید و با بروز تمدن مادی گرای غرب و نمو یافتن جوانه‌های مدرنیسم، افول یافت.

برخی از تعاریف، تمدن اسلامی را محدود به آنچه بر این تمدن در دوران شکوه خود گذشته است، می‌دانند. «تمدن اسلامی به اجتماعی از ملل مسلمان اشاره دارد که در محدوده وسیعی از جهان استقرار یافته و مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی را شکل داده‌اند که شیوه و سبک زندگی متمایزی را تشکیل می‌دهد» (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۹۰) به عقیده توین بی: «تمدن اسلامی تمدن شرق در قرون وسطاست که بنیان‌گذار آن فقط ایرانی و عرب مسلمان نبودند» (حاتمی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۸).

امام خمینی و رهبر انقلاب عمده‌تاً تمدن را درون گفتمانی و در حقیقت تمدن اسلامی مطلوب را تعریف نموده‌اند. از سویی امام خمینی در مواردی به ابعاد سلبی این مفهوم پرداخته

و تمدن اسلامی را به‌عنوان ماهیت «غیریت»^۱ ساز با تمدن غربی معرفی کرده‌اند. ایشان تمدن مفید را همان تمدن اسلامی می‌دانند که مجموعه‌ای یکدست از نظام فکری و اخلاقی و سنن و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و دستاوردهای علمی بر پایه اسلام است و شاخصه‌های این تمدن را مذهب، قانون، آزادی، احزاب، استقلال و تقسیم کار اجتماعی می‌دانند.

با تکیه بر تعریف نهایی ارائه شده از مفهوم تمدن برآیند: تمدن اسلامی مجموعه اندوخته‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مسلمانان است که در جوامع اسلامی و بر هسته مرکزی توحید و باورهای دینی و مؤلفه‌های رهبری اسلامی، شریعت اسلامی، اخلاق، علم، عقلانیت و توسعه همه‌جانبه معطوف به حیات طیبه شکل می‌گیرد.

۲-۲. مفهوم تمدن نوین اسلامی

برجسته‌ترین بحث ذیل شناخت مفهوم تمدن نوین اسلامی، تمایز آن با تمدن نخست اسلامی است که با ظهور پیامبر اسلام شکل گرفت و در قرون بعد به شکوفایی رسید. همچنین می‌توان از تمایز آن با تمدن مطلوب سایر اندیشمندان مسلمان به لحاظ مؤلفه‌ها سخن گفت. در این مسئله، سه نگاه وجود دارد:

الف) قائلان به تمایز تاریخی تمدن نوین اسلامی: برخی از پژوهشگران و متفکران تفاوت را روینایی و در مقطع تاریخی تحقق آن‌ها و به تبع مقتضیات متفاوت زمانی فرو می‌کاهند. به باور این طیف، تمدن نوین اسلامی بر همان بنیادهای نظری تمدن نخست شکل می‌گیرد. ازجمله اسماعیلی می‌نگارد: «[تمدن نوین اسلامی] از لحاظ مبنا و مؤلفه‌های اصلی هیچگونه تفکیکی با تمدن اسلامی عصر طلایی ندارد؛ اما در برخی از مسائل فرعی یا ابزار تعالی مانند بهرهوری از علوم امروزی و تجربه‌های ارزشمند بشری، ممکن است دگرگونی‌هایی با تجربه تاریخی گذشته‌اش داشته باشد» (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص. ۵۱).

ب) قائلان به تمایز تاریخی و نظری تمدن نوین اسلامی: این طیف علاوه بر تأخر زمانی، لایه‌هایی عمیق‌تر از تفاوت را در نسبت میان تمدن نوین اسلامی و تمدن نخست لحاظ می‌کنند.

مثلاً رضا غلامی فکر و فرهنگ شکل دهنده تمدن جدید را متمایز میداند: چنان تغییراتی در فکر و فرهنگ اسلامی رخ داده است که باید بین فکر و فرهنگ اسلامی شکل دهنده تمدن یا تمدن‌های قبلی و فکر و فرهنگ شکل دهنده تمدن جدید، تمایز قائل شد... در وجه دیگر، جنبه عینی تمدن در تاریخ مدنظر است... می‌توان این دو تمدن را با دو عنوان «تمدن پیشین» و «تمدن نوین» متمایز نمود. وجه سومی نیز وجود دارد که بر اساس آن، تمدن جدید هم از حیث نظری و هم از جهت بستر تاریخی با تمدن قبلی متفاوت است... به اعتقاد ما مفهوم تمدن نوین اسلامی را باید در وجه سوم جستجو کرد (غلامی، ۱۳۹۴).

ج) قائلان به تمایز صرفاً نظری و ماهوی: معدودی از متفکران در تبیین مفهوم تمدن نوین اسلامی، تأخر زمانی نسبت به تمدن نخست را دخیل و مبنا ندانسته و به ویژگی‌های ماهیتی آن تأکید دارند. موسی نجفی ضمن تأکید بر تمایزات نظری و ماهوی تمدن جدید و تمدن نخست اسلامی، در نگاهی بدیع بر آن است: نوین بودن تمدن نوین اسلامی نسبت به گذشته نیست؛ بلکه نسبت به تمدن غرب، نوین خواهد بود. تمدن نوین اسلامی هرچند یک تقریر جدید و نو از تمدن گذشته است؛ اما نو بودن آن از این جهت است که انقلاب اسلامی ظرفیتی را ایجاد کرده که آن میراث عظیم گذشته تمدنی ما در برخورد با تمدن غرب می‌تواند به یک وضعیت جدید برسد (نجفی، ۱۳۹۴).

در تعریف مفهوم «نوین» و چیستی تمدن نوین اسلامی، آن را دوساحتی دانسته و هر ساحت را دارای ویژگی‌هایی بعضاً متمایز که نهایتاً به هم‌افزایی خواهند رسید می‌دانیم. در ساحت نخست و نضج این تمدن در ایران، ویژگی‌هایی مهم و تعیین‌کننده همچون محوریت مفهوم امامت، اجتهاد پویا و بهره‌مندی از اندوخته‌های بومی و ایرانی، آن را به لحاظ تاریخی و ماهوی از تمدن نخست اسلامی متمایز می‌کند؛ اما در ساحت دوم که شامل سایر جوامع امت اسلامی است، این تمایزها کمتر نمود داشته و به تبع، قرابت آن به تمدن نخست نمود بیشتری دارد.

به باور نگارنده، این تمدن، نه در عرض مفهوم تمدن اسلامی، بلکه ذیل آن تعریف می‌شود. کلمه «نوین» در این مفهوم، خالی از انقلاب مفهومی بوده و بیشتر بر تغایر مصداقی آن با تمدن نخست اسلامی نضج یافته در قرون پیشین صدق می‌کند. در مقام انتزاع، بنیادها، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و اهداف غایی تمدن نوین اسلامی، به صورت مطلق و ژرف، جدای از تمدن اسلامی قابل تعریف نیست؛ اما آنچه تمدن نوین اسلامی را متمایز می‌سازد، تلاش برای عینی کردن و به

انضمام کشاندن آن، با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در عصری نوین و بس متفاوت است.

۳. مبانی و مباحث نظری

۳-۱. ظرفیت تمدن سازی اسلام

برخورداری از کلان نظریه، جامعیت، فراگیری و در کنار این عناصر، نظام‌وارگی یک اندیشه، آن را قادر می‌سازد مقدمات تمدن‌سازی را فراهم کند. اندیشه اسلام با توجه به جامعیت بی‌بدیل خود، به‌راستی مدعی تمدن‌سازی‌ای برای بشریت است که می‌تواند ذخایر و ظرفیت‌های انسانی و امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی جامعه را در قالب محتوا و مظاهر تمدنی بالفعل سازد. از سویی، نقاط عطفی چون اوج‌گیری تمدن اسلامی و دوران شکوه آن، گواه صحت این ادعا و قدرت نظریات اسلامی در تمدن‌سازی است.

۳-۱-۱. ظرفیت و رسالت تمدنی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی برآمده از نگاه حداکثری به اسلامی است که آموزه‌های آن، تمام ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان را شامل است. اسلام نه مجموعه‌ای از دستورات فردی و نه جمعی از ریل‌گذاری‌های جزیره‌ای و پراکنده اجتماعی است؛ بلکه منبعی غنی و جامع برای تشکیل تمدن است و اجرایی کردن آن، جز از مسیر تشکیلی حکومتی تمدن‌ساز نمی‌گذرد. امام خمینی با بهره‌گیری عملیاتی از این منبع و بر اساس نگاه تمدنی خود، ضمن نقد تمدن موجود غربی و «تمدن بزرگ» مورد ادعای رژیم پهلوی، از احیای تمدن اسلامی در قامت یک هدف مهم حکومت اسلامی یاد کرده است؛ لذا است که در کتاب صحیفه ایشان، دو مفهوم «تمدن» و «متمدن» ۱۷۷ بار تکرار شده است.

از منظر امام توحید به‌مثابه نقطه عزیمت نهضت اسلامی، جهت‌گیری حرکت جامعه و نظام سیاسی را به سمت تمدنی بر پایه «عبودیت» و «نشر توحید در عالم» تعیین می‌کند. ایشان این هدف را شامل ابعاد مختلف حیات بشری می‌داند و همین شمول، تکیه‌گاه نظری بحث حاضر در تمدن‌سازی اسلامی است. از نظر ایشان، انسان دارای سه لایه «قلبی، عقلی و ظاهری» است و دستورات انبیا و تمدن برآمده از آن نیز باید پاسخگوی هر سه لایه باشد (ر.ک. به: امام خمینی،

۱۳۸۰، ص. ۳۸۶). بر این اساس و بر مبنای ماهیت و بنیادهای فکری انقلاب اسلامی، در یک جمله می‌توان خط انقلاب اسلامی ایران را حرکت در مسیر پیچیده، چند سطحی و طولانی تمدن‌سازی و اجرایی کردن راهبرد برون‌رفت عقب‌ماندگی جهان اسلام به‌صورت عام و ایران به‌صورت خاص دانست.

۲-۲-۳. تکامل تاریخ

حرکت تاریخ و سیر تکاملی، قهقرایی و ادواری آن، همواره معرکه آرای صاحب‌نظران بوده است. بسیاری از متفکران مسلمان از منظرهای گوناگون بر سیر تکاملی تاریخ و حرکت جهان به سمت عبودیت تأکید دارند. مطهری نظریه تکامل مبتنی بر «فطرت» را مطرح می‌سازد: «انسان تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود یعنی مرحله انسان ایدئال و جامعه ایدئال نزدیک‌تر می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص. ۴۲۷).

طباطبایی از منطری غایت‌گرایانه همین مطلوب را حاصل می‌کند. ایشان در بحث مبسوط خود ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران می‌نگارد: «کاوش عمیق در احوال کائنات نشان می‌دهد که انسان نیز به‌عنوان جزئی از کائنات در آینده به‌غایت و کمال خود خواهد رسید» (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۱۰۶).

بر همین اساس، مفروضات نظری این تحقیق بر آن است: «پرداختن به موضوع مهم و اساسی تمدن‌نوین اسلامی و تدوین طرحی نظری در خصوص این مفهوم، بدون توجه به چشم‌انداز آینده و ترسیم و الگو و هدف، ناتمام خواهد بود» این الگو، بر اساس نظرات صاحب‌نظرانی چون مطهری و طباطبایی در خصوص تکامل تاریخ از منظر «فطرت» و «غایت» قابل استخراج است و بر آن اساس، انسان همچون کل جهان به‌صورتی هدفمند خلق شده و در مسیری ولو دارای فراز و نشیب و همراه با صعود و سقوط جوامع، به سمت کمال و تکامل در حرکت است.

۴. روش

تبیین بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، منقطع از بسترهای شکل‌دهنده آن ناقص خواهد بود. مطابق با اصل «وابستگی به مسیر طی شده» باور بر این است که برای «شناخت» بسیاری از

پدیده‌ها، بایستی آن‌ها را در ظرف زمان و مکان و ضمن بررسی مسیر طی شدهٔ تاریخی آن‌ها، از طریق بررسی پیکربندی‌ای از متغیرهای مؤثر، در ترتیبات نهادی مختلف یا مشابه، مورد مطالعه قرار داد (شجاعی، ۱۴۰۰، ص. ۲۹ به نقل از Mahoney, 2000).

این امر در خصوص شناخت ماهیت «تمدن نوین اسلامی» که از جنس تمدن بوده و «تدریج» بخشی ذاتی از ماهیت آن است، اهمیتی مضاعف دارد. لذا این پژوهش، برای پاسخ به این سؤالات و تعمیق معرفتی نسبت به ماهیت «تمدن نوین اسلامی» از روش تحلیل تطبیق تاریخی (CHA) بهره می‌برد. در این روش، ماهیت یک پدیدار، نه به صورت یک فریم عکاسی، بلکه همچون یک فیلم بلند و برآیندی از روندی تاریخی تبیین می‌شود؛ سکانس‌هایی که عناصر شکل‌دهندهٔ آن پدیدار را شکل داده‌اند.

در روش مختار، آبرژه در قالب کلان ساختارها و فرایندهای بلندمدت مطالعه می‌شود و خروجی آن، منجر به تبیین علل شکل‌گیری آن پدیدار و نیز شناخت ویژگی‌های اکتونی آن خواهد شد (Tilly, 1984, p. 11).

کاربست این روش، در پژوهش‌های علوم سیاسی به صورت‌های گوناگون بوده است. در اینجا بدون فروافتادن در تله‌های روشی و محدودیت‌های زائد، به لایه‌های مبنایی تطبیق تاریخی پایبند خواهیم بود. در مسیر تحقیق، از دل منابع اولیه و ثانویه کتابخانه‌ای، آغازین جوانه‌های فکری و تاریخی شکل‌دهنده پیکره تمدن آرمانی نوین اسلامی را کاویده تکاملی آن را در ضمن بازخوانی مؤلفه‌های نظری آن تبیین می‌نماییم.

۵. داده‌های تحقیق

۵-۱. نهضت فکری و تاریخی انبیا

تمدن نوین اسلامی را بایستی در امتداد مسیر تمدن شکوهمند اسلامی‌ای دانست که با ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی در شبه‌جزیرهٔ عربستان متولد شد و به سرعت گسترش یافت. این دین، خود عصاره و برون‌داد تکامل یافتهٔ رسالتی است که انبیای الهی در بسط توحید، عبودیت، معنویت و عدالت در جوامع انسانی بر عهده داشتند؛ بنابراین نقطهٔ آغاز تمدن نوین اسلامی را در یک کلان نگاه می‌توان آغاز رسالت انبیا و به عبارتی بدو خلقت بشریت دانست؛ پیامبرانی که هر یک بشریت را گامی به سمت این کمال نزدیک ساخته و مهیای نزول کتاب آسمانی

قرآن و تولد تمدن نبوی نمودند. رسالت انبیا که مؤلفه‌های مقوم نهضت اسلامی مردم ایران بر آن پایه گذاری شده، ذیل موارد زیر قابل عنوان‌بندی و تبیین است:

سوق دادن انسان‌ها به توحید تشریعی و تکوینی

نه تنها غایت رسالت انبیا بلکه غایت و هدف اصلی خلقت را می‌توان در توحید محض و بندگی خدا خلاصه نمود: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ...»: «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید» (نحل: ۳۶). مقصود این دعوت، تعالیِ باورها از مسیر توحید الوهی و ربوبی است؛ تا آنجا که خداوند در تمام ابعاد و لایه‌های هستی و از جمله زندگانی بشر ساری و حاکم دانسته شود: «توحید، اولین هدف بعثت پیامبران است... توحید به معنای حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین است (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

عبودیت در مقام عمل و الهی‌سازی فرد و جامعه

این شدن و صیوریت و نیل به افقی چنین بلند، تنها از مسیر پیکرتراشی باورها و تطهیر نظری نخواهد گذشت؛ بلکه این بعد از توحید، آنگاه سالک و جامعه را به مقصود می‌رساند که در عمل و به تعبیر قرآن، «تزکیه» بروز یابد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲)؛ لذا توحید در مقام اعتقاد آغاز مسیری است که غایت آن رسیدن از ابعاد حیوانی به لاهوتی است: «آنچه مقصد ذاتی و غایت بعثت و دعوت انبیا و مجاهدت و مکاشفت گم‌ل و اولیاست، آن است که انسان طبیعی لحمی حیوانی بشری، انسان لاهوتی الهی ربانی روحانی شود و افق کثرت به افق وحدت متصل شود» (اخلاقی و شریعتمداری، ۱۳۸۶، ص. ۳۴۹).

طاغوت‌ستیزی

طغیان انسان مستغنی در برابر پروردگار از ویژگی‌هایی است که قرآن کریم برای انسان ذکر کرده است (علق: ۶). امام خمینی از اولین آیات اولین سوره‌ای که بر پیامبر^(ص) وحی شده است نتیجه می‌گیرد که مقوله طاغوت و طاغوت‌ستیزی «در رأس امور است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۴) قرآن و روایات می‌نمایاند که تبری و قیام علیه طاغوت

و استکبار، از برجسته‌ترین محورهای رسالت انبیا بوده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶). این اهمیت تا آنجاست که این ایستادگی، فراتر دفاع و مقاومت انفعالی، بلکه ماهیتی قیام‌گونه و آفندی دارد: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (شعرا: ۱۰).

اقامه عدل

عدل به موسع‌ترین معنا و برون‌داد آن که به تعبیر حضرت علی در حکمت ۴۳۷ نهج‌البلغه: «العدل يضع الأمور مواضعها» شامل ابعادی محوری و گسترده از رسالت پیامبران است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵): «رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». امام خمینی با تفسیری زیبا از مفهوم عدل و ارتباط آن با این رسالت، آن را با شئون مختلف و وسیع انسان‌سازی متداخل می‌داند: «انبیا همه آمدند آدم را درست کنند. یک نبی‌ای نیامده است که مقصدش این معنا نباشد که انسان را اصلاح کند. اقامه عدل، همین درست کردن انسان‌هاست» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۵) ایشان البته در موارد متعدد، معنای متبادر از عدالت و به مثابه ایستادگی در برابر ظلم و حق‌ستانی مظلوم را مراد گرفته‌اند: «اساساً انبیاء خدا-صلوات الله و سلامه علیهم- مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور، و خدمت به مظلومان و ستم‌دیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۶).

ساماندهی به امور دنیوی

دقت در ماهیت و رسالت دین و نیز بسیاری از آموزه‌های این دنیایی آن گواه است که هدف انبیا ساماندهی توأمان دنیا و آخرت در شبکه‌ای از روابط الهی و متعالی است. برخلاف آنچه برخی روشنفکران که با نگاهی تقلیل‌گرا به دین نگریسته‌اند و این برداشت، به عنوان نمونه در نام کتاب آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء مهدی‌بازرگان نمودی واضح دارد، اصولاً تفکیک سعادت واقعی دنیوی و اخروی، بالذات امکان‌پذیر نیست.

امام خمینی نامحدود بودن مقوم‌های دین را دلیل این امر دانسته‌اند:

و گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای اینکه، این دنیا را اداره بکند، یا آمده است فقط برای اینکه مردم را متوجه به آخرت بکند، یا آمده است که مردم را آشنای به معارف الهیه بکند. محدود کردن، هر چه باشد خلاف واقعیت است. انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است؛ نه محدود به عالم طبیعت و ماده است، نه محدود به عالم غیب است، نه محدود به عالم تجرد است، همه چیز است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص. ۴۲۲)

لذا دین به دنبال ساماندهی وجوه مختلف زیست دنیوی از جمله «رفاه مستضعفین» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص. ۵۳۱). «مالیات‌هایی نظیر خمس و زکات و خراج را بگیرد و صرف مصالح مسلمین کند؛ عدالت را بین ملت‌ها و افراد مردم گسترش دهد، اجرای حدود و حفظ مرز و استقلال کشور کند» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۷۱).

تشکیل حکومت

پیامبران نخستین رهبران نهضت تمدنی الهی در زمین بوده‌اند. آنان در مقام تشکیل و تعالی ابعاد نرم‌افزاری و فرهنگی تمدن و گاه حتی در ابعاد عینی و سخت‌افزاری و حتی صنعتی، سرآمد بوده و در مقاطعی به دست انبیائی چون حضرت سلیمان و داوود (علیهما السلام) موفق به شکل حکومت توحیدی شده‌اند.

مروری بر پنج عنوان قبلی و در نظر گرفتن لوازم و موانع تحقق آن‌ها، ما را به سمت ضرورت تشکیل حکومت خواهد رساند. اصولاً بسیاری از آموزه‌های دین و به‌ویژه آنجا که بحث در قامت ساخت تمدنی جامع بلندا می‌یابد، تنها در ذیل حکومت دینی مجال عینیت می‌یابد: «هدف بعثت‌ها، به‌طور کلی، این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند. و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۷۰).

بر اساس آنچه بررسی شد، رسالت انبیا، رسالتی فرازمانی و فرامکانی بوده که ساماندهی امور اخروی و دنیوی بشریت را هدف داشته است؛ این شمول، ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری‌ای را در برمی‌گیرد که طبق تعریف مختار پژوهش از مفهوم تمدن، مؤلفه‌های این مفهوم و مقصود را در خود جای می‌دهد. لذا و در یک جمله، رسالت پیامبران، بنیادگذاری تمدنی

الهی بوده است. این بنیاد، اساس حرکت متعالی بشر در قرون بعد را فراهم ساخت: «دعوت انبیاء روزبه‌روز در دنیا ماندگارتر، فراگیرتر و بیشتر به ذهن مردم و دل‌های مردم آشنا و نزدیک شده است. شیاطین کار می‌کنند؛ اما طبیعت عالم و حرکت عالم به‌سوی حق است» (دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۷).

۲-۵. تمدن نبوی و پایه‌گذاری نهال تمدن اسلامی

با ظهور اسلام، به‌مثابه کامل‌ترین برنامه تمدن‌سازی، جامعه بدوی عربستان خاستگاه تمدنی قدرتمند و جامع گشت و به‌سرعت مرزهای حجاز را درنوردید. رسالت پیامبر اعظم صورت تکامل یافته رسالت انبیاء پیشین بود و بر همان پایه‌های شش‌گانه پیش گفته شکل گرفت. ایشان را بایستی بنیان‌گذار تمدن اسلامی‌ای دانست که بسیاری از آمال و البته ثمرات گسترده و جهانی آن را دنیا در قرون بعد مشاهده نمود. آنچه درواقع اعجاز تمدنی اسلام به شمار می‌آید آن است که برخلاف سایر تمدن‌ها که عمدتاً فرایندی چندقرنه در تبدیل اندیشه به فرهنگ و فرهنگ به تمدن طی نموده‌اند، تمدن اسلامی با تکیه بر وحی، ایمان و ایدئولوژی قدرتمند و منحصربه‌فرد، به‌سرعت متولد گشت و نضج یافت: «نبی مکرم... توانست در طول ۲۳ سال جریانی به راه بیندازد که این با همه موانع تا امروز تاریخ را جلو رانده و پیش برده است... در همین مدت پیغمبر اکرم توانست... حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۹/۴).

۳-۵. نهضت جامع اهل‌بیت؛ تحکیم ریشه‌های تمدن نبوی و نضج فرهنگ سیاسی تشیع

پس از رحلت پیامبر^(ص)، آنچه تمدن نوین نبوی را گامی بلند به تثبیت و بالندگی نزدیک کرد، حرکت جامع اهل‌بیت^(ع) در تحکیم ریشه‌های این تمدن، رویارویی با تهدیدها در قالب‌های متنوع و ارائه الگویی جامع برای نیل بشریت به تمدنی تمام‌عیار بود. این حرکت البته از روز غدیر خم و تبیین و تکمیل دو مفهوم هم‌افزای «ولایت» و «امامت»، این دو مفهوم بلند و مؤلفه محوری تمدن نوین اسلامی، چه در دوران نخست و چه در احیای امروزی آن آغاز و با بلندترین معارف فردی و اجتماعی از زبان و سیره حضرت فاطمه^(س) و امیرالمؤمنین چه در دوران سکوت و چه حکومت‌داری ادامه یافت. حسنین (علیهما السلام) با قیام و قعود خود

الگوهای راستین و قوانین مقوم تمدن را کامل تر کردند و قیام عاشورا، علاوه بر بعد الگوارۀ خود، به موتور محرک بی‌بدیلی برای خیزش بشریت به سمت تعالی مبدل شد. امام سجاد^(ع) با درک صحیح و فهم عمیق دست به اصلاح تفکر و فرهنگ جامعه به‌عنوان زیربنا و زمینه و نرم‌افزار تمدن اسلامی زد. اگر در دوران امام باقر^(ع) می‌بینیم که شیعه دوباره احساس وجود و شخصیت می‌کند... اگر در تاریخ، عصر امام صادق^(ع) را عصر جنبش فکری و فرهنگی معرفی می‌کنند، مرهون تلاش و صبر و برنامه‌ریزی صحیح امام سجاد^(ع) است (امامی، ۱۴۰۳، ص. ۶۶) و اگر «۳۵ سال تلاش امام سجاد را از زندگی ائمه قطع کنیم، قطعاً به آنجایی نخواهیم رسید که امام صادق رفتاری آن‌چنان صریح و آشکار با حکومت اموی یا بعدها با حکومت عباسی داشت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص. ۲۵۴).

در گام بعد، نهضت علمی، باشکوه امام باقر و امام صادق^(ع) در شرایط افول بنی‌امیه و ظهور بنی‌عباس، نقطه عطف دیگری است که تعالیم اسلامی را در دو عرصهٔ ارائهٔ طریق و ایصال به مطلوب گسترش داد و جامعه اسلامی را با جهش معرفتی، چه در عرصهٔ حیات فردی و چه در عرصهٔ حیات اجتماعی مواجه کرد (غلامی، ۱۳۹۶، ص. ۷۴).

بروندادهای این نهضت چنان بود که «دستگاه خلافت ناگزیر از برخورد خشونت‌بار با این جریان و محبوس نمودن امام کاظم^(ع) در زندان می‌گردد... [باوجود آن‌که] این حقیقت مورد غفلت قرار می‌گیرد، اوج نهضت علمی امامان شیعه در زمان امام رضا^(ع) واقع شد» (همایون، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۴) حضور تابناک ایشان در مجالس بزرگ مناظره در عصر مأمون، از زمینه‌های این دستاورد به شمار می‌رود. از سویی، حضور ایشان در ایران، پایه‌گذار تحکیم ریشه‌های معرفتی تشیع در این دیار، به‌عنوان خاستگاه احیای «تمدن نوین اسلامی» در عصر امروز گشت باوجود به اوج رسیدن نهضت علمی در زمان امام رضا^(ع)؛ اما همچنان جای خالی مؤلفه‌ای مهم در ترویج خروجی‌های این نهضت و ایصال آن به «تمدن» پابرجا بود. این مؤلفه، همان «حَمَلَه» و نخبگان متعهد جامعه هستند که با درک دقیق و عمیق علوم ائمه^(ع)، حتی در غیبت یا محدودیت معصوم^(ع) به گسترش آن پردازند. «در این نوع نگاه، ما فرایند غیبت را نه از زمان ورود شیعه به دوران غیبت صغرای امام زمان (عج) که از زمان به امامت رسیدن امام جواد^(ع) ارزیابی می‌نماییم» (همایون، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶) اهمیت ورود سیر تاریخی شکل‌گیری تمدن

اسلامی به این مرحله، در زمان امامین عسکریین که به واسطه محدودیت‌ها و مظلّم خلفا، حتی بسیاری از شیعیان موفق به دیدار امام خود نشدند، نمودی واضح دارد این نمود، با غیبت صغری و سپس کبرای امام موعود، عینیتی مضاعف می‌یابد. آنجا که زیدگان این «حمله» به مثابه نائب خاص و سپس تا عصر ظهور به عنوان نائب عام امام، سکان‌دار حفاظت از دین و پیشبرد رسالت تمدنی ائمه^(ع) معرفی شدند.

۴-۵. دوران طلایی تمدن اسلامی

هم‌زمان با نهضت ائمه اطهار^(ع)، گسترش قلمروی حکومت اسلامی و فتوحات جدید، باعث شد این تمدن تشنه پیشرفت و پر ظرفیت، با سایر تمدن‌ها هم‌مرز شود. از همین طریق، ظرفیتی جدید برای شناخت و انتقال دستاوردهای سایر تمدن‌ها به داخل حوزه تمدن اسلامی فراهم شد. این امر از طریق نهضت ترجمه و نیز تأسیس نهادهای تمدنی همچون مدارس و کتابخانه با سرعتی چشمگیر صورت گرفت.

در سده سوم هجری تمدن اسلامی به «تمدنی فوق تمدن‌ها» تبدیل شد: «مجد آن‌ها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آن‌ها فوق تمدن‌ها بود؛ معنویات آن‌ها بالاترین معنویات بود؛ رجال آن‌ها برجسته‌ترین رجال بود؛ توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود؛ سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۳۷۴)؛ بنابراین می‌توان این سده را آغاز عصر طلایی تمدن اسلامی دانست؛ عصری که در سده چهارم به اوج خویش می‌رسد.

استیلای تمام‌عیار اسلام در تمدن‌سازی و خروجی آن در قالب تولید علم و فرهنگ تا قرن پنجم ادامه یافت. پس از آن، تمدن اسلامی به سرعت فروپاشید. به قول ویل دورانت، هیچ‌یک از تمدن‌های تاریخ همچون تمدن اسلام، دچار ویرانی ناگهانی نشده است. گرچه بر سر عوامل این پدیده غمبار اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما در نگاهی کلان می‌توان عواملی چون تحجر، تصوف، خودکامگی، هجوم بیگانگان و سقوط اندلس را دخیل دانست (اسفندیار، ۱۳۹۱، ص. ۷۰).

این فراز و فرودها، از خاستگاه‌های فکری و تاریخی طرح احیای تمدن نوین اسلامی به شمار می‌روند. این تأثیر در ذیل چند عنوان قابل بررسی و مذاقه است:

خلق تجربه زیسته^۱

تجربه زیسته، همان‌طور که در تحقیقات کیفی [پدیدارشناسی] درک می‌شود، بازنمایی و درک تجربیات، انتخاب‌ها و گزینه‌های انسانی محقق یا موضوع تحقیق و چگونگی تأثیر آن عوامل بر درک فرد از دانش است. تجربه زیسته از دیدگاه شخصی و منحصر به فرد محققان صحبت می‌کند (Boylorn, 2008)؛ لذا تجربه زیسته، نه -آن‌چنان که بعضاً در افواه معنا یافته- اصل آن وقایع تجربه شده است، بلکه آن معنا و بازنمایی است که از دل آن وقایع در ذهن نقش می‌بندد.

عینیت یافتن شکوه تمدن اسلامی در قرون متقدم، پیش از هر چیز مفهوم انتزاعی «تمدن اسلامی» را در ذهن مسلمانان قرون بعد به‌عنوان سوژه^۲، تصویری انضمامی و ملموس^۳ بخشید؛ تصویری که بدون تولد آن، امید و ریل‌گذاری برای احیای تمدن اسلامی بی‌معنا خواهد بود.

خلق امید و باورپذیری

در مسیر احیای تمدن اسلامی، «امید مهم‌ترین ابزار پیشرفت است» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۸/۲۸) در فراترکیب صورت گرفته در خصوص راهبردهای نیل به تمدن نوین اسلامی، «ارتقای امید به پیروزی و آینده تمدن نوین اسلامی» یکی از پربسامدترین راهبردهایی است که پژوهشگران حوزه تمدن در قالب ۲۳ اثر، شامل کتاب، مقاله و رساله بر آن تأکید داشته‌اند (صدرشیرازی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۶).

اگر شکل‌گیری تمدن نبوی در صدر اسلام و تعمیق پایه‌های آن توسط ائمه اطهار^(ع)، چهارچوب نظری و اساس اولیه ایجاد تمدنی بزرگ را بنا نهاد، به ثمر نشستن آن بنیاد در عصر طلایی تمدن اسلامی، بسان تجربه‌ای عینی و بالفعل شده و نمونه (تا حدی) آرمانی، برای همیشه تاریخ در برابر چشم مسلمان قرار گرفته است؛ تجربه‌ای که تکرار و احیای آن تمدن و حتی فراتر از آن را در عصر غیبت باورپذیر نموده است

-
1. Lived Experience
 2. Subject
 3. Objective

خلق ذخایر انباشتی تمدن

در تعریف ارائه شده از مفهوم تمدن در صدر این جستار، یعنی «مجموعه اندوخته‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری انسان اجتماعی است که در جامعه‌ای تطور یافته بروز و تحول می‌یابد»، کلمه «مجموعه» ما را به شمول حداکثری، «اندوخته‌ها» به شمول داشته‌ها و مصنوعات و پدیدارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رهنمون می‌سازد. امروز، گرچه به‌راستی سخن از انحطاط تمدن نخست اسلامی می‌رود؛ اما این افول به معنای از میان رفتن بسیاری از «اندوخته‌ها» و دستاوردهای فکری و عینی آن نیست.

کاروان علم [امروز] بشری به‌اندازه‌ای که مدیون نام‌های بزرگی چون فارابی، ابن‌سینا، غزالی، ابن‌رشد، ابن‌خلدون، الزهراوی، رازی، ابن‌هشیم و ملاصدراست، مدیون حیث تمدن‌آفرینی مکتبی است که حتی مسلمان شدن را نیز جز به تعقل و معرفت در اصول قبول ندارد (خرمشاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸).

امروز اگر به‌راستی سخن از احیای آن تمدن می‌رود، مستظهر و با تکیه بر آثار اندیشمندان و متفکران متقدم، علوم نظری و تجربی انباشته، مسیر طی شده، فرهنگ روبه‌جلو رفته و تجارب گوناگون به‌دست آمده از علل فراز و فرود تمدن نخست اسلام است؛ بنابراین تجربه ثبت شده مسلمانان در قلمرو تمدن قبلی می‌تواند به‌عنوان یکی از سرچشمه‌های علوم قرار گیرد. تاریخ و آگاهی‌های تاریخی ما مدعی ارائه الگو است. تجربه تاریخی مسلمانان (تمدن اسلامی) به‌عنوان یکی از سرچشمه‌های تحول بر علوم و در زمره مدعیان ارائه الگویی برای چگونگی اسلامی سازی آن است (الویری، ۱۳۹۵).

۵-۵. بیداری اسلامی و غیریت‌سازی با تمدن غرب در دو سطح منطقه و ایران

افول تمدن اسلامی، قرن‌ها تداوم یافت. گذشت زمان به پیشرفت بیشتر تمدن مدرن و عقب‌ماندگی مضاعف مسلمان انجامید. این گسست، به وابستگی فکری به غرب و خودباختگی هویتی برخی مسلمانان انجامید. همچنین تصرف قسطنطنیه در ۱۹۱۸ به‌وسیله بریتانیا، فرانسه و ایتالیا و فروپاشی امپراتوری عثمانی به‌عنوان مظهر قدرت مسلمین، موجی از سؤال را در میان مسلمانان ایجاد نمود. با این محور که «چرا غرب پیشرفت کرد و مسلمانان عقب ماندند». این

پرسش، خاستگاه تلاش‌های ارزشمند در میان اندیشمندان ایران و عرب گردید. برجسته‌ترین این صاحب‌نظران در اولین موج بیداری اسلامی سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. به اعتقاد ایشان: «باید برای یافتن علل این سقوط و سبب این مذلت به خود رجوع کنیم» (اسدآبادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲). اندیشه‌ها و تحرکات بین‌المللی سید جمال موحی از بیداری اسلامی را به راه انداخت.

معاصر او و در سال‌های بعد، اندیشمندان بسیاری به بررسی علل عقب‌ماندگی جهان اسلام پرداختند: «مودودی به‌عنوان راه‌حل، جهاد، انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی را مطرح میکند» (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص ۲۲). حنفی بر عقل‌گرایی و مطالعه عقلی متون دینی و از سویی بر علم‌گرایی تأکید دارد (بصری بسیج، ۱۳۹۵). به عقیده بن‌نبی، جهان اسلام باید ضمن حفظ ارزش‌های اخلاقی، خود را از طریق یک برنامه‌ریزی منظم علمی به سطح بالای پیشرفت مادی برساند (بن‌نبی، ۱۹۸۹، ص ۱۷۰) و سید قطب به‌واسطه «روح اهریمنی تمدن غرب»، بر بومی‌گرایی، گذشته‌گرایی و ارائه یک آلترناتیو اسلامی برای تمدن غرب تأکید می‌نماید (اکوانی و ارژنگ، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

آخوند خراسانی «قطع ید استعمار، حفظ بیضه اسلام، جایگاه بالای عدالت در تمدن منور، نابودی ظلم به ملل ضعیف و آزادی» را راه‌حل نجات می‌دانست (کیخا، ۱۳۹۶، ص ۹). شیخ فضل‌الله نوری از علمای بنیادگذار نهضت مشروطه در حالی از اضافه شدن عنوان و محتوای «مشروع» دفاع می‌نمود که به ظواهر تمدنی و ساختارهای سیاسی برآمده از مدرنیسم پایبند بود (کیخا، ۱۳۹۶، ص ۱۹). نائینی آشکارا تشکیل حکومت اسلامی بر محور نیابت ولایی فقها را راه احیای تمدن اسلامی می‌دانست و قناعت به مشروطه را من باب دفع افسد به فاسد می‌پذیرفت (نائینی، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

گرچه شکست مشروطه و مخصوصاً شهادت شیخ فضل‌الله باعث به محاق و انزوا رفتن اندیشه‌های احیاگرانه و نظریه‌پردازی در احیای تمدن اسلامی گشت؛ اما مدرس نگذاشت این پرچم حتی در سایه سنگین‌ترین فشار اختناق رضاخانی بر زمین ماند. او در اندیشه‌های

احیاگران خود، آشکارا رویکردی تمدنی داشت و با وقوف بر آسیب‌های عصری و نیز عصر طلایی تمدن اسلامی، به دنبال احیای این تمدن از طریق احیای لوازم آن بود (ترکمان، ۱۳۶۸، ص. ۸۴).

از سوی، عبدالکریم حائری یزدی و بروجردی به ترتیب با تأسیس حوزه علمی قم و تثبیت و تحکیم جایگاه مرجعیت شیعه و ارتقای جایگاه حوزه‌های علمیه در ایران، زمینه را برای آغاز نهضت تاریخی مردم ایران به رهبری امام خمینی آغاز کردند.

۶-۵. انقلاب اسلامی، نقطه عزیمت احیای تمدنی

نهضت منتج به انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌های نظری مستحکم و منظومه اندیشگانی جامع امام خمینی بنیادگذاری شد که از آغاز، تمدن سازی اسلامی را بخشی از ماهیت این نهضت می‌انگارد. به تعبیر خرمشاد: «از آنجا که حدوث انقلاب اسلامی ذاتاً تمدنی است، چاره‌ای ندارد جز اینکه بقای تمدنی نیز داشته باشد. انقلاب اسلامی باید بتواند الهام‌بخش و مبنای شکل‌دهی تمدن نوینی در ایران باشد، در غیر این صورت محکوم به زوال و نابودی خواهد بود» (خرمشاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸).

در سیر تکاملی تبیین شده در این تحقیق، پیروزی انقلاب اسلامی در اوج قرار می‌گیرد؛ هرچند از منظری دیگر، این خود آغاز یک حرکت است. انقلاب اسلامی توانست آنچه را برای بیدارگران اسلامی نظیر سید جمال، حسن البنا، سید قطب، امیر عبدالقادر، بن‌بادیس، بشیر الابراهیمی، مودودی، اقبال، محمدباقر صدر، محمدباقر حکیم، نورسی، الفاسی، سنوسی، عمرمختار، امام موسی صدر، کاشانی و نواب یک آرزو و گاه یک رؤیا محسوب می‌شد، جامعه عمل پوشانده و در عینیت تمام و کمال محقق سازد. این گونه بود که با انقلاب اسلامی ایران، موج اول بیداری اسلامی که با سید جمال آغاز شده و بیشتر نظری بود، به موج دومی منتهی شد که بیشتر عمل‌گرا، عینیت‌بخش و پیش‌برنده بود (خرمشاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۴). موجی که به سرعت کشورهای منطقه و سپس جغرافیای جهان و حتی تئوری‌های رایج انقلاب را در میان اندیشمندان درنوردید و جنبش‌های عینی و فکری متعدد بیداری را شامل شد.

در فراترکیب پیش‌گفته، پیروزی انقلاب اسلامی با اختلاف، پربسامدترین زمینه «عینی و فکری» احصا شده در طرح تمدن نوین اسلامی است؛ به گونه‌ای که محققان ایرانی در ۳۱

اثر پژوهشی مستقل شامل پایان‌نامه، کتاب و مقاله بر آن تأکید کرده‌اند (صدرشیرازی، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۰).

این امر، در آثار متفکران غربی نیز نمودی آشکار دارد. فوکویاما انقلاب اسلامی را نقطه عطفی در احیای «بنیادگرایی اسلامی» ای می‌داند که داعیه احیای دوران شکوه تمدنی اسلام را دارد (ثابتی منفرد و نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۰ به نقل از فوکویاما، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۳). ساموئل هانتینگتون پس از اشاره به این دو نکته که اسلام تنها تهدیدکننده واقعی غرب است و مواجهه غرب و اسلام، تمدنی است، خاستگاه این مواجهه را احیای این تمدن در قالب انقلاب اسلامی می‌داند: «بعد از انقلاب ایران در ۱۳۷۹، یک شبه جنگ تمدنی میان اسلام و غرب به وجود آمد» (هانتینگتون، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۱)؛ لذا «انقلاب اسلامی»، نه تنها زمینه «طرح تمدن نوین اسلامی» که بخشی از فرایند تحقق آن است. رابطه دو مفهوم فوق، رابطه دو مفهوم مجزا و البته مرتبط با یکدیگر نیست؛ بلکه این دو مفهوم، درهم تنیدگی ماهوی داشته و دارای رابطه‌ای ارگانیک و اندام‌وار هستند. تمدن نوین اسلامی، هدف کلان انقلاب اسلامی و البته جزئی از ماهیت این انقلاب «مستمر» است.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران نقطه عزیمت طرح تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود؛ این پدیده، ثمره رشد عقول، تعالی روح بشریت و بسترسازی در دیگر ابعاد، طی قرون متمادی است؛ بنابراین طرح تمدن نوین اسلامی، زمینه‌ها و ریشه‌هایی به عمق تاریخ و گستره‌ای به پهنای جغرافیای جهان دارد. بر این باوریم که پرداختن به ماهیت این آرمان، منقطع از فرایند تاریخی تکامل آن ناقص خواهد بود؛ نقضی که خود، زمینه‌ساز ابهامات و کژتابی‌ها در مواجهه با انقلاب اسلامی و رسالت تمدنی آن است. واکاوی بسترهای طرح تمدن نوین اسلامی که تلفیقی نه‌چندان قابل تفکیک از مبانی فکری و تاریخی است، مسئله این جستار بود. این تحقیق، در پژوهشی مستقل و تخصصی و نه در عرض و عرض سایر موضوعات، به این مسئله پرداخته و در پاسخ به این سؤال که «طرح نظریه احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب بر کدام بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی نضج یافته»، با روش تحلیل تطبیق تاریخی (CHA) سیر حرکت تکاملی تاریخ را در قالب خط‌زمانی آغاز یافته از زمان خلقت انسان بررسی نمود. در این مسیر،

در ابتدا مفهوم تمدن و تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی را بررسی و ضمن بازخوانی برخی از تعاریف موجود، تعریفی مستقل ارائه شد. در بیان چهارچوب نظری بحث، باور به ظرفیت تمدن سازی اسلام، ظرفیت و رسالت تمدنی انقلاب اسلامی و نگاه تکاملی به تاریخ را به مثابه بنیاد فکری برگزیدم.

بر اساس یافته‌های پژوهش، حرکت تعالی بخش انبیا در قالب هفت مؤلفه قابل تطبیق با تمدن نوین اسلامی، تمدن نبوی به مثابه پایه گذار نهال تمدن اسلامی، نهضت جامع اهل بیت در دو قالب تحکیم ریشه‌های تمدن نبوی و توسعه فرهنگ سیاسی تشیع، دوران طلایی تمدن اسلامی در سه قالب: خلق تجربه زیسته، خلق امید و باورپذیری و نیز خلق ذخایر انباشتی تمدن، بیداری اسلامی در دو سطح منطقه و ایران و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیتی تمدنی در حدوث و بقاء، بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی‌ای را فراهم نمودند که جمهوری اسلامی در تراز و افقی به بلندای داعیه احیای تمدن اسلامی متعالی شود.

منابع

- اکبری، مریم (۱۳۹۷). چالش‌های فکری انقلاب اسلامی و راهکارهای آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۵). *مقدمه ابن خلدون*. ترجمه محمد پروین، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسدآبادی، سید جمال‌الدین (بی‌تا). *عروة الوثقی*. ترجمه زین‌العابدین کاظمی، تهران: انتشارات حجر.
- اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶). تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری با تأکید بر تمدن نوین اسلامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه معارف اسلامی.
- اخلاقی، مرضیه و شریعتمداری، شایسته (گردآورندگان) (۱۳۸۶). *انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- الویری، محسن (۱۳۹۵). فرایند سازگار شدن دانش‌های برون‌دینی با بایستگی‌های جامعه اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه باقرالعلوم^(ع).

<https://www.dtc.ir/Portal/home/?news/562718/589123/435350>

- اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۳). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، ۳ (۵)، ۸۵-۱۰۸.
dor: 20.1001.1.23295599.1394.3.5.4.7

- اکوانی، حمدالله و اردوان، ارژنگ (۱۳۹۱). مدرنیته و اندیشه احیاگر: مروری بر اندیشه سیاسی سید قطب. دانش سیاسی، ۱ (۲)، ۳۳-۵۴.
<https://ensani.ir/fa/article/365803>

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۸۰). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۹۲). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم.

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۸۱). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- امامی، معصومه (۱۴۰۴). بررسی مؤلفه‌ها، موانع و راهبردهای تمدن‌سازی اسلامی در ادعیه امام سجاده^(ع). رساله دکتری، دانشگاه اراک.

- امینی، جواد (۱۳۹۴). نقش دولت در تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

- بابایی، احسان و جوکار، حامد (۱۳۹۹). سیر تکاملی تاریخ از دیدگاه استاد مطهری. مطهری‌پژوهی، ۱ (۱)، ۶۷-۹۸.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1861573>

- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). تبارشناسی مفهوم «تمدن civilization» در غرب جدید (ضرورت احتیاط در استفاده از واژه تمدن). فصلنامه آینه پژوهش، ۲۸ (۷)، ۵۳-۶۲.

[doi: 10.22081/jap.2017.65189](https://doi.org/10.22081/jap.2017.65189)

- بازرگان، مهدی (۱۳۷۷). آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء. تهران: نشر رسا.

- بصیری بسیج، عباس (۱۳۹۵). بررسی اجمالی اندیشه و دیدگاه‌های حسن حنفی، دو فصلنامه پژوهش در تاریخ، ۷ (۳ و ۴)، ۱۲-۳۰. https://pdtsj.ut.ac.ir/article_71173.html
- بن نبی، مالک (۱۹۸۹م). وجهه العالم الاسلامی. ترجمه عبدالصبور شاهین، دمشق: دارالفکر.
- پوپر، کارل (۱۳۶۶). جامعه باز و دشمنان آن. ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۸). مدرس در پنج دوره تقنینیه، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ثابتی منفرد، امیرحسین و نجفی، موسی (۱۳۹۹). چالش تمدنی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا با تأکید بر نظریات کسینجر، هانتینگتون و فوکویاما. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۷ (۶۰)، ۹۳-۱۱۲. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1708919>
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. تهران: علمی و فرهنگی.
- جهانبین، فرزاد و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳). فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱ (۳۹)، ۲۹-۴۶.
- https://enghelab.maaref.ac.ir/browse.php?a_id=1043&sid=1&slc_lang=fa
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰). مؤلفه‌های تمدن اسلامی. مجموعه مقالات آفاق تمدنی انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، صص ۲۳۹-۲۷۰.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله: نگاهی یکپارچه به سیره سیاسی و روش مبارزاتی ائمه^(ع). تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی (مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، صهباء).
- حیدری، محمد ثابت (۱۳۹۵). تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۶ (۲۳)، ۱۲۷-۱۵۴. https://www.jsfc.ir/article_15329.html
- درخشه، جلال (۱۳۹۰). آفاق تمدنی انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق^(ع).
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۴/۳/۱۷). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22816>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۴/۹). بیانات در دیدار مسئولان نظام

- در روز عید مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12834>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۹/۱۲/۲۱). بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (۱۴۰۱/۸/۲۸). دیدار مردم اصفهان. <https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=51369>
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورانت، آریل و دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۰). مشرق زمین گاهواره تمدن. ترجمه عسکری پاشایی، امیرحسین آریانپور، احمد آرام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی شمس آبادی، محمدحسین (۱۳۹۹). نخبگان و تمدن سازی اسلامی. تهران: نشر تراث
- سپهری، محمد (۱۳۸۵). تمدن اسلامی در عصر امویان. تهران: نورالثقلین.
- شجاعی، نیما (۱۴۰۰). درآمدی بر روش تحلیل تطبیقی - تاریخی در ارتباط با موضوع دموکراسی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲۲ (۳)، ۲۷-۵۰.
- [doi:10.22034/jsi.2021.250828](https://doi.org/10.22034/jsi.2021.250828)
- صدرشیرازی، محمدعلی (۱۴۰۲). چیستی و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی در آثار متفکران ایرانی بعد از انقلاب. رساله دکتری، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۴ ق). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات اسلامی.
- عزتی، امیرحسین، چهاردولی، عباس و ترابی، محسن (۱۳۹۹). مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۲۸ (۱)، ۷۵-۹۶. https://im.ihu.ac.ir/issue_2201029_2201030.html
- علیجان‌زاده روشن، محمدحسین (۱۳۹۴). تمدن اسلامی؛ نگاهی اجمالی به بیانات رهبر معظم انقلاب در این باره. قم: مجد اسلام.

- غلامی، رضا (۱۳۹۴). عبرت‌های انحطاط؛ درآمدی بر مبنا و معنای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. <https://r-gholami.ir/?p=987>
- غلامی، رضا (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی. تهران: سوره مهر.
- فوزی، یحیی و محمود رضا صنم زاده (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی. فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۳ (۹)، ۴۰-۷.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/989914>
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۵). پایان تاریخ و انسان واپسین. ترجمه عباس عربی و زهره عربی، تهران: نشر خنکده.
- قاسمی، حاکم (۱۳۹۶). تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی. دو فصلنامه آینده‌پژوهی در ایران، ۲ (۲)، شماره پیاپی ۳، ۲۱-۳.
- [doi: 10.30479/jfs.2017.1558](https://doi.org/10.30479/jfs.2017.1558)
- کیخا، رقیه (۱۳۹۶). سنخ‌شناسی متفکران معاصر ایرانی در احیای تمدن اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی.
- لوکاس، هنری استیون (۱۳۶۶). تاریخ تمدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات کیهان.
- محمودی کیا، محمد (۱۳۹۹). امام خمینی و مسئله تمدن‌اندیشی، به مناسبت سی و یکمین سالگرد بزرگداشت حضرت امام خمینی.
- <https://www.ri-khomeini.ac.ir/fa/content/article/single/id/3672>
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۲). نبوت از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مومنی‌ها، محمدهادی و نجف‌علیزاده، مجید (۱۳۹۸). نقش نخبگان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. تهران: کهکشان علم.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تنبیه‌الامة و تنزیه‌الامة. به کوشش سید جواد ورعی، قم: بوستان کتاب.

- نجفی، موسی (۱۳۹۴). تمدن‌سازی در ذات انقلاب اسلامی است.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/10/27/973313>

- نجفی، موسی و غلامی، رضا (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵ (۵۵)، ۱۲۱-۱۴۰.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1515199>

- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۱). نظریه برخورد تمدن‌ها؛ هانتینگتون و منتقدانش. ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: وزارت امور خارجه.

- همایون، محمدهادی (۱۳۹۰). هویت تمدنی انقلاب اسلامی ایران و رسالت زمینه‌سازی ظهور. مجموعه مقالات آفاق تمدنی انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، صص ۱۵۱-۱۸۲.

- Boylorn, R. (2008). Lived Experience. In: The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods, doi.org/10.4135/9781412963909.n250

- Huntington, S. P. (1993). The Clash of Civilizations?. *Foreign Affairs*, 72 (3), 22-49. [doi:10.2307/20045621](https://doi.org/10.2307/20045621). ISSN 0015-7120. JSTOR 20045621

- Lewis, B. (1990). The Roots of Muslim Rage. *The Atlantic Monthly*, 226(3), 47-60. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/1990/09/the-roots-of-muslim-rage/304643/>

- Mahoney, J. (2000). Path Dependence in Historical Sociology. *Theory and Society*, 29(4), 507- 548.

- Tilly, C. (1984). *Big Structures, Large Processes, Huge Comparisons*. New York: Russell Sage Foundation. <https://www.jstor.org/stable/10.7758/9781610447720>